



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

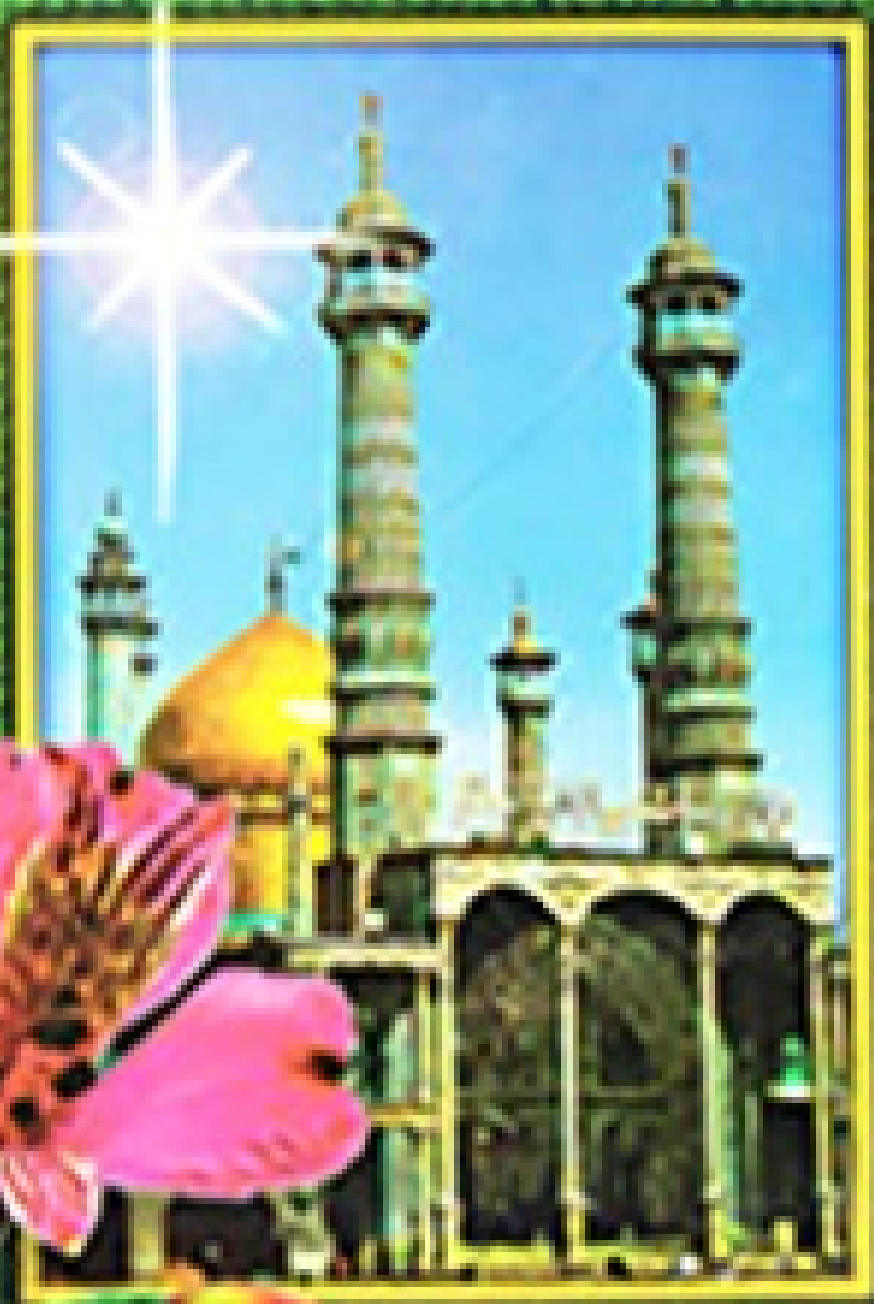
.org

.net

.ir

۱

# ستارگان حرم



گروهی از نویسندگان ماهنامه کوثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# ستارگان حرم: اختران حریم معصومه (س) - ۱

نویسنده:

ماهنامه کوثر

ناشر چاپی:

زائر - آستانه مقدسه قم

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۱۳	ستارگان حرم: اختران حریم معصومه (س) - ۱
۱۳	مشخصات کتاب
۱۴	اشاره
۲۲	زکریا بن آدم (امین معصومین(ع)) / سید سیف الله نحوی
۲۲	مقدمه
۲۲	خاندان اشعری
۲۳	کوچ سبز
۲۵	اولین گامها
۲۶	خانواده و برادران
۲۷	با راویان نور
۲۸	دوران زرین
۲۹	پرچمدار و کالت
۳۰	زیباترین لقب
۳۱	دفع کننده عذاب
۳۳	یک ماه ، یک ستاره
۳۳	زکریا بن آدم در عصر امام جواد(ع)
۳۶	روایت راویان
۳۶	حدیث هجران
۳۷	فرجام آسمانی
۴۰	محدث برقی(راوی دو هزار حدیث) / سید جعفر ربانی
۴۰	راوی بزرگ قم احمد بن محمد بن خالد برقی
۴۱	حیات طیبه
۴۲	شاگردان

۴۶	برقی در نظر دانشمندان
۴۷	دیدگاه اهل سنت
۴۹	کتاب محاسن برقی
۵۲	تبار پاک
۵۳	نقطه ضعف ها
۵۶	وفات برقی
۶۰	علی بن ابراهیم (اقیانوس حدیث) / سید سیف الله نحوی
۶۰	اشاره
۶۱	ابراهیم بن هاشم
۶۳	علی بن ابراهیم
۶۶	آثار و تألیفات
۶۷	تفسیر نور با نور
۷۱	پرواز به بی کران
۷۴	حیدری ایلامی (خروش مقدس) / دبیرخانه کنگره بزرگداشت آیه الله حیدری ایلامی
۷۴	در محضر اهل بیت
۷۵	در بارگاه نور
۷۷	در محفل انس
۷۸	در رکاب ولایت
۸۱	در مجلس خبرگان
۸۲	در ستیز با لیبرالیزم
۸۴	در نگاه امام
۸۵	در سنگر جهاد
۸۷	در عینیت جامعه
۸۹	در وادی رحمت
۹۲	محقق قمی (صاحب قوانین الاصول) / محمد رضا آزمون
۹۲	مقدمه

۹۳	تولد میرزا
۹۳	آغاز حیات علمی
۹۴	باغبان های بوستان
۹۶	هجرت ها
۹۷	فرزندان علمی میرزا
۹۷	اشاره
۹۷	سید محمد مهدی خراسانی (۱۱۸۲-۱۲۴۶ ه.ق.)
۹۷	میرزا ابوطالب قمی (متوفی ۱۲۴۹ قمری در قم)
۹۸	سید عبدالله کاظمینی (شبر)(متوفی حدود ۱۲۴۶ قمری)
۹۹	آئینه صفات برگزیده
۱۰۰	آثار علمی
۱۰۱	یادگاران
۱۰۲	غروب غم انگیز
۱۰۴	محمد بن قولویه (مردی از سلاله پاکان) / محمد رضا حیدریان
۱۰۴	اشاره
۱۰۴	خاندان پاک
۱۰۵	در محضر استاد
۱۰۷	شاگردان برجسته محمد بن قولویه
۱۰۷	اشاره
۱۰۸	۱- محمد بن عمرو بن عبدالعزیز کَشی
۱۰۸	۲- جعفر بن محمد قولویه
۱۱۰	لبیک گوی دعوت حق
۱۱۱	گل گشت در گلستان
۱۱۱	اشاره
۱۱۱	وفای به عهد
۱۱۲	ثواب زیارت امام حسین(ع)

۱۱۲	تولد دوباره
۱۱۴	احمد بن محمد بن عیسی بن قمی (راوی سه معصوم) / سید جعفر ربانی
۱۱۴	سرزمین معطر
۱۱۵	طلوع
۱۱۵	با زلال ولایت
۱۱۷	مبارزه با انحراف
۱۱۸	ویژگی ها
۱۲۰	ژرفای دانش
۱۲۲	از نگاه فرزندگان
۱۲۲	احمد اشعری از نگاهی دیگر
۱۲۳	اخراج راویان
۱۲۴	فصل غروب
۱۲۶	میرزا صادق آقا تبریزی (پناه محرومان) / سعید عباس زاده
۱۲۶	طلوع زندگی
۱۲۷	منزلت علمی آقا میرزا صادق
۱۲۹	مکتب معنوی و اخلاقی
۱۳۱	مکتب اخلاقی و تربیتی
۱۳۲	حوادث عصر مجتهد تبریزی
۱۳۳	حوادث سیاسی
۱۳۴	داستان تبعید
۱۳۶	غروب در غربت
۱۳۸	سید ابوالحسن انگجی (ستاره تبریز) / سعید عباس زاده
۱۳۸	تولد
۱۳۹	دوران نجف
۱۳۹	منزلت علمی
۱۴۱	آثار علمی



- ۱۴۱ ----- سیره آیه الله انگجی -----
- ۱۴۲ ----- تبعید آیه الله انگجی -----
- ۱۴۳ ----- آثار جاوید -----
- ۱۴۴ ----- شاگردان -----
- ۱۴۶ ----- روح الله کمالوند خرم آبادی (سفير قيام) / محمد رضا حیدریان -----
- ۱۴۶ ----- اشاره -----
- ۱۴۶ ----- تولد -----
- ۱۴۷ ----- تحصیلات -----
- ۱۴۹ ----- محبوب دینداران -----
- ۱۵۰ ----- طراوت بوستان -----
- ۱۵۰ ----- پروانه های شمع -----
- ۱۵۱ ----- تندیس اخلاق -----
- ۱۵۱ ----- تفسیر آیات نور -----
- ۱۵۲ ----- همگام با نهضت -----
- ۱۵۳ ----- فصل فراق -----
- ۱۵۴ ----- غسل با اشک -----
- ۱۵۸ ----- ملا عبد الرزاق لاهیجی (حکیم آزاده) / رضا باقی زاده -----
- ۱۵۸ ----- اشاره -----
- ۱۵۹ ----- استادان و همدرسان -----
- ۱۶۱ ----- ویژگیهای علمی و فکری -----
- ۱۶۳ ----- ویژگی های اخلاقی و اجتماعی -----
- ۱۶۴ ----- عالم باعمل -----
- ۱۶۴ ----- در گفتار دیگران -----
- ۱۶۵ ----- راز حکیمانه -----
- ۱۶۶ ----- آیا آن حکیم صوفی مشرب بود؟ -----
- ۱۶۸ ----- تألیفات -----

۱۷۰	شاگردان
۱۷۰	فرزندان
۱۷۱	وفات
۱۷۱	مدفن
۱۷۴	آیه الله سید عباس مهری (آیت اخلاص) / سید مصطفی علامه مهری
۱۷۴	ولادت
۱۷۴	دوران کودکی
۱۷۵	نسب شریف
۱۷۵	یادکردی از قهر
۱۷۶	نوشی از جام نور
۱۷۷	هجرت به کویت
۱۷۷	فعالیت‌های علمی و اجتماعی در کویت
۱۷۹	مبارزات سیاسی
۱۸۰	در خواست قیام علیه طاغوت
۱۸۲	تلگرام آتشین
۱۸۲	کانون اندیشه ها
۱۸۳	یک خاطره
۱۸۳	عشق مرید به مراد
۱۸۴	مرید و مراد
۱۸۵	انتصاب به امامت جمعه
۱۸۵	تبعید به ایران
۱۸۶	مبارزه بزرگ
۱۸۷	برخی از ویژگی های اخلاقی
۱۹۰	فعالیت‌های اجتماعی
۱۹۲	سفر به کوی دوست
۱۹۲	در سنگر علم

۱۹۶	سید محمد حجت کوه کمره ای / سعید عباس زاده
۱۹۶	ولادت
۱۹۷	دوران تحصیلات
۱۹۷	هجرت به نجف
۱۹۹	منزلت علمی آیت الله حجت کوه کمره ای
۲۰۰	اقامت در قم
۲۰۱	دوره زعامت
۲۰۱	دوره جدید
۲۰۳	شتابان به سوی حق
۲۰۴	شاگردان
۲۰۵	منابع
۲۰۸	شیخ علی کاشانی (فریده الاسلام) / حبیب الله سلمانی آرائی
۲۰۸	ولادت و تحصیل
۲۱۰	استادان و شاگردان
۲۱۲	زندگی مختصر و حالات معنوی
۲۱۹	تألیفات
۲۱۹	وفات
۲۲۲	سید احمد خوانساری (تندیس پارسایی) / محمد عابدی میانجی
۲۲۲	از تبار پاکان
۲۲۲	یک آسمان ستاره
۲۲۳	تحصیل
۲۲۴	مکتب فرزندگان
۲۲۵	تدریس
۲۲۵	شاگردان
۲۲۶	آثار و تألیفات
۲۲۷	ویژگی های اخلاقی

- ۲۲۷ ..... ۱- زهد و ساده زیستی
- ۲۲۸ ..... ۲- احتیاط
- ۲۲۸ ..... ۳- تواضع
- ۲۲۹ ..... ۴- عرفان و کرامات
- ۲۳۰ ..... ۵- عدالت
- ۲۳۱ ..... شهر ستاره ها
- ۲۳۲ ..... فصل مبارزه (اقامت در تهران)
- ۲۳۳ ..... سایه وحشت
- ۲۳۷ ..... انقلاب شاه و ملت
- ۲۴۰ ..... رسیدگی به زندانیان
- ۲۴۱ ..... پانزده خرداد ۱۳۴۲ دستگیری امام
- ۲۴۴ ..... تبعید امام
- ۲۴۵ ..... تبعید به عراق
- ۲۴۵ ..... قانون خانواده
- ۲۴۶ ..... حادثه ۱۹ دی
- ۲۴۸ ..... دیدار با امام
- ۲۴۸ ..... غروب ستاره خوانسار
- ۲۵۰ ..... درباره مرکز

مشخصات کتاب

عنوان قراردادادی: فرهنگ کوثر (مجله)

عنوان و نام پدیدآور: ستارگان حرم: اختران حریم معصومه (س) / تالیف گروهی از نویسندگان ماهنامه کوثر.

مشخصات نشر: قم: آستانه مقدسه قم، انتشارات زائر، ۱۳۷۷ -

مشخصات ظاهری: ج.: مصور، نمونه، عکس.

شابک: دوره ۹۶۴-۶۴۰۱-۵-۰۱-۵: ۵۰۰۰ ریال (ج. ۱)؛ ۶۰۰۰ ریال: ج. ۲. ۹۶۴-۶۴۰۱-۱۰-۶: ۵۵۰۰۰ ریال: ج. ۳. ۹۶۴-۶۴۰۱-۱۱-۲: ۶۰۰۰ ریال: ج. ۴. ۹۶۴-۶۴۰۱-۱۴-۷: ۵۵۰۰ ریال: ج. ۵. ۹۶۴-۶۴۰۱-۱۵-۵: ۶۵۰۰۰ ریال: ج. ۶. ۹۶۴-۶۴۰۱-۲۰-۱: ۸۵۰۰ ریال (ج. ۱۱)؛ ۸۰۰۰ ریال (ج. ۱۲)؛ ۱۲۰۰۰ ریال: ج. ۱۵. ۹۶۴-۶۴۰۹-۸۷-۲: ۱۲۰۰۰ ریال: ج. ۱۷. ۹۶۴-۶۴۰۸-۸۵۶۷-۵: ۱۷۰۰۰ ریال: ج. ۲۰. ۹۶۴-۶۴۰۸-۸۵۶۷-۵: ۱۶۰۰۰ ریال: ج. ۲۱. ۹۶۴-۶۴۰۸-۸۵۶۷-۵: ۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۲۶. ۹۶۴-۶۴۰۸-۱۲۲-۱: ۵۰۰۰۰ ریال (ج. ۲۷)؛ ۲۸. ۹۶۴-۶۴۰۸-۲۳۵-۱: ۲۹. ۹۶۴-۶۴۰۸-۴۱۷-۱: ج. ۳۰. ۹۶۴-۶۴۰۸-۴۴۴-۴:

وضعیت فهرست نویسی: برونسپاری (فاپا)

یادداشت: ج. ۲ و ۳ (چاپ اول: ۱۳۷۷).

یادداشت: ج. ۴ (چاپ اول: ۱۳۷۸).

یادداشت: ج. ۵ (چاپ اول: بهار ۱۳۷۸).

یادداشت: ج. ۶ (چاپ اول: پائیز ۱۳۷۸).

یادداشت: ج. ۸ (چاپ اول: زمستان ۱۳۷۹).

یادداشت: ج. ۱۱ (چاپ اول: ۱۳۸۱).

یادداشت: ج. ۱۲ و ۱۵ (چاپ اول: ۱۳۸۲).

یادداشت: ج. ۱۷ (چاپ اول: ۱۳۸۵).

یادداشت: ج. ۲۰ و ۲۱ (چاپ اول: ۱۳۸۶).

یادداشت : ج. ۲۶ و ۲۷ (چاپ اول: ۱۳۸۹).

یادداشت : ج. ۲۸ (چاپ اول: ۱۳۹۱) (فیپا).

یادداشت : ج. ۲۹ (چاپ اول: ۱۳۹۳) (فیپا).

یادداشت : ج. ۳۰ (چاپ اول: ۱۳۹۶) (فیپا).

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : مجتهدان و علما -- ایران -- سرگذشتنامه

موضوع : قم -- سرگذشتنامه

شناسه افزوده : آستانه مقدسه قم. انتشارات زائر

رده بندی کنگره : BP۵۵/۲ س ۲۵ ۱۳۷۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۹۶

شماره کتابشناسی ملی : م ۷۸-۸۷۸۷

ص: ۱

**اشاره**

















## زکریا بن آدم (امین معصومین(ع)) / سید سیف الله نحوی

### مقدمه

راویان نور از آن نظر که انسانهایی غیر معصوم، ولی بلند مرتبه اند و از آن رو که در محضر ائمه (ع) تربیت یافته و اعمال و رفتارشان در دیدگاه امامان مورد نقد و بررسی قرار می گرفته است، می توانند معلمانی نیکو برای ره جویان حقیقت باشند و راه و رسم «مسلمان زیستن» را نشان دهند.

از سوی دیگر زنده نگهداشتن یاد و نام «راویان حدیث» وظیفه ای بزرگ و رسالتی مذهبی است که هر فرد دینداری خود را و امدار آنان می داند، مطالب فوق، نگارنده را بر آن داشت تا با اطلاعات اندک خویش به ترسیم زندگی یکی از چهره های درخشان قرن دوم هجری نشیند و سیمای تابناک «زکریا بن آدم اشعری» قمی را در برابر دیدگان نسل جوان قرار دهد.

### خاندان اشعری

مالک بن عامر، نیای بزرگ خاندان اشعری از بزرگان کشور یمن بود. او همزمان با طلوع اسلام به مدینه شتافت و در محضر پیامبر اسلام ایمان آورد. (۱)

رفته رفته با راهنماییهای مالک، دیگر بستگان او و طوایف یمن اسلام آورده، با پیامبر (ص) بیعت کردند. خدمات مالک بن عامر به پیامبر به گونه ای بود که مورد لطف پیامبر رحمت قرار گرفته و آن بزرگوار درباره مالک دعا کرده فرمود: اللهم اغفر للاشعریین: خدایا اشعریان را مورد رحمت خود قرار ده.

مالک در جنگها یاور پیامبر بود و به همراه او با دشمنان اسلام نبرد می کرد. در یکی از جنگها هنگامی که مالک بن عامر غنیمتی را به دست آورده بود، رسول گرامی از وی خواست تا مقداری از آن غنیمت را برای مصرف در راه خدا قرار دهد. مالک نیز پذیرفت و خمس (یک پنجم) آن را بدان منظور کنار نهاد. پس از این واقعه خداوند به شیوه تقسیم مالک رضایت داده و آیه خمس بر پیامبر اکرم نازل گردید. (۱)

اشعریان همواره مورد توجه پیامبر (ص) بودند. از این رو پیامبر درباره آنان دعا کرده فرمود: خدایا فرزندان اشعریان را افزایش ده. (۲)

پس از آن فرزندان بی شمار و خداجوئی از این خاندان پا به عرصه وجود نهاده و آسمان تشیع درخششی دیگر گرفت و حدود ۳۷۰ سال پس از دعای پیامبر جمعیت این عده به حدی افزایش یافت که نوادگان و فرزندان یکی از آنان بالغ بر شش هزار نفر گردید. (۳)

### کوچ سبز

عبدالله و احوص فرزندان سعد بن مالک بن عامر اشعری، اولین افرادی بودند که در سال ۹۴ ق از این خاندان مهاجرت کرده و از کوفه به قم مهاجرت کردند. (۴) درباره علت مهاجرت آنان آمده است:

۱- ترجمه تاریخ قم، حسن قمی، ص ۲۷۸.

۲- ترجمه تاریخ قم، حسن قمی، ص ۲۶۸.

۳- ترجمه تاریخ قم، حسن قمی، ص ۲۴۰.

۴- ترجمه تاریخ قم، حسن قمی، ص ۲۴۲.

سائب بن مالک ، عموی عبدالله و احوص که از بازوان پرتوان مختار ثقفی بوده و در قیام مختار ، به خونخواهی شهیدان عاشورا قیام کرده بود، به دست حجاج بن یوسف به شهادت رسید. پس از او فرزندش ، محمد بن سائب به مبارزه پرداخت و به شهادت رسید. حجاج پس از شهادت محمد بر اشعریان کوفه سختگیری کرده، آنان را به قتل تهدید کرد. عبدالله و احوص با دیدن رفتار ددمنشانه حجاج با شیعیان به ویژه اشعریان، بر آن شدند تا برای نجات جان خود و خاندان خویش از کوفه مهاجرت کنند.

به دنبال این تصمیم ابتدا احوص و سپس عبدالله به همراه خانواده و بستگان خویش که حدود هفتاد نفر بودند به سوی قم حرکت کردند . آنان پس از رسیدن به این منطقه ، به نبرد با غارتگران و راهزنان پرداخته و متجاوزان را شکست دادند. ساکنان بومی قم ، با دیدن شجاعت و دلاوری این عده، از آنان



درخواست کردند تا حتما در این منطقه سکونت گزینند.<sup>(۱)</sup>

پس از سکونت، آنان به ساخت و تهیه خانه پرداخته و با استقرار کامل در قم به فعالیتهای مذهبی و عمرانی مشغول شدند و از این رهگذر دستاورد سیاسی ثمر بخشی نصیبشان شد.

پیشرفت های مذهبی اشعریان بر عده ای از بومیان گران آمده، بنای ناسازگاری با اعراب اشعری نهادند. این ناسازگاریها به درگیری های نظامی تبدیل شده و اشعریان توانستند با شکست غیر مسلمانان حاکمیت سیاسی خود را بر آن شهر محکمتر نمایند.<sup>(۲)</sup>

### اولین گامها

احوص فرزند سعد بن مالک در ابتدای حضورش در قم، آتشکده ای را ویران کرده، به جای آن مسجدی بنا نهاد و برادرش عبدالله در آن مسجد به فعالیت های مذهبی پرداخت.<sup>(۳)</sup>

پس از چندی عبدالله و احوص با نوشتن نامه ای، دیگر بستگان و خاندان خویش را به قم دعوت کردند. در پی این درخواست جمعی دیگر از اشعریان از جمله آدم بن عبدالله (پدر زکریای اشعری) و دیگر برادران وی از کوفه به جمع شیعیان قم پیوستند.

حضور این عده موجب شد تا برخی از شهر های دیگر تحت حاکمیت این عده از اشعریان کوفی قرار گیرد.<sup>(۴)</sup>

مهاجرت اشعریان به قم دیباچه افتخاراتی عظیمی برای آنان بود از جمله این که:

الف - مذهب شیعه، اولین بار از سوی موسی بن عبدالله (عموی زکریا بن

۱- - دائرة المعارف الاسلامی الشیعه، سید محسن امین، ج ۲، ص ۸.

۲- - قهرمانان اسلام، علی اکبر تشید، ج ۲، ص ۱۰۲.

۳- - ترجمه تاریخ قم، ص ۳۷ و ۲۵۱.

۴- - ترجمه تاریخ قم، ص ۲۵۳، ۲۵۷، ۲۶۳.

آدم) در قم بطور علنی اظهار شد.

ب - اشعریان املاک بسیاری را وقف ائمه کرده و خراج آن را برای آنان می فرستادند.

ج - برخی از اینان از جمله زکریا بن آدم و زکریا بن ادريس از سوی امامان (ع) مورد اکرام قرار گرفته ، هدایایی برای اشعریان از طرف ائمه فرستاده شد.

د - از بزرگترین افتخارات این خاندان ، آنکه بیش از صد نفر از آنان ، افتخار حضور در پیشگاه امامان معصوم یافته، در زمره محدثان و راویان حدیث قرار گرفتند. (۱)

### خانواده و برادران

زکریا بن آدم بن عبدالله اشعری قمی در خاندانی پرورش یافت که نور ولایت و عطر دل انگیز هدایت فضای آن را فرا گرفته بود.

آدم بن عبدالله، از راویان سرشناس و اصحاب امام صادق (ع) بود. (۲) علامه شوشتری پس از معرفی آن شخصیت بزرگ، وی را پدر بزرگوار زکریا بن آدم معرفی کرده است (۳)

از تاریخ تولد آدم بن عبدالله ، چیزی به دست نیامده است اما با توجه به سابقه سکونت این عده در کوفه و مهاجرت آدم بن عبدالله از کوفه ، می توان زادگاهش را شهر کوفه دانست. او در قم وفات کرده و در قبرستان قدیمی قم (معرف به بابلان ) به خاک سپرده شده است. (۴)

آدم بن عبدالله از طریق فرزندش زکریا ، حدیث زیر را نقل کرده است:

«امام رضا (ع) فرمود: نماز دارای چهار هزار باب است.» (۵)

۱- ترجمه تاریخ قم، ص ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹.

۲- رجال الطوسی، ص ۱۴۳.

۳- قاموس الرجال، ج ۱، ص ۸۹.

۴- گنجینه دانشمندان، محمد شریف رازی، ج ۱، ص ۶۳.

۵- الخصال، شیخ صدوق، ص ۸۳۹.

زکریا بن آدم چندین برادر به شرح زیر داشته است.

الف - اسحاق بن آدم (۱)، از اصحاب امام رضا (ع)

ب - اسماعیل بن آدم (۲)، از راویان مورد اعتماد حدیث

ج - علی بن آدم (۳).

### با راویان نور

زکریا بن آدم یکی از هزار پروانه عاشقی بود که نامش در شمار یاران و اصحاب امام صادق (ع) به چشم می خورد. شیخ طوسی ضمن شمردن حدود ۳۳۰۰ نفر از راویان و اصحاب آن امام همام، از زکریای اشعری نام برده، ایشان را معرفی می کند. (۴) گرچه در متون حدیث، روایتی بدون واسطه از صادق آل محمد، و از طریق زکریا بن آدم یافت نشده است اما وی احادیثی را از زبان نزدیکترین یاران آن حضرت همچون داوود رقی، عبدالله کاهلی و اسحاق بن عبدالله اشعری نقل کرده است.

پس از امام صادق (ع)، هفتمین پیشوای شیعیان - امام موسی بن جعفر (ع) - جانشین پدر گرامی گردید و حدود سی و پنج سال امامت و رهبری مسلمانان را بر عهده داشت. آن امام همام در دوران پرفراز و نشیب امامت خویش رنج بسیار کشید. گرچه دسیسه های شیطانی و فتنه های عباسیان موجب گردید تا آن سرچشمه نور مدت بسیاری را در زندان سپری کند اما آن حضرت در بوستان ولایت غنچه های بسیاری را پرورش داد و راویان بیشماری در محضر نورانی اش دانش دین آموختند.

ابن شهر آشوب مازندرانی، پس از معرفی زکریا بن آدم اشعری، وی را از اصحاب امام کاظم (ع) بر شمرده، می نویسد: او دارای کتاب در حدیث است و

۱- رجال النجاشی، ص ۷۳.

۲- رجال النجاشی، ص ۲۷.

۳- ترجمه تاریخ قم، ص ۳۷.

۴- رجال الطوسی، ص ۲۰۰.

مسائلی را از آن امام سؤال کرده است. (۱)

علامه شوشتری نیز می گوید: شیخ طوسی زکریا بن آدم را از اصحاب امام صادق، امام کاظم و امام رضا (علیهم السلام) می داند. (۲) یکی از پژوهشگران در کتاب خویش، روایات نقل شده از سوی زکریای اشعری به نقل از امام کاظم (ع) را گردآوری کرده و ایشان را از اصحاب آن حضرت بر شمرده است. (۳) البته در هیچ یکی از آن روایات، نامی با صراحت از امام کاظم (ع) نیامده و تنها با کنیه «ابوالحسن» (۴) ذکر شده است. البته زکریای اشعری از طریق برخی از یاران نزدیک آن حضرت همچون علی بن عبدالله هاشمی، روایاتی را از آن امام نقل کرده است که در آن نام امام کاظم (ع) به صراحت برده شده است. (۵)

## دوران زرین

در سال ۱۸۳ ق، امام رضا (ع) سکاندار کشتی هدایت و ولایت گردید، دوران امامت بیست ساله آن سلاله پاک مصادف با مشکلات فراوانی بود. در همین دوران بود که توفانهای شدیدی گلستان با صفای شیعیان را در معرض آسیبهای خطرناکی قرار داد. پیدایش فرقه هایی از قبیل «غلات» و «مفوضه» بخشی از این توفانها بود. «واقفیه» نام گروهی دیگر بود که چون ابر سیاه در آسمان تشیع پدیدار گشت و با زمزمه های شوم خود، جمعی از ساده دلان را با خود همراه ساخت. واقفیان چنین می پنداشتند که امام کاظم (ع) رحلت نکرده بلکه همانند عیسی بن مریم زنده است ولی از نظرها پنهان شده است. آنان می گفتند آخرین امام ما، موسی بن جعفر است و پس از وی امامی دیگر نخواهیم داشت. (۶)

۱- - معالم العلماء، ص ۵۳، رقم ۳۴۹.

۲- - قاموس الرجال، ج ۴، ص ۴۵۶.

۳- - مسند الامام الکاظم (ع)، عزیز الله عطاردی، ج ۳، ص ۳۹۲.

۴- - برخی بر آنند که منظور از «ابوالحسن»، امام رضا (ع) است.

۵- - اثبات الهداه، ج ۶، ص ۱۶.

۶- - فرق الشعیه، حسن بن موسی نوبختی، ص ۸۰.

آنان از این طریق امامت «علی بن موسی الرضا(ع)» را منکر شده و با پراکندن غبار، موجی از شک و دودلی در میان شیعیان ایجاد کردند. در این اوضاع و احوال بحرانی تنها کسانی استوار و ثابت قدم ایستادند که ایمانی عاشقانه به ائمه معصومین(ع) داشتند. زکریای اشعری در این دوران توانست در منطقه قم، با هر گونه کجروی و انحراف اعتقادی مبارزه کرده و جامعه را از آن بلای خانمان سوز در امان نگهدارد، زکریا بن آدم به نقل از استادش - داوود رقی - حدیثی را درباره امامت امام رضا(ع) نقل کرده است(۱) که خود بهترین دلیل بر موضعگیری سیاسی و اعتقادی آن ستاره اشعری است.

### پرچمدار وکالت

گسترش مناطق شیعه نشین و لزوم تغذیه فکری و فرهنگی آنان از یک سو و سامان بخشیدن و ایجاد انسجام میان عاشقان امامت از سوی دیگر، امام رضا(ع) را بر آن داشت تا با ترتیب دادن برنامه منسجمی، جوابگوی نیازهای شیعیان در همه مناطق و شهرها و کشورها گردد. کنترل شدید و ایجاد فضای اختناق از سوی عباسیان نسبت به ارتباطات و فعالیت های فرهنگی و سیاسی امامان شیعه، نیاز به آن برنامه را دوچندان می کرد. برنامه ای که تامین کننده این نیاز حیاتی بود. شبکه ارتباطی «وکالت» بود.

وکلاء و نمایندگان کسانی بودند که از سوی امام رضا(ع) و سپس امام جواد(ع) و امام هادی(ع) برگزیده شده وظیفه بسیار حساس وکالت را بر عهده داشتند. پاسخگویی به سؤالات مذهبی و فقهی، توضیح و بیان مسائل

اعتقادی، انجام امور مالی از قبیل دریافت حقوق شرعی از شیعیان و رساندن آن به امام (ع) برای تثبیت موقعیت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شیعیان از عمده ترین وظایف این رادمردان بود. (۱)

صفحات تاریخ تشیع، نام بسیاری از آن رهروان نور را به خاطر سپرده که این نوشتار در پی معرفی یکی از آنهاست.

فقیه ژرف اندیش تشیع - شیخ طوسی - در کتاب خویش پس از معرفی و تمجید فراوان از زکریای قمی درباره اش می نویسد:

«کان زکریا بن آدم ممن تولى (۲) لهم (ع)» (۳)

یعنی: زکریا بن آدم در زمره کسانی بود که متولی و عهده دار امور ائمه معصومین (ع) بودند. به یقین کسانی توان رسیدن به قله رفیع و کالت را داشته اند که از یک سو توشه علمی و معنوی لازم و از سوی دیگر محبوبیت عمومی و اجتماعی نزد مردم را داشته و مهمتر از آن دو مورد اطمینان و اعتماد امام عصر خویش قرار گرفته باشند. و بدین سان زکریا نماینده امام رضا و امام جواد (ع) در قم بود. (۴)

### زیباترین لقب

علی بن مسیب همدانی از اصحاب و یاران امام رضا (ع) شناخته شده فردی مورد اطمینان و اعتماد راوی شناسان تیزبین است. (۵) او درباره استادش - زکریای اشعری - و چگونگی ارتباطش با زکریا داستان زیر را نقل کرده است:

روزی به آستان رضای آل محمد (ص) علی بن موسی الرضا، رفته عرض کردم: من راهم دور است و به علت دوری مسافت نمی توانم همیشه به

۱- حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، رسول جعفریان، ج ۲، ص ۱۵۳ و ۱۵۴.

۲- ولی تولیه (فلانا الامر) = فلانی را متولی آن کار کردند. (المنجد، حرف «و»)

۳- الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۱۱، جامع الرواه، ج ۱، ص ۳۳۰.

۴- اصول علم الرجال، شیخ مسلم داوری، ص ۴۷۸.

۵- قاموس الرجال، ج ۷، ص ۵۷۸.

حضورتان برسم و مسائل دینی خود را از شما دریافت کنم. بنابراین مسائل فقهی و مبانی و دینی خود را از چه کسی سؤال کنم؟

امام رضا(ع) در جواب فرمود:

«من زکریا بن آدم القمی، المأمون علی الدین و الدنیا» (۱).

یعنی: راهنمایی های دینی را از زکریا بن آدم بیاموز که در امور دین و دنیا امین و مورد اعتماد است. این فرمایش پرارج یکی از بهترین اسناد افتخار و عظمت ستاره تابناک اشعریان است. امام رضا(ع) در این کلام ارزشمند، وکیل امین خویش را به بهترین شیوه ستوده و نه تنها در امور مذهبی و دینی، بلکه در مسائل دنیوی و اجتماعی مردمان آن عصر، به وی درجه و اعتباری ویژه بخشیده است چه اینکه امین بودن در این گونه امور، لباسی است که تنها بر قامت پارسایان و بندگان صالح خداوند، راست می آید. علی بن مسیب همدانی در ادامه داستانش می افزاید:

پس از آنکه از خدمت امام رضا(ع) برگشتم، به قم رفته، در سرای بی ریای زکریا حاضر شده و راهنماییهای لازم را از او فرا گرفتم.

### دفع کننده عذاب

فرزانه نیک اندیش و کارگزار امین رضوی همواره در راه ارشاد و هدایت مردم تلاشی مستمر داشت. موقعیت اجتماعی و مقام معنوی وی، زکریا را بر آن می داشت تا نسبت به روابط و مسائل روزمره زندگی مردمان جامعه خویش، نگاهی حساستر داشته باشد. همین حساسیت ویژه و نیز لطافت معنوی و روحی او موجب گردید تا نسبت به برخی مسائل اندوهناک

۱- - الاختصاص، شیخ مفید، ص ۲۵۱، رجال الکشی، ج ۲، ص ۸۵۸، بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۲۸۸، وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۲۷، روایت ۳۳۴۴۲، سفینه البحار، شیخ عباس قمی، ج ۳، ص ۲۷۰.

شده و آزار ببند.

زکریای اشعری که گویا از وجود برخی مسائل در میان مردم اندوهگین شده بود، روزی برای کسب اجازه خدمت امام رضا(ع) رسیده عرض می کند:

«انی ارید الخروج عن اهل بیتی فقد کثر السفهاء فیهم» من قصد دارم از میان خاندان و اهل قم بیرون رفته، آنان را ترک گویم چه اینکه نادانها در میان ایشان زیاد شده اند.

امام رضا(ع) در پاسخ یار باوفای خویش فرمود:

«لا تفعل فان اهل قم یدفع عنهم بک كما یدفع عن اهل بغداد بابی الحسن الکاظم علیه السلام»<sup>(۱)</sup> یعنی: ای زکریا این کار را نکن و از قم مهاجرت ننما، زیرا خداوند به واسطه وجود تو بلا- و عذاب را از خاندان تو و اهل قم دفع می کند چنانچه به وجود پدرم امام کاظم(ع) شر و بلا را از اهل بغداد دور ساخته است.

امام رضا(ع) در این حدیث گهربار، زکریای اشعری را با پدر بزرگوار خویش - امام کاظم(ع) - مقایسه کرده است و او را از بنندگان صالح خداوند برشمرده است. ازدیدگاه آن امام بزرگ، زکریا بن آدم موجب خیر و برکت فراوان در شهر قم بوده است زیرا آن فقیه امین، پناهگاه محرومان و نیازمندان بوده و شمع درخشان پویندگان دانش و فضیلت در شهر قم گشته است. سرانجام پس از این ملاقات با امام رضا(ع) خاضعانه سر تسلیم فرود آورد و به قم بازگشت.

به راستی که اگر برای زکریا بن آدم هیچ فضیلتی جز این نبود، برای عظمت و شکوه معنوی وی بس بود. بنابراین آیا شایسته نیست غبار برگرفته از قبر مطهرش را شفای هر درد بدانیم؟

---

۱- رجال الکشی، ج ۲، ص ۸۵۸، الاختصاص، ص ۸۷، بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۲۷۸ و ج ۶۰، ص ۲۲۱، سفینه البحار، ج ۱، ص ۴۱۷.



**یک ماه ، یک ستاره**

علی بن مسیب همدانی در روایتی دیگر درباره زکریا بن آدم می گوید:

«در یکی از سالها، امام رضا(ع) به قصد زیارت خانه خدا، از مدینه به سوی مکه حرکت کرد، در این سفر معنوی ، زکریا بن آدم افتخار پیدا کرد تا با امام شیعیان همسفر گشته، از آن ماه تابان بهره برگیرد.»<sup>(۱)</sup>

شیخ عباس قمی در این باره گفته است: از جمله سعادت هایی که نصیب زکریا بن آدم شد آن بود که یک سال با حضرت امام رضا(ع)، از مدینه به مکه برای حج مشرف شد و رفیق آن حضرت بود.<sup>(۲)</sup>

**زکریا بن آدم در عصر امام جواد(ع)**

در سال ۲۰۳ ق پس از آنکه هشتمین اختر تابناک امامت به دست دشمنان مسموم شده ، شهید گردید، فرزندش حضرت جوادالائمه(ع) سکاندار کشتی هدایت گردید.

امام جواد(ع) که در این هنگام هفت یا هشت بهار از عمرش می گذشت ، با مسائلی چند رو برو گردید. عده ای از پیروان امام رضا(ع) با دستاویز قرار دادن سن آن حضرت، بنای مخالفت با امامت وی نهادند. گرچه نابالغ بودن امام(ع) بهانه ای نبود که بتوان بدان تمسک جست و امام رضا(ع) قبل از شهادت خود، در این باره سخنانی بیان فرموده بود. یکی از راویان می گوید: نزد علی بن موسی الرضا(ع) بودم شخصی از امام (ع) سؤال کرد پس از شما به چه کسی مراجعه کنیم؟ امام (ع) فرمود: به فرزندم ابوجعفر (امام جواد(ع)).

امام از آنجا که سؤال کننده نسبت به پایین بودن سن امام جواد(ع) تصویری

۱- جامع الرواه ، ج ۱ ، ص ۳۳۰.

۲- منتهی الامال ، ج ۲ ، ص ۳۶۲.

دیگر داشت حضرت در ادامه فرمود: خداوند حضرت عیسی را به نبوت مبعوث کرد و او را صاحب شریعت گردانید، در حالی که سن وی در آن هنگام از سن ابوجعفر(ع) کمتر بود. (۱)

شدت این بحران عقیدتی و اجتماعی به حدی بود که درک آن حتی برای برخی از راویان پرآوازه تشیع چون یونس بن عبدالرحمن و صفوان بن یحیی دشوار می نمود. (۲)

در چنین موقعیتی، گرایش نداشتن به مخالفان آن حضرت و اطاعت کامل از جواد الائمه(ع) نشانی از سلامت فکری و عقیدتی داشته و بیان گر اعتقادی اصیل همراه با عقلی سلیم می باشد.

ماجرای زیر، موضع و عملکرد زکریا بن آدم را بازگو می کند:

احمد بن محمد بن عیسی می گوید: روزی یکی از غلامان امام جواد(ع) بر من وارد شد و نامه ای از سوی آن حضرت به من داد که به دستور آن امام می بایست به خدمتش می رسیدم. به مدینه رفته و در محضر حضرت وارد شدم نزد خود گفتم خوب است نام زکریا را بیرم تا حضرت از او دلجویی کرده، برایش دعا کند. پس از آن به خود آمده گفتم. من چه کسی هستم که چنین جسارتی نمایم او خود به آنچه می کند داناتر است.

آنگاه دیدم امام جواد(ع) رو به من کرد و فرمود:

«ای ابوعلی، درباره فردی مثل ابویحیی (زکریای قمی) شکی به دل خود راه مده و به تندید بر خورد نکن، او در پیشگاه پدرم و سپس نزد من خدمت‌های بسیاری کرده و مقام و منزلتی والا- نزد پدرم و من داشته است ولی من به اموالی که نزد اوست احتیاج دارم و او آنها را نفرستاده است.»

۱- بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۲۴.

۲- حیات سیاسی امام جواد(ع)، جعفر مرتضی عاملی، ص ۳۰.

به امام (ع) عرض کردم:

فدایت شوم، زکریا اموال را برای شما خواهد فرستاد و به من گفت: اگر به آن حضرت رسیدی، ایشان را آگاه کن که آنچه مانع از فرستادن اموال است اختلاف بین «میمون و مسافر» است.

سپس امام (ع) فرمود: نامه من را به زکریا برسان و به او سفارش کن تا آن اموال را برای من بفرستد. من نامه حضرت را به زکریا بن آدم رساندم و او نیز مال را فرستاد. (۱)

... این سخنان ارزنده حضرت امام جواد (ع) در بردارنده و بیانگر عظمت و بزرگی زکریا بن آدم است و چندان نیازی به توضیح ندارد اما آنچه قابل توضیح است اینکه منظور از «اختلاف میمون و مسافر» همان اختلافاتی است که درباره امامت آن حضرت بین شیعیان بوجود آمده بود. (۲)

البته احتمال دارد این تعبیر اشاره به درگیری های طرفداران امین و مأمون باشد که سبب ناامنی راهها بوده است.

این حدیث بخوبی نشان می دهد که زکریا پس از امام رضا (ع) نماینده امام جواد (ع) در قم بوده و اموالی از قبل نزد وی بوده است. اما از آنجا که اختلاف بر سر امامت امامت جواد الائمه (ع) نیز در قم رسوخ پیدا کرده بود زکریا نمی توانست آن اموال را برای امام خویش ارسال کند، زیرا فرستادن اموال ارتباط مستقیم با آن اختلافات داشت و بیم آن می رفت که اینگونه اختلافها، موجب از بین رفتن اموال در بین راه شود.

البته قسمت پایانی ماجرا نشانگر آن است که سرانجام زکریا بن آدم با تلاش خود توانست بار دیگر آرامش همیشگی را به قم برگرداند و در پی آن

۱- رجال الکشی . ج ۲ ، ص ۸۵۹ بحار الانوار ، ج ۵۰ ، ص ۶۷ ، الاختصاص ، ص ۸۷ بصائر الدرجات ، ص ۲۳۷ ، حدیث ۹.

۲- اعیان الشیعه ، سید محسن امین ، ج ۷ ، ص ۶۳.

اموال امام جواد(ع) را به مدینه بفرستد.

### روایت راویان

شقایق بوستان رضوی، زکریا بن آدم قمی، علاوه بر بهره مندی از وجود تابناک امامان(ع) نزد تنی چند از یاران و اصحاب ائمه رفته از محضرشان بهره جسته است. این افراد عبارت اند از: داود بن کثیر رقی، عبدالله بن یحیی کاهلی و اسحاق بن عبدالله اشعری، علی بن عبدالله هاشمی.

همچنین شماری از راویان و پروانه های عاشق به محضر آن شمع شبستان رفته، پس از استفاده از محضر زکریای قمی احادیثی را از وی نقل کرده اند. اسامی این عده عبارت است از:

احمد بن ابی نصر بزنی، عبدالله بن مغیره، احمد بن اسحاق اشعری، اسماعیل بن مهران، محمد بن سهل اشعری، حسین بن مبارک، فضل بن حسان دالانی، جعفر جوهری، عبدالله بن محمد حجال، محمد بن خالد برقی، حمزه بن یسع اشعری، سعد بن سعد اشعری، احمد بن حمزه قمی، علی بن اسحاق اشعری. (۱)

مجموع روایاتی که از زکریا بن آدم قمی در متون حدیث به ثبت رسیده است حدود چهل روایت می باشد. (۲) این روایات اغلب در موضوعات فقهی و نیز معرفی امامت ائمه مسلمین می باشد.

### حدیث هجران

زکریای اشعری و وکیل امین رضوی، پس از عمری تلاش و خدمت به

۱- - معجم رجال الحدیث، ج ۷، ص ۲۷۴، قاموس الرجال، ج ۴، ص ۴۶۱.

۲- - معجم رجال الحدیث، ج ۷، ص ۲۷۴.

اسلام و مسلمین و حمایت از شاهراه اصیل امامت و تعالیم آسمانی تشیع، سرانجام دعوت حق را لیبیک گفته ، به سوی حق شتافت.

از تاریخ وفات آن عارف وارسته اطلاع دقیقی نیست اما بیقین رحلت او در فاصله سالهای ۲۰۴ الی ۲۲۰ ق و همزمان با دوران امامت جواد الائمه(ع) بوده است .

جسم پاک آن فرزانه دوران ، با اشک چشم عاشقان غسل داده شد و در آرامگاه ابدی اش ( در قبرستان جنب بارگاه حضرت معصومه(س)) که بعدها به «قبرستان شیخان» معروف شده ، به خاک سپرده شد.

در این قبرستان قدیمی ، علاوه بر مرقد مبارک زکریا بن آدم ، مقبره مقدس زکریا بن ادريس پسر عموی زکریا و از یاران با وفای ائمه - و نیز مرقد آدم بن اسحاق بن آدم - برادر زاده زکریا قرار گرفته است و بعدها بسیاری از عالمان و شهیدان در جوار آنان دفن شدند.

### فرجام آسمانی

زکریا بن آدم قبل از وفات خویش، حسن بن محمد بن عمران اشعری را وصی خود گردانید و امور وکالت را به وی واگذار کرد . پس از رحلت زکریا، محمد بن اسحاق بن عبدالله اشعری، ضمن نامه ای به امام جواد(ع)، خبر رحلت زکریا و نیز موضوع جانشین زکریا را به اطلاع وی رسانده ، نظر امام جواد(ع) را در این باره جویا شد.

امام جواد(ع) در نامه ای خطاب به محمد بن اسحاق چنین فرمود:

«مطالبی را درباره زکریا اشعری که به رحمت الهی پیوسته است یادآوری کرده ای . سلام و رحمت خداوند بر او باد روزی که به دنیا آمد و روزی

که از این دنیا رخت بر بست و روزی که مبعوث خواهد شد. او روزهای زندگی خود را در حالی سپری کرد که حق را می شناخت و آن را بر زبان جاری می کرد و همواره خدا را یاد می کرد. او در راه خدا شکیبیا بود و آنچه را خدا و رسولش دوست داشتند ، انجام می داد.

خداوند او را بیامرزد. در حالی از دنیا رفت که ایمانش پابرجا بود و هرگز عهد و پیمان را نشکست. خداوند پاداش نیت او را بدهد و او به بهترین آرزوهایش برساند.

تو درباره شخصی [حسن بن محمد] که به او وصیت شده از من سؤال کرده ای، ما او را بهتر از خود شما می شناسیم. [زکریا در انتخاب وی اشتباهی نکرده و او مورد تأیید ماست.]<sup>(۱)</sup>.

...

---

۱- رجال الکشی، ج ۲ ، ص ۸۵۸ الغیبه، ص ۲۱۱، الاختصاص ، ص ۸۷ بحارالانوار ، ج ۴۹ ، ص ۲۷۴.



## محدث برقی (راوی دو هزار حدیث) / سید جعفر ربانی

### راوی بزرگ قم احمد بن محمد بن خالد برقی

قم شهر روایت و راویان بزرگی است که تاریخ نظیر آنان را کمتر سراغ دارد. راویانی که حقی بزرگ بر تمامی پیروان اهل بیت (ع) دارند و کلام نور و امر رشد (۱) را برای امت نقل کرده اند. از جمله ناقلان حدیث در قم احمد بن محمد بن خالد بن عبدالرحمان بن محمد بن علی است که در قرن سوم می زیست و از اصحاب امام جواد (ع) و امام هادی (ع) به شمار می رود.

از او و پدرش (محمد) به عنوان برقی یاد می شود ولی معمولاً مقصود از برقی همان احمد است. اصل وی کوفی، کنیه اش ابو جعفر است و محمد بن علی بن جد سومش به وسیله یوسف (۲) بن عمر ثقفی در ماجرای قیام زید (سال ۱۲۲ ه.ق) به شهادت رسید. پس از شهادت محمد بن علی (ع) عبدالرحمان فرزند خردسال خالد به برقه رفت و از آنجا به قم گریخت. (۳)

۱- - زیارت جامعه (کلامکم نور و امرکم رشد)

۲- - یوسف بن عمر ثقفی در سال ۱۲۲ زید را به شهادت رساند ولی دیری نپایید (سال ۱۲۶) که از ترس عباسیان پابه فرار گذاشت و در همان ایام توسط خالد بن عبدالله قسری به هلاکت رسید (الکامل فی التاریخ، ج ۳، ۳۸۰ و ۴۱۵).

۳- - رجال النجاشی، ص ۷۶ برقه رود از نواحی اطراف قم است و در شش فرسخی آن واقع شده و محل فعلی آن، رودخانه بیرقان قم است (تاریخ قم، محمد حسین ناصر الشیعه، ص ۱۷۴).



احمد در منطقه برقه چشم به دنیا گشود، اندک اندک بزرگ شد و آن سامان را با عطر حدیث معطر ساخت. درباره سال تولد وی در متون رجالی و تاریخی چیزی به چشم نمی خورد، اما با توجه به تاریخ وفاتش می توان گفت که در حدود سال ۲۰۰ ه.ق پای به گیتی نهاد.

## حیات طیبه

برقی از اصحاب امام جواد(ع) و امام هادی(ع) است ولی در منابع موجود، حدیثی که بدون واسطه از این دو بزرگوار نقل کرده باشد به چشم نمی خورد شیخ کلینی در کتاب شریف کافی حدیثی از احمد، بدون واسطه از امام رضا نقل کرده، ولی این حدیث در اصطلاح اهل رجال مرسل نامیده می شود؛ یعنی واسطه ای بوده که ذکر نشده است، زیرا چنانچه گذشت احمد متولد سال ۲۰۰ است و شهادت امام رضا(ع) در ۲۰۳ اتفاق افتاد پس به طور طبیعی این راوی نمی تواند از آن بزرگوار حدیث شنیده باشد. شمار استادان او در حدیث از صد تن فراتر است. نام برخی از آن بزرگان چنین است:

ابوعلی واسطی، سعد بن سعد، ابو ایوب مدائنی، ابوخرج انصاری، ابوسلیمان حذاء جلی، پدرش، ابن فضال، ابن محبوب، احمد بن محمد ابی نصر، صفوان بن یحیی، عبدالعزیز بن مهتدی و عبدالعظیم حسنی. (۱)

۱- - نام استادان وی بدین شرح است: ابو عبدالله جارمونی، ابو عمران ارمنی، ابن سنان، ابن ابی بحران، ابس عزرمی، ابان بن عبدالملک، ابراهیم بن محمد ثقفی، ابراهیم بن موسی اسحاق بن ابراهیم بن الکندی، اسماعیل بن مهران، جعفر بن عیسی، جعفر بن محمد، جعفر بن مثنی الخطیب، جهم بن حکم مدائنی، حسن بن حسین بن لؤلؤ حسن بن زرقان بن انصاری، حسن بن ظریف، حسن بن علی، حسن ابی قتاده، حسن بن علی بن یقطین، حسن بن علی عقیلی، حسین بن منذر، داوود بن ابی داوود، داوود بن اسحاق، زکریای مؤمن، زیاد قندی، سعدان، سلیمان بن جعفر جعفری، سلیمان بن حفص مروزی، شریف بن سابق، عبد الرحمن بن حماد، عبد الصمد بن بشیر، عباس بن معروف، عبید بن مالک، عبدالله بن محمد نهیکی، عبدالله بن مغیره، عبدوس بن ابراهیم بغدادی، عثمان بن عیسی، علی بن اسبا، علی بن اسحاق بن سعد، علی بن الحدید، علی بن ابی راشد، علی بن حسان، علی بن اسماعیل، علی بن حسین تیمی، علی بن حفص موسی، علی بن حکم، علی بن ریان بن صلت، علی بن سلیمان بن رشید، علی بن محمد بن سلیمان، علی بن محمد بن قاسانی، عمرو بن ابراهیم، عمرو بن عثمان، قاسم بن اسحاق بن ابراهیم، محمد بن حسن، محمد بن سعید، محمد بن اسلم بجلی، محمد بن شعیب، محمد بن عبدالحیمد، محمد بن عبدالله بن مهران، محمد بن علی، محمد بن علی بن یوسف، محمد بن علی بن صرفی، محمد بن علی کوفی، محمد بن علی همدانی، محمد بن عمر، محمد بن عیسی، محمد بن موسی بن فرات، محمد بن یحیی، منصور بن عباس، موسی بن قاسم، نوح بن شعیب، یحیی بن ابراهیم بن ابی البلاد و یعقوب بن یزید.

## شاگردان

جای بسی تعجب است که او شاگردان بسیاری ندارد. ابو علی اشعری، احمد بن ادريس، احمد بن عبدالله، احمد بن محمد بن عبدالله، حسن بن متیل دقاق، حسین بن سعید، سعد بن عبدالله، عبدالله بن جعفر حمیری، علی بن ابراهیم، علی بن حسین سعد آبادی، علی بن محمد بندار، علی بن محمد بن عبدالله قمی، علی ماجیلویه، محمد بن ابی القاسم، محمد بن احمد بن یحیی، محمد بن حسن صفار، محمد بن عیسی، محمد بن یحیی، معلی بن محمد (۱) جمعی از شاگردان وی شمارده می شوند. جوامع روایی از او با عنوانهای احمد بن محمد بن خالد برقی، احمد بن ابی عبدالله، احمد بن محمد ابی عبدالله برقی و احمد برقی یاد کرده اند.

---

۱- نام دیگر شاگردان وی بدین شرح است: احمد بن عبدالله حفیده، محمد بن علی بن محبوب، سهل بن زیاد، علی بن ابراهیم، زیاد القندی، علی بن حسین مؤدب، علی بن محمد و محمد بن ابی القاسم.

ولی تذکر این مطلب شایسته است که، همانگونه که آیت الله خوئی در معجم ذکر کرده اند، عنوان احمد بن محمد بن ابی عبدالله برای این راوی اشتباه است؛ زیرا ابو عبدالله کنیه پدرش بود نه جدش. پس در این موارد احمد بن محمد ابی عبدالله یا احمد بن ابی عبدالله صحیح است. (۱)

در کتب روایی شیعه حدود دو هزار حدیث از او نقل شده است. در بسیاری از موارد وی را احمد یا احمد ابن محمد خوانده اند که معمولاً با راویانی چون احمد بن محمد بن خالد اشتباه می شود. محقق آگاه در این گونه موارد شخص را به وسیله استاد و شاگردانش تشخیص می دهد.

در زندگی علمی برقی چند مطلب بسیار قابل توجه است:

#### ۱. تألیف کتابها و جمع آوری روایات بسیار.

نجاشی و دیگر رجال شناسان صد کتاب او را ذکر کرده اند که متأسفانه تنها کتاب محاسن وی باقیمانده است. داشتن یک کتاب برای دانشوران رجال بسیار مهم است تا چه رسد به این همه کتاب در ابواب مختلف.

۲. مهارت در نجوم، تاریخ، شعر، علوم ادبی و روایت. او از ستاره شناسان بود و کتابی در علم نجوم تألیف کرده است. نجاشی و شیخ طوسی بر این مطلب گواهی داده اند (۲) از جمله علمی که برقی از آن آگاه بوده، علم تاریخ است. مسعودی می گوید: از جمله کسانی که در تاریخ، کتاب نوشته اند احمد بن محمد بن خالد برقی است و نام کتابش تبیان می باشد. (۳)

او استاد دو نحوی معروف احمد بن فارس (صاحب مجمل اللغة) و ابوالفضل عباس بن محمد

است که استادان صاحب بن عباد شمرده می شوند. (۴)

۱- - معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۲۳۴.

۲- - فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم، سید ابن طاووس، ص ۱۲۳.

۳- - مروج الذهب، مسعودی، ج ۱، ص ۱۴.

۴- - اعیان الشیعه، سید محسن امین، ج ۳، ص ۱۰۷.

یکی از علمای قم، که احمد بن محمد بن عیسی نام داشت، در نقل روایت بسیار حساس و

سختگیر بود. او برقی را از قم بیرون کرده، سپس از کرده خود پشیمان شد و او را به قم بازگرداند. احمد بن محمد بن عیسی پس از مرگ برقی با سر و پاهای برهنه در تشییع جنازه اش شرکت کرد تا وجدان خود را آرام سازد. (۱)

در تبیین علت تبعید برقی از قم به دو مطلب می توان اشاره کرد:

الف) اعتماد او بر روایات مرسل (۲) و نقل حدیث از افراد ضعیف، چنانکه بیشتر دانشمندان رجالی بر این مطلب تصریح کرده اند.

ب) آنچه علامه مامقانی (۳) و گروهی دیگر بدان اشاره کرده اند آن اتهام غلو است. (۴) در این مورد باید یاد آوری کرد که، قمی ها در قرن سوم و چهارم قائل به نفی بعضی از فضائل و صفات معصومین (ع) مانند علوم آنها و بعضی از معجزات بوده و قائل به این صفات را غالی می دانستند و روایات او را مخدوش می نمودند. در مقابل قمی ها، متکلمین بغدادی مانند شیخ مفید ایستادگی نموده و به تخطئه قمی ها در عقایدشان پرداختند و

آنها را مقصر نامیدند. (۵)

احمد بن محمد بن عیسی نه تنها برقی، بلکه گروهی دیگر را نیز به همین تهمت از قم بیرون کرد. او چنان بود که به مجرد شک در غالی بودن فرد، وی را تبعید می کرد تا حقایق دینی دستخوش انحراف نشود. (۶)

۳. برقی در علم کمک به مردم، عبادت و کمک به محرومان سر آمد روزگار، بود. او خود می گوید:

۱- رجال النجاشی، ص ۷۶.

۲- مرسل به روایتی گفته می شود که یک با چند نفر از کسانی که در سند آن روایت هستند ذکر نشده باشد.

۳- مقباس الهدایه فی علم الدرایه، شیخ عبدالله مامقانی، ص ۱۴۹.

۴- غلو عبارت است از اینکه در مورد پیامبر اکرم (ص) یا ائمه به فضائلی بیش از حد آنان معتقد باشیم.

۵- مقایسه ای میان دو مکتب فکری شیعی در قم و بغداد، یعقوب جعفری، سلسله مقالات فارسی کنگره شیخ مفید، شماره ۶۹.

۶- رجال الخاقانی، علی خاقانی، ص ۱۴۸.

به ری رفتم تا طلبی را که از مادرایبی (۱) داشتم دریافت کنم؛ زیرا هر سال ده هزار درهم به خاطر زمینی که در اجاره او بود دریافت می کردم. وقتی در ری بودم، پیر مردی بسیار رنجور و خون آلود نزد من آمد و گفت: من و تو هر دو شیعه و علاقه مند به اهل بیت (ع) هستیم، حاجتی دارم. گفتم: بگو.

گفت: به مادرایبی گزارش داده اند که، من نزد خلیفه عباسی از وی شکایت کرده ام و او بدین سبب خون و مال مرا حلال دانسته است. به او بگو این مطلب دروغ است. به پیر مرد گفتم: حاجتت را بر آورده می سازم. او رفت و من در فکر فرو رفتم، زیرا می ترسیدم اگر حاجت او را به مادرایبی بگویم، خشمگین شود و از دریافت ده هزار درهم باز مانم. همان لحظه به سراغ کتابهایم رفتم؛ کتابی گشودم و با این سخن امام صادق (ع) روبرو شدم: کسی که نیت خود را در بر آوردن حاجت مؤمن خالص کند خداوند حاجت خود او را نیز بر آورده می سازد.

برخاستم و سمت اقامتگاه مادرایبی شتافتم. عده ای از نگهبانها از ورود من جلوگیری کردند و بعضی اجازه ورود دادند، سپس همگی اجازه دادند و من نزد او رفتم. مادرایبی در بالکن نشسته، بر ستون تکیه داده بود و چوبدستی در دست داشت. پس از سلام به اشاره او نشستم و این آیه را خواندم: و ابتغ فیما آتاک الله و الدار الآخرة و لا تنس نصیبک من الدنیا و أحسن کما أحسن الله الیک

۱- - مادرایبی، احمد بن حسن مادرایبی است که در قرن ۱۳ می زیست. او ابتدا کاتب کوتکین ترک از منصوبین خلفای عباسی بود و سپس حکومت مستقل اعلام کرد. اهل ری، که همه اهل سنت بودند، به واسطه حکومت او شیعه شدند. (معجم البلدان) یاقوت حموی، ج ۳، ص ۱۲۱) علت شیعه شدن او نامه ای بود که امام زمان (عج) خطاب به وی نوشت. ر.ک: اصول کافی، ج ۲، ص ۴۶۲، لازم به ذکر است که این مطلب در آنجا (کافی) به پدر غلام احمد نسبت داده شده در حالی که این داستان از آن خود احمد است. در این مورد آقای محدث ارموی در مقدمه کتاب محاسن، ص ۱۱، توضیحات کامل را آورده است.

و لا تبغ الفساد فی الارض ان الله لا یحب المفسدین. (۱) مادراپی گفت: لطف داری، آری خدا نعمتهای بسیار به من داده؛ ولی این مقدمه حاجتی است، حاجتت را بگو.

گفتم: فلان مرد را می شناسی؟

گفت: آری، آیا او شیعه و اهل ولایت ائمه است؟

گفتم: بله.

در این هنگام چوبدستی اش را بر زمین انداخت، بر روی تخت نشست و به یکی از غلامانش گفت: آن بسته را بیاور. غلام بسته ای آورد که اموال بسیار در آن بود. سپس دستور داد اموال را به پیرمرد بازگردانده، خلعتی نیز به وی بدهند و او را به خانواده اش ملحق کنند. آنگاه رو به من کرد و گفت: نصیحت خوبی کردی و بارم را سبک ساختی. بعد کاغذی برداشت و نوشت: بسم الله الرحمن الرحیم، ده هزار درهم به احمد بن محمد بن خالد برقی تسلیم شود و این به خاطر نیکی است که در حق ما کرده است.... (۲)

### برقی در نظر دانشمندان

پرداختن به نظر همه دانشمندان شیعه درباره برقی فرصتی در خور می طلبد، در اینجا تنها به نظر سه تن از آن بزرگواران بسنده می کنیم:

۱- - قصص ۷۶/ (به آخرت میل کن و بهره خود را از دنیا از یاد نبر و نیکی کن همانگونه که خداوند به تو احسان کرد و در زمین فساد نکن زیرا خداوند فساد کنندگان را دوست ندارد).

۲- - دار السلام، محدث نوری، ج ۳، ص ۳۷۳-۳۷۱.

نجاشی (متوفی ۴۵۰) می گوید: او مورد اعتماد است، گرچه از افراد ضعیف روایت نقل می کرد و به روایات مرسل اعتماد داشت. (۱)

شیخ طوسی (متوفی ۴۶۰) او را از اصحاب امام جواد(ع) شمرده و احمد بن محمد بن خالد خواننده است. (۲) علاوه بر این در اصحاب امام هادی(ع) نیز از او یاد کرده، نامش احمد بن ابی عبدالله البرقی نگاشته است. (۳) آن بزرگوار در کتاب فهرست برقی را ستایش کرده، طریق خود به روایت او را ذکر می کند. (۴)

علامه حلی (متوفی ۷۶۲) برقی را در قسمت اول کتاب خود یعنی کسانی که مورد اطمینان هستند ذکر کرده، می گوید: او در نقل روایت قابل اعتماد است. (۵)

### دیدگاه اهل سنت

احمد بن محمد خالد، علاوه بر اینکه در نظر شیعیان مورد احترام است نزد اهل سنت نیز جایگاهی والا دارد. ابن ندیم (متوفی ۳۷۵) درباره او می نویسد: ابو عبدالله محمد بن خالد برقی از اصحاب رضا(ع) و فرزندش ابو جعفر(ع) است. پسرش احمد بن ابی عبدالله خالد است. کتاب الاحتجاج، کتاب السفر و کتاب البلدان از آثار اوست. این کتاب، البلدان، از کتاب پدرش بزرگتر است. (۶)

یاقوت حموی (متوفی ۶۲۶): برق از آبادیهای قم، از نواحی جبل (۷) است. ابو جعفر فقیه شیعه احمد بن ابی عبدالله از آنجاست.

۱- رجال النجاشی، ص ۷۶.

۲- رجال الطوسی، شیخ طوسی، ص ۳۹۵-۳۹۸.

۳- رجال الطوسی، شیخ طوسی، ص ۴۱۰.

۴- الفهرست، شیخ طوسی، ص ۳۰-۳۲.

۵- رجال العلامة الحلی، ص ۱۴.

۶- الفهرست، محمد بن اسحاق الندیم، ص ۴۰۵.

۷- منطقه ای بین بغداد تا آذربایجان (مفاخر اسلام، ج ۱، ص ۳۷۳).

حموی سپس صد کتاب از برقی بر می شمرد و از حمزه اصفهانی نقل می کند که، احمد از راویان لغت و شعر بود. (۱) و این دانشمند بزرگ در کتاب معجم الادبا نیز برقی را در شمار ادبان و صاحبان کتب ذکر می کند. (۲)

ابن حجر عسقلانی (متوفی ۸۵۲) می نویسد: اصل وی کوفی است، از بزرگان رافضه است و کتابهای ادبی دارد؛ کتابهای اختلاف الحدیث، عیافه و قیافه بخشی از آثار اوست. احمد بن ابی عبدالله در زمان معتصم می زیست. (۳)

صاحب کتاب الاعلام می گوید: احمد بن محمد بن خالد ابوجعفر بن عبدالله بقری از علمای متفکر و اهل بحث شیعه بود و اهل برقه، یکی از آبادیهای قم، به شمار می آید. اصلش کوفی است. او حدود صد کتاب دارد. یکی از آنها کتاب محاسن است که دو جلد دارد و در فقه و آداب شریفه نوشته شده است. کتاب البلدان، اختلاف الحدیث و الانساب، اخبار الامم و الرجال از کتابهای دیگر اوست. امامیه گفته اند که او در نقل حدیث به افراد ضعیف تکیه می کرد. (۴)

عمر رضا کحاله درباره برقی می گوید: احمد بن محمد بن خالد عبدالرحمن بن محمد بن علی برقی کوفی کنیه اش ابو جعفر است. او عالمی است که در بسیاری از علوم تبحر داشت. بخشی از کتابهای وی بدین قرار است: التراجم و التعاطف، آداب النفس، ادب المعاشره، کتاب المکاسب، کتاب الرفاهیه. (۵)

۱- - معجم البلدان، یاقوت حموی، ج ۱، ص ۸۳۹.

۲- - معجم الادبا، ج ۱، ص ۵۶۴.

۳- - لسان المیزان، ابن حجر عسقلانی، ج ۱، ص ۳۶۸.

۴- - الاعلام، خیر الدین زرکلی، ج ۱، ص ۲۰۵.

۵- - معجم المؤلفین، عمر رضا کحاله، ج ۱، ص ۹۷ و ۹۸.



## کتاب محاسن برقی

تنها کتابی که از برقی به یادگار مانده محاسن است. کتاب محاسن تنها مجموعه ای روائی نیست، بلکه دائره المعارفی از علوم مختلف است. توجه به مطالب زیر اهمیت این کتاب را آشکار می سازد: شیخ کلینی (متوفی ۳۲۸) در کتاب گرانسنگ کافی، در بسیاری از موارد، روایات خود از محاسن نقل می کند.

شیخ صدوق (متوفی ۳۸۱) در اول کتاب مشهور من لا یحضره الفقیه می فرماید: قصد من در این کتاب جمع آوری همه روایات نیست، بلکه هدف روایاتی است که آنها را حجت می دانم و بدانها عمل کرده ام. من روایات این کتاب را از کتب مورد اعتماد مانند کتاب حریز بن عبدالله سجستانی و کتب محاسن احمد بن ابی عبدالله برقی نقل می کنم. (۱)

شهید قاضی نورالله شوشتری (متوفی ۱۰۹۱) در جواب دشمنان شیعه که منابع شیعیان را منحصر در چهار کتاب می شمردند، می گوید: این صحیح نیست و کتابهای شیعیان بیش از این است. او سپس بخشی از کتابهای شیعه را بر می شمرد و ضمن آنها از کتاب محاسن برقی نیز نام می برد. (۲)

علامه محمد تقی مجلسی (متوفی ۱۰۷۰) می نویسد: کتاب محاسن نزد ما هست و چنانکه مشایخ گفته اند اصل آن بسیار بزرگ و مورد اعتماد بود. آنچه فعلا نزد ماست شاید ثلث نسخه اصلی باشد. (۳)

علامه محمد باقر مجلسی صاحب بحار الانوار (متوفی ۱۱۱۰) می نویسد: از جمله منابع، در کتاب بحار محاسن برقی است که از اصول معتبر به شمار

۱- من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۵.

۲- مصائب النواصب، قاضی نورالله شوشتری، ص ۲۰۵.

۳- مقدمه محاسن، مرحوم محدث، ص؟

می رود و کلینی و همه مؤلفان بعد از او از آن روایت نقل کرده اند. (۱)

شیخ آقا بزرگ تهرانی می نویسد: کتاب محاسن به صورت کم و زیاد نقل شده، ولی نام بخشهایی از آن که در دست شیخ حر عاملی بوده چنین است: کتاب قرائن (ده باب)، کتاب ثواب اعمال (۱۲۳ باب)، کتاب عقاب اعمال (۷۰ باب)، کتاب صفوه و نور و رحمه (۴۱ باب)، کتاب نوادر، کتاب مصابیح الظلم (۴۹ باب) و کتاب مکروهات نیز در همین کتاب است، کتاب علل، کتاب السفر (۳۹ باب)، کتاب المآکل (۱۳۰ باب)، کتاب الماء (۲۰ باب)، کتاب المنافع و الاستخارات، کتاب المرافق و البنیان و اتخاذ العبید و الدواب (۱۶ باب) نسخه ای از کتاب العقاب تا آخر مرافق در کتابخانه سید صدرالدین و سید محمد مهدی صدر و نسخه ای از اول کتاب قرائن تا آخر مرافق که به خط مولا عبدالعبی طالقانی در سال ۱۰۵۲ نوشته شده در کتابخانه حاج علی محمد و شیخ علی کاشف الغطاء و مدرسه فاضلخان موجود است. (۲)

شیخ طوسی درباره تعداد کتابهای موجود در مجموعه محاسن می گوید: احمد بن محمد خالد کتاب محاسن و غیر آن را تصنیف کرد. کتاب او به صورت کم و زیاد نقل شده و آنچه فعلا در دست ماست، دارای بخشهای زیر است: کتاب الابلاغ، کتاب التبلیغ، کتاب التراحم و التعاطف، کتاب آداب النفس، کتاب المنافع، کتاب ادب المعاشره، کتاب المعیشه، کتاب المکاسب، کتاب الرفاهیه، کتاب المعارض، کتاب السفر، کتاب الامثال، کتاب الشواهد من کتاب الله عز و جل، کتاب النجوم، کتاب المرافق، کتاب الزواجر (دواجن) کتاب الشوم، کتاب الزینه، کتاب الارکان، کتاب الزی، کتاب اختلاف الحدیث،

۱- بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۶.

۲- الذریعه الی تصانیف الشیعه، شیخ آقا بزرگ تهرانی، ج ۲۰، ص ۱۲۲ و ۱۲۳.

كتاب الطيب (طب)، كتاب الماكل، كتاب الماء (كتاب المشارب)، كتاب الفهم (العلم)، كتاب الاخوان، كتاب التخويف، كتاب تفسير الاحاديث و احكامه، كتاب العقل، كتاب التخدير، كتاب العلل، كتاب التهذيب، كتاب التسليه، كتاب التاريخ، كتاب اسباب الامم (اخبار الامم)، كتاب الشعر و الشعراء، كتاب العجائب، كتاب الحقائق، كتاب المواهب و الحظوظ، كتاب الحيوه (و اين كتاب نور و رحمه است)، كتاب الزهد و الموعظ، كتاب التبصره، كتاب التفسير، كتاب التأويل، كتاب مذام الافعال، كتاب الفروق، كتاب المعانى و التحريف، كتاب العقاب، كتاب الامتحان، كتاب العقوبات، كتاب العين، كتاب الخصائص، كتاب النحو، كتاب العيافه و القيافه، كتاب الزجر و الفال، كتاب الطيره، كتاب المراشد، كتاب الافانين، كتاب الغرائب، كتاب الحيل، كتاب الصيانه، كتاب الفراسه، كتاب العويص، كتاب النوادر، كتاب مكارم الاخلاق، كتاب ثواب القرآن، كتاب فضل القرآن، كتاب مصابيح الظلم، كتاب المستحسنات، كتاب الدعابه و المزاح، كتاب الترغيب، كتاب الصفوه، كتاب تعبير الرؤيا، كتاب المحبوبات و المكروهات، كتاب خلق السماء، و الارض، كتاب البلدان و المسافه، كتاب بدء خلق ابليس و الجن، كتاب الدواجن، كتاب مغازى النبى (ص)، كتاب بنات النبى (ص) و ازواجه، كتاب الجناس و الحيوان، كتاب التأويل.

شيخ طوسى آنگاه مى افزايد: محمد بن جعفر بن بَطَّه كتابهاى زير را نيز از آثار برقى شمرده است: كتاب ملحقات الرجال، كتاب الاوائل، كتاب الطب، كتاب التبيان، كتاب الجمل، كتاب ما خطب به الله خلقه، كتاب جداول

الحکمه، کتاب الاشکال و القرائن، کتاب الرياضه، کتاب ذکر الکعبه، کتاب التهانی و کتاب التعازی.

### تبار پاک

احمد بن محمد از تبار علم و فقاہت برخاست و نسل بعد از خود را بر پایه علم و تقوا تربیت کرد تاریخ نام و یاد بخشی از بستگان این محدث گرانمایه را چنین ثبت کرده است:

الف) پدرش محمد بن خالد از اصحاب موسی بن جعفر (ع)، امام رضا (ع)، و امام جواد (ع) بود.

به گفته نجاشی او شخصی ادیب و آشنا به اخبار و علوم عرب بود. کتاب التنزیل و التعبير، کتاب یوم و لیلہ، کتاب التفسیر بخشی از آثار اوست. (۱)

ب) پسرش عبدالله بن احمد در شمار راویان جای دارد و کلینی از او نقل حدیث می کند. (۲)

ج) عموهایش حسن بن خالد و ابی القاسم فضل بن خالد نامیده می شدند. حسن بن خالد مجموعه ای روایی گرد آورده بود.

د) نوه های آن محدث برجسته، احمد بن عبدالله بن احمد (نوه پسری) و علی بن محمد ماجیلویه (نوه دختری) از راویان هستند. علی بن محمد ماجیلویه نیز مجموعه ای از سخنان اهل بیت گرد آورده است.

ه) دامادش محمد بن ابی القاسم ماجیلویه بود. جد محمد بن ابی القاسم نیز عمران البرقی از دانشمندان بود.

۱- رجال النجاشی، ص ۳۳۵.

۲- قاموس الرجال، ج ۱، ص ۳۲.

(و) عموزاده اش علی بن علاء بن فضل بن خالد (۱) نام داشت.

(ز) نبیره اش علی بن احمد بن عبدالله بن احمد برقی (۲) خوانده می شد.

### نقطه ضعف ها

برقی با همه عظمتی که دارد با دو انتقاد عمده رو به رو شده است:

۱. او از افراد ضعیف حدیث نقل می کرد و بر روایات مرسل اعتماد داشت. (۳)

علامه وحید بهبهانی در پاسخ بدین انتقاد می فرماید:

مورد اعتماد بودن برقی قطعی است و آنچه منتقدان گفته اند برای ما ثابت نشده، حتی اگر او بر ضعیفان اعتماد کرده باشد می توان گفت: روش او در نقل حدیث صحیح نبوده است. علاوه بر این گروهی این روش را مذموم می دانند نه همه محدثان و دانشوران به همین جهت علمای قم و غیر آنها از احمد بن محمد بسیار حدیث نقل می کردند. این نشان می دهد که آنها روش او را می پسندیدند. (۴)

باید در تأیید گفتار وحید (ره) افزود که بسیاری از افراد موثق از افراد ضعیف حدیث نقل کرده اند و این امر هرگز در درستی و راستگویی شان خللی ایجاد نمی کند. علاوه بر این پذیرش روایات مرسل بحثی اجتهادی است که در اصول فقه مورد بحث قرار گرفته است. (۵) و به قول نویسنده کتاب الجامع فی احوال الرجال روایتهای مرسل برقی از امام صادق (ع) از روایات مسند برتر است. (۶)

۱- - تنقیح المقال، علامه مامقانی، ج ۳، ص ۱۳۲. (خاتمه)

۲- - روضات الجنات، محمد باقر موسوی خوانساری اصفهانی، ص ۴۵.

۳- - رجال النجاشی، ص ۷۶.

۴- - تعلیقه رجالیه وحید بهبهانی (حاشیه بر منهج المقال)، ص ۴۳.

۵- - مقدمه محاسن، سید مهدی رجایی، ص ۱۵ و ۱۶.

۶- - الجامع فی الرجال، از موسی زنجانی، ص ۱۶۴.

بدین جهت ابن غضائری، که کمتر کسی از انتقاد او سالم مانده، احمد برقی را توثیق می کند و می گوید طعن قمیین مربوط به کسانی است که احمد از آنها نقل حدیث می کرد.

۲. کلینی روایتی درباره تعداد ائمه بعد از پیامبر (ص) از احمد بن محمد برقی نقل می کند. (۱) و در حدیث دیگر می گوید: مثل همین روایت را محمد بن یحیی از محمد بن حسن صفار از احمد بن ابی عبدالله (برقی) نقل کرده است. در آن روایت محمد بن یحیی بن محمد بن حسن صفار می گوید که: دوست داشتم این حدیث از غیر احمد رسیده بود. محمد بن حسن جواب می دهد: احمد بن ابی عبدالله ده سال قبل از تحیر این حدیث را برای من نقل کرد. (۲)

از این روایت نتیجه گرفته اند که برقی در مورد امامت امام زمان (ع) متحیر بود. (۳) عالمان رجال به این انتقاد جوابهای بسیار داده اند و ما به ذکر سه جواب بسنده می کنیم:

۱. محمد بن یحیی دوست داشت این خبر از غیر احمد نیز می رسید تا به حد تواتر برسد و مقصود از آن تحیر شیعه است. عصر بعد از رحلت امام حسن عسکری (ع) به زمان تحیر شهرت یافت؛ زیرا بسیاری از شیعیان درباره امام دوازدهم متحیر ماندند!

۲. زمان نقل حدیث بعد از رحلت امام حسن عسکری (ع) بود و محمد بن یحیی می خواست این حدیث از غیر برقی باشد تا خبر امامت امام دوازدهم (ع) خبر غیبی باشد و به همین جهت محمد بن حسن صفار جواب

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۶۸.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۷۰.

۳- منهج المقال فی التحقيق احوال الرجال، میرزا محمد استرآبادی، ص ۴۳.

داد این خبر برقی مربوط به ده سال قبل از تحیر شیعه است یعنی معجزه و خبر از آینده است. (۱) مقصود از تحیر زمانی است که احمد بن خالد در تبعید به سر می برد و گروهی گمان می کردند اعتقاداتش با موازین تشیع مطابقت ندارد.

بنابراین ممکن نیست احمد که خود ناقل روایات تصریح بر دوازده امام (ع) است، (۲) درباره امامت متحیر باشد.

### رجال برقی (۳)

گروهی کتاب رجال برقی را از آن احمد بن محمد بن خالد دانسته اند و گروهی به پدر (محمد) نسبت می دهند؛ ولی علامه شیخ محمد تقی شوشتری ضمن تحقیق جالبی هر دو را مردود می داند؛ به دلیل اینکه:

۱. احمد در سال ۲۷۴ یا ۲۸۰ از دنیا رفت و در این کتاب از سعد بن عبدالله اشعری قمی (متوفی ۳۰۱) حدیث نقل شده، پس سعد بن عبدالله استاد احمد بوده و معنی ندارد استاد به کلام شاگرد استناد کند.

۲. در این کتاب از عبدالله جعفر حمیری نیز روایت نقل شده است آنچه درباره سعد بن عبدالله گذشت درباره عبدالله بن جعفر نیز صادق است.

۳. در این کتاب احمد بن ابی عبدالله عنوان شده و ذکر نکرده که مؤلف همین کتاب است. در حالی که روش رجال نویسان بر این است که وقتی نام خود را می نویسند بر مؤلف بودن خود تصریح می کنند. در این کتاب محمد بن خالد ذکر شد و نگفته پدر من است. پس رجال برقی یا از عبدالله بن برقی است که کلینی از او نقل می کند و یا

۱- - مقدمه محاسن، محدث، ص ک.

۲- - تعلیقه بهبهانی، ص ۴۴.

۳- - کتاب رجال برقی مثل رجال شیخ است در اینکه اصحاب پیامبر (ص) و ۱۲ امام (ع) را نام برده و به جرح و تعدیل آنان پرداخته است.

از نوه او، یعنی احمد بن عبدالله بن احمد برقی است که صدوق از وی نقل حدیث می کند و رأی دوم قوی تر به نظر می رسد. (۱)

### وفات برقی

نجاشی سال فوت او را ۲۷۳ می داند و از علی بن محمد ماجیلویه (نوه دختری اش) نقل می کند که سال ۲۸۰ بوده است. قول دوم صحیح تر است به نظر می رسد؛ زیرا در سال ۲۷۵ مادرایی بر ری مسلط شد و برقی به سخن علی بن محمد ماجیلویه، بدین سبب که نوه او شمرده می شد و به زمان پدر بزرگش بوده، بیشتر می توان اعتماد کرد. به هر حال او در ۸۰ سالگی دنیا را وداع گفت. شیعیان با چهره ای اشک آلود و دلهای آکنده از حسرت پیکر پاکش را تشییع کردند و احمد بن محمد بن عیسی، عالم بزرگوار شیعه، با سر و پای برهنه در مصیبت از دست رفتن برقی آه حسرت بر آورد. جسد مطهر آن محدث بزرگ را در حرم حضرت معصومه به خاک سپردند. (۲)

حدیثی از کتاب محاسن می تواند بهترین پایان بخش این نوشته باشد. امام صادق (ع) فرمود: کسی که ما اهل بیت را دوست بدارد و دوستی در قلبش جای گیرد. چشمه های حکمت (از قلبش) بر زبانش جاری می شود و عمل هفتاد پیامبر، هفتاد صدیق، هفتاد شهید و هفتاد عابدی که هفتاد سال خدا را عبادت کرده باشد پی در پی برای او نوشته می شود. (۳) عید فطر ۱۴۱۷.

...

۱- - قاموس الرجال، علامه تستری، ج ۱، ص ۳۱ و ۳۲.

۲- - بساره المؤمنین در تاریخ قم و قمین، شیخ قوام اسلامی، ص ۴۷.

۳- - المحاسن، نشر مجمع جهانی اهل بیت، ج ۱، ص ۱۳۴.









## علی بن ابراهیم (اقیانوس حدیث) / سید سیف الله نحوی

### اشاره

شهر قم همواره خاستگاه و پناهگاه اصحاب و راویان امامان مکتب تشیع و بزرگانی چون زکریا بن ادریس، زکریا بن آدم، ابراهیم بن هاشم و بسیاری دیگر از رادمردان مکتب امامت و ولایت بوده است. علی بن ابراهیم، یکی دیگر از فرزندگان نامدار و راویان معروف و پرآوازه جهان تشیع است. اینک به دور دستهای تاریخ نظر افکنده، به زیارت یکی از نام آوران قرن سوم و چهارم هجری می رویم و به تماشای سیمای علی بن ابراهیم می نشینیم. علی فرزند ابراهیم بن هاشم، از راویان مشهور و قابل اعتماد است و کنیه اش را ابوالحسن دانسته اند.

اثر بسیار معروف و ارزشمند او - تفسیر علی بن ابراهیم موجب شده است تا وی را مفسر قمی بنامند. قبل از اینکه به شرح حال او پردازیم، به

پاس احترام به مقام علمی و معنوی پدرش، ابتدا نگاهی اجمالی به سیمای پدر بزرگوارش -ابراهیم بن هاشم- می افکنیم تا از منظر او، شناخت بهتری به فرزند پیدا کنیم.

### ابراهیم بن هاشم

ابراهیم بن هاشم پدر بزرگوار علی بن ابراهیم کنیه اش ابو اسحاق قمی است وی در اصل از بزرگان شیعیان کوفیان بوده است و سپس به شهر قم مهاجرت کرده است. او از اصحاب امام رضا(ع) و امام جواد(ع) است.

درباره اش گفته اند:

ابراهیم بن هاشم اولین کسی بود که احادیث ائمه بزرگوار تشیع را که در میان کوفی رایج بود، به شهر قم نقل و منتشر کرده است. (۱) و از اینرو می توان او را پیشگام حدیث در قم دانست. شیخ طوسی، او را از شاگردان یونس بن عبدالرحمان -از اصحاب امام رضا(ع)- دانسته است (۲) و می گوید: ابراهیم بن هاشم به ملاقات امام رضا(ع) رسیده و محضر او را درک کرده است. (۳)

ایشان کتابهای متعددی دارد که از جمله آنها النوادر و قضایا امیر المؤمنین (۴) است (۵) ابراهیم بن هاشم، از طریق نقل روایات و احادیث ائمه علیهم السلام، خدمت بیشماری به اسلام کرده و عشق و علاقه خویش را به مکتب ائمه معصومین(ع) ابراز کرده است اگر چه ابراهیم بن هاشم را در زمره یاران امام رضا(ع) بشمار آورده اند اما هیچ روایتی از امام رضا(ع) و نیز

۱- رجال النجاشی، ص ۱۶، مؤسسه النشر الاسلامی.

۲- رجال الطوسی، ص ۳۶۹.

۳- الفهرست، شیخ طوسی، ص ۴.

۴- علامه تهرانی درباره این کتاب، مطالب قابل توجهی بیان کرده اند. (ر.ک: طبقات اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۱۶۹).

۵- همان -الامام الجواد، السید محمد قزوینی، ص ۱۰۳.

یونس بن عبدالرحمان به نقل از او یافت نشده است (۱) اما روایات متعددی را از امام جواد(ع) نقل کرده است (۲) که در کتب حدیث معروف تشیع به ثبت رسیده است. (۳)

وی از بزرگان بسیاری استفاده کرده و نزد آنان حدیث شنیده و نقل کرده است که تعدادشان حدود ۱۶۰ نفر می باشد. (۴) از جمله آن بزرگان، محمد بن ابی عمیر است که تعداد ۲۹۲۱ روایت را از وی نقل کرده است. (۵)

مجموع روایاتی که از ابراهیم بن هاشم قمی نقل شده است و در کتابهای معتبر وجود دارد، ۶۴۱۶ مورد می باشد. (۶)

علامه حلی درباره اعتبار علمی روایات نقل شده از سوی او می گوید:

۱- - معجم رجال الحدیث، سید ابوالقاسم خویی، ج ۱، ص ۳۱۷-۳۱۸.

۲- - معجم رجال الحدیث، سید ابوالقاسم خویی، ج ۱، ص ۳۱۷-۳۱۸.

۳- - التهذیب، ج ۴، کتاب الزکات، حدیث ۳۹۷؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۳۲۱.

۴- - معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۳۱۷.

۵- - معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۳۱۸.

۶- - معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۳۱۸.

هیچ کس از یاران و اصحاب درباره نفی یا تعدیل روایات وی، مطلبی را نگفته اند ولی روایات او بشمار است و قبول کردن روایاتش نزد من ارجحیت دارد. (۱)

این مسئله در میان بزرگان علم رجال مورد نقد و بررسی قرار گرفته است و بزرگمردانی چون شهید ثانی احادیث او را معتبر و صحیح دانسته، آنها را مورد قبول خود می دانند. (۲)

محقق عالی مقام - آیت الله خویی - می گوید: سزاوار نیست درباره موثق بودن ابراهیم بن هاشم شك و تردید به خود راه داد. (۳)

### علی بن ابراهیم

نام این راوی عالیقدر، در شمار اصحاب حضرت امام هادی (ع) قرار گرفته است. شیخ طوسی به این مسأله اشاره کرده است. (۴) سپس نجاشی به پیروی از شیخ طوسی درباره علی بن ابراهیم می گوید:

او از افراد مورد وثوق و قابل اعتماد در احادیث و روایات می باشد و مذهب و افکار اعتقادی او کاملاً صحیح است. (۵)

علی بن ابراهیم علاوه بر عصر امام هادی (ع)، در دوران حیات پر برکت امام حسن عسکری (ع) (۶) و نیز زمان غیبت صغری زندگی می کرده است. البته در کتابهای معتبر تشیع هیچ روایتی از امام هادی و نیز دیگر امامان معصوم علیهم السلام به نقل از علی بن ابراهیم یافت نشده است. آیت الله خویی در این باره می گوید: نبودن روایت مستقیم از ائمه علیهم السلام منافاتی با این

- ۱- - رجال العلامه الحلی، ص ۵.
- ۲- - الامام الجواد علیه السلام، ص ۱۰۳.
- ۳- - معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۳۱۷.
- ۴- - الامام الهادی علیه السلام، السید محمد کاظم القزوینی، ص ۳۰۸، مرکز نشر آثار شیعه.
- ۵- - رجال النجاشی، ص ۲۶۰.
- ۶- - الذریعه، آقا بزرگ تهرانی، ج ۴، ص ۳۰۲.

مطلب ندارد که نامش در زمره اصحاب امام هادی (ع) باشد. (۱)

علاقه و دلدادگی او نسبت به سرچشمه های زلال امامت، به اندازه ای بود که نه تنها شیعیان، بلکه دانشمندان اهل سنت نیز به این مسأله اشاره کرده اند. ابن حجر عسقلانی که از دانشمندان نامدار اهل سنت در علم رجال است، از علی بن ابراهیم در کتاب خویش نام برده، سپس می گوید: او از شیعیان سرسخت است. (۲) سرسختی و ارادت او نسبت به پیشوایان معصوم، در لابلای روایتی که علی بن ابراهیم نقل کرده به خوبی آشکار است.

همچنین تلاش بی وقفه و زحمات طاقت فرسای او در شنیدن، بدست آوردن، یادگیری و منتشر ساختن روایات و احادیث، این محبت و علاقمندی را شفافتر ساخته است. این تلاش بی وقفه به حدی بوده است که علی بن ابراهیم توفیق یافته تا تعداد ۷۱۴۰ روایت را نقل کند. (۳)

کتاب کافی تألیف حدیث شناس بزرگ ثقه الاسلام کلینی، مملو از روایات و احادیث علی بن ابراهیم است به گونه ای که می توان آن کتاب را مسند علی بن ابراهیم به شمار آورد.

کلینی خود در این باره می گوید: تمام احادیثی را که در کتب خود (کافی) آورده ام به نقل از بزرگانی چون علی بن ابراهیم، محمد بن یحیی، علی بن موسی کمیدانی، داوود بن

کوره و احمد بن ادريس است. (۴)

از این تعداد (۷۱۴۰) روایاتی که وی نقل کرده است، تعداد ۶۲۱۴ مورد از آن را از پدرش ابراهیم بن هاشم و او نیز از محمد بن ابی عمیر نقل کرده است. تعداد بی شمار روایات علی بن ابراهیم، ستایش و تمجید همگان را بار آورده

۱- - معجم رجال الحدیث، ج ۱۱، ص ۱۸۹.

۲- - رسال المیزان، ج ۴، ص ۱۹۱.

۳- - معجم رجال الحدیث، ج ۱۲، ص ۲۱۳.

۴- - رجال النجاشی، ص ۳۷۸.



است. از اینرو عمر رضا کحاله - از دانشمندان اهل سنت - ضمن معرفی او می گوید:

علی بن ابراهیم شخصیتی فقیه، مفسر قرآن و اخباری است (کسی که احادیث بسیاری را نقل می کند) و کلینی از او روایت برگرفته است. (۱)

به یقین فقیه قمی، برای بدست آوردن و گردآوری این حجم بسیار زیاد از احادیث و سخنان پیشوایان دین، به نقاط مختلفی مسافرت کرده است و در راه رسیدن به این مهم زحمات زیادی را بر خود هموار کرده است.

او در این راه علاوه بر استفاده از محضر بزرگان شیعه، نزد حافظان راویان اهل سنت رفته و از آنان احادیثی را ثبت و ضبط کرده است.

ابن حجر عسقلانی در این باره می گوید: علی بن ابراهیم از برخی علمای اهل سنت چون ابو داود سیستانی، ابن عقده و افراد دیگر، روایت نقل کرده است. (۲)

مفسر قمی در اواسط زندگی پرافتخارش، نعمت بینایی خود را از دست داد (۳) و تا پایان عمر با دلی روشن و قلبی حق بین به حیات با برکت خویش ادامه داد اما او با این حالت جسمانی خویش، از پای ننشست و همچنان در دریای عمیق روایت و حدیث شنا می کرد تا از این طریق معارف انسان ساز شریعت را به کمک و یاری امامت گردآورده و آن را به آیندگان بسپارد.

بنابراین بزرگترین امتیاز و زرین ترین صفحه زندگی اش را می بایست، گردآوری، تدوین، تألیف و نقل و نشر روایات امامان معصوم علیهم السلام بر شمرد. از اینرو بر ما سیراب شدگان از زمزم زلال کافی

۱- - معجم المؤلفین، ج ۷، ص ۹.

۲- - لسان المیزان، ج ۴، ص ۱۹۱.

۳- - رجال النجاشی، ص ۲۶۰.

وظیفه است تا این تلاش عظیم و مقدس را ارج نهیم.

## آثار و تألیفات

راویان و اصحاب امامان معصوم علیهم السلام، به منظور ثبت و ضبط معارف ناب و مکتب تشیع و انتقال آن به نسلهای آتی احادیث معتبر را از نزدیکترین و مطمئن ترین یاران ائمه دریافت می کردند و سپس آنها را در موضوعات مختلف دسته بندی و تنظیم کرده و هر موضوعی را در کتابی مستقل با نامی ویژه به نگارش در می آوردند. علی بن ابراهیم بن هاشم که از معروفترین راویان تشیع می باشد و روایات بسیار زیادی (بیش از ۷۰۰۰ حدیث) را نقل کرده است، به این امر مهم (دسته بندی موضوعی روایات) همت گمارده است به گونه ای که نام ۱۴ کتاب او بدین شرح به ثبت رسیده است. شیخ طوسی پنج کتاب او را چنین نام می برد: ۱- التفسیر ۲- الناسخ و المنسوخ ۳- قرب الاسناد ۴- الشرایع ۵- المغازی. (۱)

ابن الندیم - دانشمند بزرگ اهل سنت - در کتاب خویش، از علی بن ابراهیم قمی، تحت عنوان فقهاء و محدثان و علمای شیعه، نام برده و علاوه بر قرب الاسناد نام دو کتاب دیگر وی را چنین می نویسد:

### ۱- المناقب ۲- اختیار القرآن

دانشمند بزرگ علم رجال ابو العباس نجاشی علاوه بر هفت کتاب نامبرده فوق از دیگر کتابهای وی چنین نام می برد: (۲)

### ۱- التوحید و الشرك ۲- فضائل امیرالمؤمنین (ع) ۳- الانبیاء (ع) ۴- المشذر

۱- - الفهرست، ص ۸۹. شیخ عباس قمی می گوید: کتاب قرب الاسناد وی غیر قرب الاسناد معروف است که از کتابهای عبدالله بن جعفر حمیری است. قرب الاسناد مثل امالی از کتابهای رایج بین محدثان است. زیرا محدثان حدیث در زمانهای گذشته برخی از احادیثی را که از نظر سلسله سند واسطه کمتری تا امام معصوم داشته و به اصطلاح دارای سند عالی بوده اند، در کتاب ویژه ای جمع آوری کرده و آن را قرب الاسناد می نامیده اند. آنان به این نوع کتابها افتخار می کردند. (فوائد الرضویه، ص ۲۶۴).

۲- - الفهرست، محمد بن اسحاق الندیم، ص ۳۱۲، دار المعرفه بیروت - معجم الادباء، یاقوت حموی، ج ۱۲، ص ۲۱۵.

۵- الحیض ۶- رساله ای در معنای هشام و یونس ۷- جواب مسائل محمد بن بلال.

اگر چه هر یک از کتابهای این فقیه بزرگ اسلام، خود گنجینه ای ارزشمند است اما کتاب تفسیر علی بن ابراهیم قمی از امتیاز ویژه و موقعیت برجسته ای برخوردار است که نگاهی به آن کتاب ضروری می نماید

### تفسیر نور با نور

از خدمات ارزنده این شخصیت نستوه، تألیف کتاب تفسیر قرآن است. از آنجا که کتاب تفسیر القمی از مزایای خاصی برخوردار است، به مطالبی چند از این تفسیر اشاره می شود تا از آن طریق، گوشه ای دیگر از زندگی این راوی نور آشکار گردد. علی بن ابراهیم قمی در این کتاب، برای توضیح و تفسیر هر یک از آیات نورانی حق، روایات متعددی از امام صادق (ع) را به نقل از پدرش ذکر کرده است. پدرش نیز آن روایات را از طریق ابن ابی عمیر و برخی دیگر از بزرگان بیان نموده است.

اما پس از چندی یکی از شاگردان علی بن ابراهیم، روایاتی دیگر از امام محمد باقر (ع) را در تفسیر و توضیح آیات قرآن، به آن تفسیر اضافه می کند و با اضافه کردن آن روایات، ساختار کتاب تفسیر از اوائل سوره آل عمران (و انبأکم بما تأکلون و ما تدخرون فی بیوتکم) تا آخر قرآن تغییر می یابد. در واقع تفسیر موجود که به تفسیر قمی معروف است، تفسیر امام باقر و امام صادق علیهما السلام می باشد.

شیوه این تفسیر بصورتی است که به مناسبت هر آیه قرآن، حدیثی از امام صادق و امام باقر(ع) در ذیل آن بیان شده و از این طریق شرح و توضیح داده شده است. این تفسیر، از تفسیر معروف به عسکری جدا بوده و همچنین تفسیری به نام تفسیر کبیر و صغیر نیز وجود ندارد.

آن دسته از روایاتی که از سوی امام صادق(ع) در این تفسیر وجود دارد، از طریق علی بن ابراهیم نقل شده و دسته دیگر که از سوی امام باقر(ع) است از طریق ابی الجارود نقل شده است.<sup>(۱)</sup>

تفسیر القمی از منابع بسیار قدیمی و معتبر شیعه است به طوری که منبع تفاسیر بعدی قرار گرفته<sup>(۲)</sup> و علامه طبرسی و دیگر مفسران از آن بهره مند شده اند.<sup>(۳)</sup> درباره

این تفسیر علی بن ابراهیم مطالب بسیاری از سوی بزرگان و پژوهشگران مختلف نقل شده است که مشتاقان می توانند بدانجا مراجعه نمایند.<sup>(۴)</sup>

تفسیر القمی در دو جلد به چاپ رسیده است. این تفسیر اولین بار در سال ۱۳۱۳ قمری با چاپ سنگی، در دسترس عموم قرار گرفت. و تا کنون با تصحیح حواشی جدید، چندین بار بصورت مجدد چاپ شده است.

#### بستگان

به یقین بخشی از هویت مذهبی، علمی و اجتماعی هر شخص، از آینه شفاف خانواده، بستگان و نزدیکان او آشکار می گردد. این اصل مهم در مورد

۱- رجال النجاشی، ص ۲۶۰.

۲- الذریعه، ج ۴، ص ۳۰۲ الی ۳۰۹ - تفسیر القمی، مقدمه، شیخ آقا بزرگ تهرانی - ص ۵.

۳- خلاصه الاقوال، علامه حلی، ص ۴۹.

۴- بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۷. ک: مقدمه سید طیب موسوی جزائری بر کتاب تفسیر القمی - الذریعه، ج ۴، ص ۳۰۲ - تصوف و تشیع، هاشم معروف الحسنی، مفاخر اسلام، علی دوانی، ج ۲.

همگان قابل بررسی و مطالعه است.

از آنجا که علی بن ابراهیم قمی نیز از این قاعده مسبثی نبوده است، نگاهی هر چند مختصر به بستگان وی ضروری می نماید.

علی بن ابراهیم علاوه بر پدری فرزانه، برادران و فرزندان داشته است که همگان از راویان مشهور و معروف شیعه بوده اند.

برادران او عبارتند از:

۱- اسحاق بن ابراهیم - به نظر می آید که وی برادر بزرگ علی بن ابراهیم بوده است زیرا کنیه پدرشان (ابراهیم) ابو اسحاق بوده است. از آنجایی که کنیه هر شخصی معمولاً بر اساس نام فرزند اول آن شخص بوجود می آمده است بنابراین احتمال می رود که اسحاق برادر بزرگ علی بن ابراهیم است. همچنین روایت کردن علی بن ابراهیم از برادرش اسحاق این ادعا را قوت بخشید. چنانچه شیخ عباس قمی می گوید: از برخی روایات معلوم می شود که علی بن ابراهیم، برادری به نام اسحاق داشته است و او از برادرش اسحاق روایاتی نقل کرده است. (۱) محقق پرتلاش - آیت الله خویی - نیز این مطلب را یادآوری کرده است. (۲)

از دیگر برادران وی چندان اطلاعی در دست نیست.

فرزندان او عبارتند از:

۱- احمد بن علی بن ابراهیم وی از بزرگان شیعه بوده و شیخ صدوق با عبارت رضی الله عنه از او به نیکی نام برده و روایات بسیاری از وی نقل

۱- - فوائد الرضویه، ص ۲۶۴.

۲- - معجم الرجال الحدیث، ج ۱۲، ص ۲۱۴.

کرده است. (۱)

شأن و مقام والای او به حدی است که یکی از دانشمندان اهل سنت در کتاب خود -لسان المیزان- از وی یاد کرده می گوید: احمد بن علی در ری سکونت داشته است و کنیه اش ابوعلی بوده است. او از پدرش و نیز چند تن دیگر از بزرگان همچون سعد بن عبدالله بن جعفر حمیری و احمد بن ادريس، احادیثی شنیده و نقل کرده است. (۲)

روایات این فرزانه قمی، در کتاب بحارالانوار به چشم می خورد. (۳)

۲- محمد بن علی - او از استادان شیخ صدوق به شمار می آید به گونه ای که آن فقیه بزرگ شیعه از محمد بن علی بن ابراهیم قمی روایاتی را نقل کرده است.

محمد کتابهایی را مشتمل بر احادیث ائمه معصومین تنظیم و تهیه کرده است. (۴)

علامه مجلسی پس از نام علی بن ابراهیم، آورده است... و کتاب العلل لولده الجلیل محمد (۵) و بدین طریق از کتاب وی به نام العلل یاد شده است.

۳- ابراهیم بن علی - او از دیگر فرزندان فرزانه مفسر -علی بن ابراهیم- است و روایاتی را به نقل از پدرش بیان و منتشر کرده است. (۶)

شیخ عباس قمی می گوید: از مقدمه کتاب بحارالانوار، چنین بر می آید که ابراهیم بن علی، از محدثانی بوده است که روایات زیادی را نقل نموده است. (۷)

۱- - الکنی و الالقاب، شیخ عباس قمی، ج ۳، ص ۸۴، مکتب الصدر، تهران - طبقات اعلام الشیعه، شیخ آقا بزرگ تهرانی، ج ۱، ص ۳۲، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

۲- - الکنی و الالقاب، شیخ عباس قمی، ج ۳، ص ۸۵.

۳- - بحار الانوار، ج ۳، ص ۳۹ - ج ۱۸، ص ۳۱۵ - ج ۲۵، ص ۱۹۳.

۴- - طبقات اعلام الشیعه، ج ۱، ص ۱۶۷، ۱۶۸.

۵- - بحار الانوار، ج ۱، ص ۸.

۶- - بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۱۲ و ج ۱۰۸، ص ۶۳/

۷- - فوائد الرضویه، ص ۲۶۴.

## پرواز به بی کران

از تاریخ وفات علی بن ابراهیم قمی اطلاع دقیقی یافت نشده است اما پژوهشگران براساس روایتی که شیخ صدوق درباره وی در کتاب عیون اخبار الرضا نقل کرده است، چنین استفاده کرده اند که علی بن ابراهیم تا سال ۳۰۷ قمری زنده بوده است و وفاتش پس از این تاریخ واقع شده است. (۱)

سرانجام روح ملکوتی آن فرزانه دوران، به بیکرانها پرواز کرد و پیکر پاکش در شهر قم به خاک سپرده شد و بدان سرزمین مقدس، شرافتی دیگر بخشید.

هم اکنون مقبره آن فقه بزرگ و مفسر دانشمند در پارک ملی، روبروی مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی، واقع در خیابان ارم (آیت الله العظمی نجفی مرعشی)، زیارتگاه

عاشقان کوثر می باشد. .

...







## حیدری ایلامی (خروش مقدس) / دبیرخانه کنگره بزرگداشت آیه الله حیدری ایلامی

### در محضر اهل بیت

حاج شیخ عبدالرحمن حیدری ایلامی به سال ۱۳۰۴ ه.ش در شهر ایلام دیده به جهان گشود. تحصیلات را تا ششم نظام قدیم ادامه داد و سپس در کسوت معلمی به تدریس مشغول شد اما رؤیایی صادق مسیر زندگی او را تغییر داد. او در رؤیا، محضر دوازده امام معصوم را در حالی درک می کند که ائمه هدی با جمعی از مردم و دانش آموزان بر او وارد می شود بقیچه ای را که به همراه داشته، باز کرده و قبایی را از آن خارج می کنند و بر تن او می پوشانند و عصایی به دستش می سپارند؛ آنگاه به او امر می کنند که این جمله را به مردم بیاموز:

ولایت علی بن ابی طالب حصنی فمّن دخل حصنی امن من عذابی. وی از خواب بر می خیزد و چون قلم و کاغذ در دسترس نبود، زغالی را از بخاری بیرون می آورد و این جمله را بر دیوار منزل می نگارد؛ جمله ای که تاریخ هجرتش را رقم می زند و سر آغاز راه دیگری در زندگیش می شود. راهی که هستی به نیم نگاه راهبر و راهنمایش هست است و تلخها و سختها بر رهروانش از عسل شیرینتر.

### در بارگاه نور

شیخ عبدالرحمن با هجرت به کرلای معلی چون کبوتری گرد کعبه شش گوشه به طواف می پردازد و واژه، واژه علم را با توسل و تعبد جهت می بخشد.

از آنجا که مرهم شهریه، جراحات فقر خود و خانواده اش را التیام نمی بخشید، با خرید بیل کارگری، روزها را در باغهای خارج شهر به آبیاری و شبها را در صحن اباعبدالله و حجره ها به تحصیل می پردازد. عرق روز را به مرکب شب تبدیل و طی دو سال از ابتدای جامع المقدمات تا پایان شرح لمعه را نزد استادان به نام آنزمان چون آیت الله سعید تنکابنی، آیه الله جعفر رشتی، آیت الله محمد حسین مازندرانی، آیت الله یوسف بیارجمندی، و والد آیه الله محمد هادی معرفت تلمذ می کند و با رحلت حضرت آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی کربلا را به سوی سامراء ترک، و در مدرسه میرزای شیرازی فصلی دیگر از علم و عمل را آغاز می کند.

او در مدت اقامت هشت ساله خود در کنار مرقد امام علی النقی (ع) و امام حسن عسکری (ع) ضمن تحصیل رسائل و مکاسب در درس خارج فقه و اصول آیه الله حاج شیخ مجتبی لنکرانی، آیت الله حاج شیخ عبدالرسول اصفهانی، و آیت الله حاج شیخ عبدالله اصفهانی (معروف به حاج شیخ) شرکت کرده، از خرمین علم و ادب هر یک خوشه ها بر می چیند. در این زمان است که روح صیقل خورده شیخ عبد الرحمن در فقر و مصیبت فرزند او را به حریم نورانی این دو امام همام نزدیک کرده، مورد توجه و شاهد کرامات این بارگاه نور می شود.

پس از چندی عطش سیری ناپذیر علم و معرفت وی را به بارگاه امیر

مؤمنان علی (ع) و حوزه نجف اشرف می کشاند و در درس خارج آیات عظام: سید محسن حکیم، سید ابوالقاسم موسوی خویی، حاج سید محمود شاهرودی، آقا میرزا باقر زنجانی و آقا شیخ حسین حلی شرکت کرده، در مقابل استادان تفسیر، کلام، فلسفه و عرفان نیز زانوی ادب بر زمین می زند.

آوازه علم و تقوای شیخ عبدالرحمن او را در زمره هیئت استفتای برخی از مراجع قرار می دهد؛ آوازه ای که در همان روزهای آغازین ورود به حوزه در کربلای معلا ورد زبان

عام و خاص بود، آیه الله محمد هادی معرفت می گوید:

عبادت ایشان در حوزه علمیه کربلا نمونه بود و همه ایشان را به پاکی و تعبد می شناختند و چنان گرم تحصیل بودند که حتی یک لحظه را تلف نمی کردند.

### در محفل انس

با آغاز نهضت روحانیت در ایران و تبعید امام راحل به نجف اشرف، آیه الله حیدری گمشده خود را در وجود امام می یابد و جاذبه روحانی اش او را به مدار و محفل انس او

می کشاند.

وی ضمن شرکت در درس خارج اصول و فقه امام در بحث ولایت فقیه امام نیز شرکت می کند و همین درس، افقی نو را فراروی او می گشاید و اندیشه سریان فقه در گستره جامعه به عینیت رساندن احکام الهی در متن زندگی مردم را، در باورش بارور می کند. او که پس از سالها تلاش و تحصیل به مقام اجتهاد می رسید، می آید تا رسالت الهی خویش را در جامعه به

انجام رساند.

## در رکاب ولایت

در خواست کرده‌های فیلی بغداد از او به سال ۱۳۵۰ ه.ش برای ارشاد و تبلیغ در مسجد ابوسیفین، آیه‌الله حیدری را وارد مرحله تازه‌ای از حیات پر بارش می‌کند و او را به

جرگه آنانی پیوند می‌زند که با کوله باری از علم و عصای تقوا، طلایه دار حرکت‌های حماسه و عشق می‌شوند.

دستگاه امنیتی عراق بیش از دو سال حضور وی را در پایتخت تحمل نمی‌کند و پس از دستگیری در مرز بصره، او را به یکی از پاسگاه‌های ایرانی تحویل می‌دهد. آیت الله

حیدری پس از آزادی از اردوگاه، راهی شهر جهاد و اجتهاد می‌شود. و نزدیک به دو سال بر کرسی تدریس فقه و اصول می‌نشیند. در این ایام است که با درخواست مردم و روحانیت در ایلام به زادگاهش باز می‌گردد. با ورود آیت الله حیدری در سال ۵۴ به شهر ایلام، انقلاب و نهضت روحانیت در این منطقه جلوه تازه‌ای به خود می‌گیرد و روحانیت مبارز ایلام شکل می‌گیرد. در آغاز ورود به شهر با بیان این مطلب که:

من نماینده مراجع عظام هستم و حاضر به معرفی خود به ساواک و یا شهربانی نیستم.

تهدید ساواک و شهربانی را تهدیدی تو خالی حساب کرده، اولین ضربه روحانیت را بر پیکر دستگاه حکومت وارد می‌کند. آیت الله حیدری در نخستین گام خود در احیای امر به معروف و نهی از منکر با همیاری مردم

خداجو بلندگوهایی را که در سطح شهر موسیقی های مبتذل پخش می کند را جمع آوری کردند.

خشتی کردن تبلیغات بهائیت در استان، دعوت دهها روحانی از حوزه علمیه قم چون آیه الله محمد رضا طبسی ره، حجه الاسلام کوشکی و...، تأسیس مدرسه علمیه باقریه و تربیت طلاب، تأسیس بیش از ۸۰ حسینیه و مسجد در سطح استان، تشکیل کلاسهای تابستانی قرآن و احکام برای خواهران و برادران در مقاطع مختلف سنی و ترغیب و تشویق مردم در هر چه با شکوهرتر برگزار کردن ایام الله، خصوصاً نیمه شعبان، شهر ایلام را به شهری مذهبی و انقلابی تبدیل می کند و استان را در قلمرو قدرت روحانیت مبارز و تبعیدی شهر قرار می دهد.

ترک شهر از سوی آیه الله حیدری به هنگام ورود شاه معدوم به ایلام خشم دستگاه را نسبت به او دو چندان می کند و از همین زمان است که وی مشی تهاجمی خود را آغاز

می کند و این روند ره گونه ای پیش می رود که شش ماه قبل از پیروزی انقلاب اداره های دولت و دستگاههای امنیتی نظام ستم شاهی تنها حضوری سمبلیک را در منطقه ایلام ایفا می کردند.

سپهبد مقدم رئیس دستگاه امنیت که ایلام را از دست رفته میدید با نامه ای متظلمانه و عنوان این مطلب که این کشور تنها کشور شیعی است و باید از آشوب حفظ شود قرآنی را به همراه یک میلیون تومان برای او می فرستند تا او را به سازش بکشاند. آیه الله حیدری با عبارتی کوتاه و محتوایی رسانامه سپهبد مقدم را زیرنویس می کند.

بعد از سلام کلام الله را بوسیده و بر دیده گذاشتم؛ ولی از قبول این گونه پول های که از برکت توجهات ولی عصر (عج) فرجه شریف عادت ننموده ام، معذرت می خواهم. خداوند

متعال ما و شماها را به حق حقیقت و اسلام واقعی راهنمایی و از ظلم و ستم و خیانت به مسلمانان و دین مبین اسلام نگهداری (و) محافظت فرماید. حیدری ۵۷/۱/۲۶

آیهالله حیدری نخستین کسی است که دادگاه عدل اسلامی را به همین نام شش ماه قبل از پیروزی انقلاب در منزل خود بنیان نهاد و به شکایات و اختلافات مردم رسیدگی می کرد و نیز اولین کسی است که حدود اسلامی را قبل از پیروزی انقلاب - بدون اعتنا به تهدیدهای ساواک و شهربانی وقت در مسجد ایلام در برابر دیدگان مردم - جاری ساخت.

وی قبل و پس از انقلاب فرماندهی امنیتی و حراستی استان ایلام را بدست گرفت و با تشکیل ستادهای مقاومت و هسته های ضربت در تمام نقاط استان راه را بر سوجدجویان و ضد انقلابها بست.

در پیش گرفتن روش پدران و گفتگوی محرمانه با کارمندان دولت و حتی نیروهای نظامی و انتظامی برای جذب آنان همزمان با خروش مقدسش بر علیه دستگاه ستم شاهی - نه تنها نشان از هوشمندی سیاسی و فردا نگری او داشت بلکه همین برخورد باعث گشت تا با پیروزی انقلاب اسلام، بافت اداری استان با حفظ اسناد و مدارک در خدمت انقلاب باقی بماند.

هشدار او به نیروهای زرهی کرمانشاه و دستور او مبنی بر روشن کردن آتش بر قله ها و تپه ها در شبهای انقلاب، رعب و وحشت را در دلهای



نیروی اعزامی از پادگان کرمانشاه دوچندان ساخت.

فریاد او در مسجد جامع در عکس العمل تهدید ساواک مبنی بر دستگیری طلاب اعزامی با این بیان که:

اگر طلبه ای را بگیرند کافی است تونل را ببندیم. با همین امکاناتی که داریم، توان آنرا داریم که ماهها با طاغوت بجنگیم.

شوری وصف ناپذیر در مردم ایجاد کرد و کوره انقلاب را تا روز ۱۲ بهمن شعله ورتر نمود.

سرانجام رشادتهای مردم و جوانهای ایلامی با تقدیم شهیدانی به پیشگاه انقلاب به بار نشست و آیه الله حیدری همزمان با ورود امام در روز ۱۲ بهمن با آمدن به خیابان و شلیک چند گلوله از فشنگ خود پیروزی انقلاب را اعلام نمود و پس از تشکیل شورای انقلاب و هماهنگی با شهید مظلوم بهشتی ماهها، یکه و تنها با تنی خسته انقلاب را در استان ایلام هدایت کرد.

### در مجلس خبرگان

آیه الله حیدری در سال ۱۳۵۸ ه.ش با ۹۵۰۰۰ رأی از سوی مردم به مجلس خبرگان قانون اساسی راه یافت و از آن پس تا زمان حیات پربارش دو دوره متوالی نمایندگی مردم در

مجلس خبرگان را عهده دار بود. نقطه نظرها و دیدگاههای او در مورد حاکمیت ولایت مطلقه فقیه در خبرگان قانون اساسی و موضع گیری او در مقابل تفکر لیبرالی کسانی چون

بنی صدر، بیانگر ژرف اندیشی این پیر فرزانه است. وی می گوید:

وقتی اصل ولایت فقیه مطرح شد، بنی صدر که در صندلی جلوی من نشسته بود، به عقب برگشت و گفت: آقای حیدری ولایت فقیه دیگر چیست؟

من به او گفتم تو نمی فهمی یعنی چه؟

سخنان شجاعانه وی در این مجلس در مقابل منادیان ولایت طاغوت و برخورد لفظی او با بنی صدر آغازگر رویارویی این دو بود که نقطه پایان آن را نیز در صالح آباد ایلام توسط جوانان حزب اللهی نهاد.

### در ستیز با لیبرالیزم

نبرد با التقاط و ابتذال سرلوحه برنامه های آیهالله حیدری به شمار می رفت. او همانگونه که شجاعانه در عصر ستم شاهی پرچم مبارزه با فساد و ابتذال را به اهتزاز در آورده بود، در بحبوحه عصر سفسطه گری گروهک های الحادی و التقاطی برای گمراهی جوانان موضع خدا محورانه خویش را در سایه سار ولایت فقیه ادامه داد و شیرمردان شهر

را در راستای رویارویی با التقاط سازماندهی کرد.

از بین بردن جایگاههای فروش نشریات ضد انقلاب، مبارزه با کتابفروشی ها، کتابخانه ها، نوارخانه ها، و خانه های تیمی منافقین و ممانعت از سخنرانی سران کومله و دموکرات و خروج مفتضحانه آنان از شهر گامهای آغازین نیروهای تحت رهبری او بود. وضعیت شهر به نفع نیروهای انقلاب به گونه ای ورق خورد که در زمان دولت موقت بازرگانان، هیئت نهضت آزادی به ایلام با ماشینهای کذایی حتی جرأت پیاده شدن از ماشین را پیدا نکردند.

اعزام جوانان ایلامی به کردستان در راستای کمک رسانی به شهید چمران در زمانی که ایلام از سوی منافقین، قلب کردستان نامیده می شد، از زیباترین حرکتهای سیاسی این فرزانه گمنام است که تأثیری بس شگرف در روحیه یاران انقلاب در منطقه غرب و شمال بر جای نهاد.

با این همه فردا نگری، هوشمندی سیاسی آیت الله حیدری را باید در موضع صریح و قاطع او در مقابل بنی صدر و حرکت لیبرالیزم جستجو کرد که استان ایلام را به کانون تقابل

و رویارویی با بنی صدر و خط منحط فکری او تبدیل کرد.

آیه الله حیدری با شجاعتی وصف ناپذیر در انتخابات ریاست جمهوری اعلام کرد:

بنده که حیدری باشم به ایشان رأی نخواهم داد.

و این سرآغاز حرکتی شد که منجر به ممانعت مردم از ورود بنی صدر در هنگام تصدی ریاست جمهوری به شهر گشت. بنی صدر که ورود به شهر را به سبب خشم مقدس مردم به صلاح خود نمی دید تصمیم به رفتن به مزار شهدای ایلام در ۴۵ کیلومتری شهر گرفت که در آنجا نیز با شورش خانواده های شهدا و حزب الله ایلام روبرو گشت که به سمت هلی کوپتر حمله ور شدند و با پاشیدن خاک بر روی او و با سردادن شعار مرگ بر ضد ولایت فقیه، فرمانده کل قوا خمینی روح خدا او را مجبور به فرار کردند.

عزل بنی صدر از فرماندهی کل قوا از سوی امام خمینی در شامگاه همان روز بعد از این واقعه، نقطه عطف و مدالی پر افتخار بر سینه مردمی است که

پیرشان را در این حرکت مطیع و فرمانبردار بودند.

عشق آیه الله حیدری به آیه الله خامنه ای، حجه الاسلام هاشمی رفسنجانی و شهید مظلوم بهشتی در قاموس واژه ها نمی گنجد و همواره این سه یار را امین امام و یاوران راستین انقلاب بر می شمرد و نسبت به تفکر مقابل این سه رادمرد بزرگ تاریخ انقلاب هشدار می داد.

آیه الله حیدری حاکمیت قانون خدا را در گرو حاکمیت ولایت مطلقه فقیه می دانست و سرافرازی در دنیا و آخرت را پیروی از ولایت می دانست. همانگونه که در وصیتنامه سیاسی الهی خود می نویسد:

خدمت به اسلام و مسلمانان را در حد قدرت و قوه ای که دارید، ترک نکنید و همواره پیرو رهبر عظیم الشان -امام خمینی بت شکن روحی فداه- باشید، به او و فرامین آن حضرت عمل کنید که سرافرازی دنیا و آخرتتان در این است.

### در نگاه امام

عملکرد قاطعانه و شجاعانه آیه الله حیدری در مقابل خطوط انحرافی برای برخی خوشایند نبود آنان با ایجاد جوی ناجوانمردانه در صدد به انزوا کشاندن آیه الله حیدری از صحنه سیاست بر آمدند اینجا بود که آیت الله حیدری که حفظ نظام و وحدت نیروهای انقلاب را بر دفاع از موضع گیریهای خود ترجیح می داد به قم حجت کرد تا مشغول تدریس و تحقیق شود.

شناخت امام نسبت به زهد و تقوا و موضع گیریهای خدا محورانه آیه الله

حیدری و هم چنین وضعیت حساس منطقه موجب گردید تا امام با حکمی دیگر او را به استان ایلام بازگرداند تا تمام نقشه های ضد انقلاب نقش بر آب شود.

متن حکم حضرت امام چنین است:

جناب مستطاب حجه الاسلام شیخ عبدالرحمان حیدری - دامت افاضاته -

مقتضی است جنابعالی در این موقعیت حساس که مردم احتیاج بیشتری به راهنمایی و ارشاد دارند به ایلام بروید و همانند گذشته به ترویج شریعت مقدسه و اصلاح امور و رفع مشکلات مردم اشتغال ورزید و با همکاری و کمک علماء دامت افاضاتهم و اهالی متدین و بالخصوص جوانان عزیز جلوی تبلیغات سوء دشمنان اسلام و مملکت را بگیرید و وحدت و یگانگی را به خواست خدای متعال حفظ کنید. موفقیت و سعادت همگان را از خدای تعالی خواستارم. روح الله الموسوی الخمینی

### در سنگر جهاد

آیت الله حیدری با پیروزی انقلاب اسلامی، عده ای را مأمور دیدبانی و سرکشی مرز عراق کرد. وی در چند نوبت بازدید از پاسگاههای مرزی وضعیت منطقه و احتمال شروع جنگ را به اطلاع امام رساند و کم کاری و عدم توجه از سوی مسئولین امنیتی را گزارش داد.

به جرأت می توان گفت که آیت الله حیدری اولین مجتهدی است که با به صدا در آمدن ناقوس جنگ با لباس رزم قامت بست. وی بی درنگ در ساعات آغازین شروع جنگ و پس از سقوط شهر مهران، فرمان تشکیل خط پدافندی در

تنگه گنجانچم را صادر کرد و با پوشیدن لباس رزم و فراخوانی مردم، جوانان و عشایر به مسجد جامع با سخنرانی پر شور خویش فرمان بسیج مردمی را صادر کرد. و پس از پایان سخنرانی به همراه جوانان ایلامی به سمت مهران حرکت کرد.

در این هنگام نیروهای ارتش که با خیانت بنی صدر و عدم پشتیبانی او تا منطقه گلان عقب نشینی کرده بودند با آیت الله حیدری و نیروهای مردمی روبرو شدند. آیت الله حیدری با تهدید نیروها به تشکیل دادگاه صحرائی در صورت عقب نشینی، خط پدافندی را به منطقه گنجانچم یعنی ۲۰ کیلومتر جلوتر از ارتش انتقال دادند و آنگاه با مأمور کردن برخی در جهت ثبت نام و مسلح کردن عشایر، به جبهه حال و هوایی دیگر بخشید که همین جذب نیروهای مردمی بنای آغازین لشکر مقتدری به نام امیرالمؤمنین (ع) گشت که در طول تاریخ دفاع مقدس حماسه هایی درخشان در دفتر مقاومت این مرز و بوم به ثبت رساند.

آیه الله حیدری نخستین کسی است که ستاد جذب و هدایت کمک های مردمی را شکل داد. او مسئولیت این امر خطیر را از ساعتهای نخست جنگ تا پایان عمر پربارش بر عهده داشت. در طی سالهای دفاع مقدس و آوارگی مردم در کوه و دشت با تشکیل ستادی مرکزی و تقسیم کردن آن به سه محور، به کمک مردم جنگ زده پرداخت. در عملیات پیروزمند فتح میمک که نخستین عملیات نیروهای اسلام به شمار می رود و با هماهنگی ارتش و نیروهای عشایری ایلام صورت گرفت.

آیت الله حیدری فرماندهی محوری آن را بر عهده داشت. از این رو می توان او را یکی از پایه گذاران جنگهای چریکی دفاع مقدس بر شمرد.

او در همان آغاز انقلاب بارها می گفت: من بنی صدر را خوب می شناسم و همین شناخت او از بنی صدر او را بر آن داشت تا زمانی که بنی صدر در رأس فرماندهی کل قواست، یک لحظه جبهه جنگ را ترک نکنند. حمایتهای مادی و معنوی آیت الله حیدری از رزمندگان اسلام و شرکت او در عملیات فتح المبین، بیت المقدس خاطره عالمانی را زنده می کند که در جنگهای ضد استعماری در طول تاریخ تسیحشان قطار فشنگ و محرابشان سنگر و آب وضویشان خون رخسارشان بود.

### در عینیت جامعه

در زندگی روشی زاهدانه و عارفانه داشت و وقتی از دنیا رفت جز تفنگ، پوستین، عصا، ساعت و تعدادی کتاب از خود چیزی بر جای ننهاده در وصیتنامه خود نوشت: خانه گلین و تیر کلافی قم هم از آن من نیست و باید در خصوص تصرف در کتابها و خانه از امام امت و حضرت آیت الله گلپایگانی اجازه گرفت.

همواره در متن جامعه قرار داشت و سوگ و سور مردم شریک بود. او در حقیقت نماد و نماینده یکایک مردم به شمار می رفت و این تجلی یک امت در پیکره یک مرد تا آنجا پیش رفت که هر قشر و صنف او را از خود و خود را از او می دانستند.

متواضع بود و کم سخن، ناگفته هایش بیش از گفته هایش بود. کارهایش را خود انجام می داد، غذایش ساده و درب خانه اش در طول شبانه روز به روی همه باز بود. اهل تهجد و شب زنده داری بود؛ اما از هرگونه تظاهر و ظاهر سازی دوری می جست و در عین حالی که در قله اجتهاد، زهد و عرفان قرار داشت، با زبان ساده و عامیانه با مردم سخن می گفت. به سادات احترامی ویژه می گذاشت. اگر احساس می کرد که پرداخت کننده وجوهات شرعی نظری دارد، از پذیرفتن آنها خودداری می کرد.

حلقه وصل میان او و مسئولین و مردم به شمار می رفت و این از ویژگی های منحصر به فرد او به شمار می آمد. هرگاه با عامه مردم خلوت می کرد، مردم را به پیروی از قانون و احترام به قانون گذاران دعوت می کرد و می گفت: این ها مهمان شما هستند؛ از شهرهای دور برای کمک به شما آمده اند؛ به آن ها احترام بگذارید. گاه با سخنانی ملیح به معترض نسبت به مسئولین می گفت: بگو بینم تو برای انقلاب چه کرده ای؟ هرگاه با مسئولین می نشست، دردمندانه می گفت: از یاد نبریم؛ اینها ولی نعمتهای ما هستند؛ اینها ما را به اینجا رسانده اند.

از خود گذشتگی و به خدا پیوستگی، او را به مرزی رسانده بود که از اهانت به خود می گذشت اما اهانت به نظام و مسئولین را تحمل نمی کرد. اجازه نمی داد کسی باورها و اعتقادات مردم را به مسخره بگیرد، با خرافه زدایی و پالایش و پیرایش اعتقادات مردم دردشناسانه و درمانگرانه برخورد می کرد. بر این عقیده بود که باید نخست زمینه پذیرش آنگاه،



جایگزینی به فراخور زمان و مکان ایجاد کرد تا فرهنگ پویا و زاویه های واقعی در متن جامعه شکلی نهادینه به خود گیرد.

در مسیر ناب سازی فرهنگ برخورد فیزیکی را جایز نمی دانست و آن را جزء وظایف و رسالتهای روحانیت می دانست، همین نگرش و روش و منش، او را در زمره محییان دین با روش خاص خود قرار داده است که روشی صد در صد موفق در راستای اهداف اسلام و انقلاب بود.

امر به معروف، نهی از منکر، اقامه نماز، رسیدگی به اختلافها و شکایتهای مردم، دستگیری از مستمندان، حمایت از روحانیت و مسئولین نظام، پشتیبانی از حزب الله بر نامه هر روز زندگی او بود.

خاطرات و خطرات این فصل از زندگی آیت الله حیدری از جذاب ترین و شیرین ترین حکایات مردانی است که حماسه حضور و در عینیت بودن جامعه را بر کنج عزلت و عافیت ترجیح دادند.

### در وادی رحمت

دوستان آیت الله حیدری، زمانی او را در مسیر لقاء خدا یافتند که حضرت امام(ره) در عکس العمل خبر بیماری ایشان با تأثر فرمودند:

دوستان مایکی یکی می روند.

سر انجام این مرد سنگر و محراب این زاهد و همقدم امام در نیمه شب یازدهم دی ماه ۱۳۶۵ ش. از این جهان رخت برداشت و رخ بر بست و استان ایلام، رزمندگان اسلام و حزب الله را در سوگ خود نشانند.

اصرار مردم برای انتقال پیکر مطهرش به ایلام با پا در میانی حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی پایان یافت. پیکر پاک و مطهرشان با تشییع باشکوه مردم ایلام و قم و نمایندگان بیت امام و ریاست جمهوری به حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (ع) منتقل و در جوار او به خدا سپرده شد. و او سرانجام با جسم نحیف به دیدار امامان معصومی شتافت

که یک لحظه ذکر و نامشان از لبش نیفتاد و با تمام فقر و تنگدستی دست نیاز را جز بر در خانه آنان - که واسطه فیض الهی بودند - دراز نکرد. امید است کتابهای او که به گفته خود تنها سرمایه زندگیش به شمار می رفته است و سالهای سال با فقر و تنگدستی جمع کرده است در کتابخانه ای که در سفر رهبر انقلاب حضرت آیه الله خامنه ای کلنگ آن توسط نماینده ایشان بر زمین زده شد مورد استفاده نسل فردا قرار گیرد. تا به تنها وصیت او که شکوفای علم و فرهنگ در این استان است جامه عمل پوشیده شود.

عارف بزرگ آیه الله بهاء الدینی در ملاقات با جمعی از مردم ایلام فرمودند:

باید او را در قبرستان ایلام دفع می کردید تا خدا به یمن وجود او عذاب را از قبرستان شما دور می داشت.

پاینده باد حوزه های نور و حجره های کوچک مدارس علوم دینی که در هر زمان خیزشگاه مردانی بزرگ و ژرف اندیش بوده و هست و خواهد بود.

حسین ابراهیم زاده - محمد حیدری



## مقدمه

خدای حکیم پس از انبیاء و امامان معصوم (ع) نگرهبانی از قوانین و احکام الهی را بر عهده عالمان دین قرار داده است. عالمان بزرگ چشم راه امت و مرز بانان خطه سعادتند. از جمله این ستارگان هدایت، حضرت آیه الله میرزا ابوالقاسم قمی است. پدرش مرحوم آخوند ملا حسن از عالمان سرشناس شفت گیلان بودند در قرن ۱۳ هجری می زیست. (۱) ایشان برای استفاده بیش تر از علما گیلان را به مقصد دیار عالم پرور اصفهان ترک نمود و در آنجا محضر میرزا هدایت الله و میرزا حبیب الله دو عالم روشن ضمیر آن سامان را درک کرد و بهره های وافری از درس آنان برد. زمان زیادی نگذشته

بود که آن دو استاد بزرگ برای تصدی امور قضاوت و هدایت و ارشاد مردم به چاللق از توابع بروجرد عازم شدند و ملا حسن نیز به دنبال آنان عزم سفر نمود و سرانجام با دختر استاد خویش میرزا هدایت الله ازدواج کرد و زندگانی تازه ای را آغاز نمود.

### تولد میرزا

تاریخ سال ۱۱۵۱ ه.ق را نشان می داد و خانواده ملا حسن را انتظاری دل نشین آکنده ساخته بود. خانواده ایشان منتظر مولودی بودند که می رفت تا از عالمان تشیع و آغازگر تحولی عظیم گردد. عاقبت این انتظار با گریه های کودکی سعادت مند به پایان رسید و خانه کوچک آن عالم ربّانی را شادمانی فرا گرفت. کودک را ابوالقاسم نام نهادند. وی در دامان پاک مادری دل سوز دوران کودکی را سپری کرد و در زیر سایه پدری عالم و متقی به حیات خویش ادامه می داد، چهره ابوالقاسم آینده ای درخشان را نشان می داد.

### آغاز حیات علمی

ابوالقاسم هوش و استعدادی فراوان و از دیگر همسالان خویش برتری در خور توجه داشت. از همان ابتدای کودکی با استمداد الهی تحصیل علوم دینی را آغاز کرد و اولین درسهای دینی را در مکتب پدر فرا گرفت و بعد از مدتی درس آموزی از محضر پدر و با اجازه او راهی خوانسار شد و مشتاقانه در درس آیه الله حسین خوانساری حاضر شد (۱) و پس از کسب فیض از مجلس درس

آن بزرگمرد قصد عتبات عالیات را نمود و به مانند پرنده ای عاشق به سوی آن سرزمین علم و فقاہت پرواز نمود و در آنجا توفیق حضور در محفل علمی استاد کل محمد باقر وحید بهبهانی را نصیب خود ساخت.

### **باغبان های بوستان**

باغبانی سرزمین پر خیر وجود ابوالقاسم را مردانی پاک سرشت بر عهده داشتند که در ذیل از آنها یاد می کنیم. آیه الله حسین خوانساری (متوفی ۱۱۹۱.ق) در اصفهان. محقق خوانساری یکی از فقیهان قرن ۱۲ هجری است که در شهرستان اصفهان می زیست. و با قدرت علمی وی بود که قامت

علم و حکمت راست ایستاد و علوم مختلف مسیر اصلی خویش را بازیافت. فقیهان ژرف اندیش وی را فرید عصر، یگانه زمان خویش، سلطان حکما، مربی فقها، برهان متکلمان لقب داده اند.

از شاگردان ایشان می توان به شیخ حر عاملی (ره) (مؤلف وسائل الشیعه) محمد باقر مجلسی (ره)، میرزا عبدالله افندی (مؤلف ریاض العلماء) اشاره کرد.

از جمله تألیفات وی شرحی بر کتاب اللمعه الدمشقیه شهید، تفسیر سوره حمد و مشارق الشموس است. (۱)

آیت الله محمد باقر وحید بهبهانی (متوفی ۱۲۰۸ ه.ق) در کربلا وی را محقق بهبهانی و استاد کل لقب داده اند. در سال ۱۱۱۸ ه.ق در اصفهان دیده به جهان گشود. وی از زمره شاگردان پدر عالمش محمد اکمل و ملا میرزا شیروانی و علامه مازندرانی بود که نزدیک به ۶۰ اثر علمی از خود به یادگار گذاشته است. از مهمترین آثار وی: مفاتیح الکلام، مصابیح الظلام، رساله اجتهاد، تقیه در اسلام، تعلیقه رجال، حاشیه وافیه حاشیه بر مدارک و معالم و مسالک است.

یکی از شاگردان خوش فهم و با استعداد آن بزرگوار آقا ابوالقاسم قمی است که در کربلا از وی دانش اندوخته است. (۲)

آیه الله محمد باقر هزار جریبی (متوفی حدود ۱۱۷۰ ه.ق در نجف) ایشان از فقیهان نامور، عصر خود بود و در زندگانی کمالات اخلاقی و فضائل علمی و عملی زیبا داشت و الگوی اهل کمال به شمار می رفت.

شاگردان با فضیلت ایشان وحید بهبهانی، سید محمد مهدی بحر العلوم،

۱- - علمای بزرگ شیعه، ص ۱۳۹.

۲- - علمای بزرگ شیعه، ص ۱۳۹.

شیخ جعفر کبیر، سید علی طباطبایی و میرزا ابوالقاسم قمی است.

ایشان برای فراگیری علوم الهی، هزار جریب مازندران را به قصد شهرهای مقدس عراق ترک کرد و سالیانی از زندگانی با برکت خود را در نجف اشرف گذراند.

## هجرت ها

بعد از اینکه میرزا در عتبات از فقیهان بزرگ عصر بهره ها جست به قصد ترویج دین و ارشاد مردم به ایران بازگشت و به زادگاهش شفت گیلان آمد ولی چون آنجا را برای انجام وظیفه مناسب نیافت و دچار مشکلاتی شد به اصفهان رفت و در مدرسه کاسه گران به تدریس پرداخت و در آنجا بود که شاگردان و عالمانی توفیق حضور در محفل ایشان را پیدا کردند. با آن حال نتوانست مدت زیادی در آن شهر بماند چرا که از شر حسودان و مدعیان فضل که وی را مانع خود می یافتند در امان نبود و این امر بسیار آزارش میداد. از همین رو اصفهان را به قصد شیراز ترک کرد و مدت سه سال در آنجا اقامت گزید و آنگاه به سوی قم روانه شد. با ورود ایشان به قم در مدتی اندک آوازه او همه جا را فرا گرفت

و الطاف الهی با برکات و ترقی روز افزون خستگی سالهای پر رنج گذشته را از وی دور ساخت. با ورود ایشان به قم علاوه بر تدریس و پرورش طلاب و ارشاد مردم حاکمان زمان خویش را اندرز می داد. ایشان بارها فتحعلیشاه را نصیحت کرد و وظایف او را یادآور می شد.

روزی فتحعلی شاه به قم آمده و به دیدار میرزا مشرف گردیده بود، میرزا



او را مورد خطاب قرار داده، می گوید: کاری نکن این ریشه‌های (با اشاره به ریش فتحعلیشاه) فردای قیامت به آتش جهنم بسوزد. (۱)

اگر چه دربار پیوسته ارتباط خود با میرزا اصرار می ورزید ایشان همچون دیگر علمای شیعه که در نهانشان ظلم ستیزی نهفته است هرگز تن به ارتباط با دستگاه وقت نداد.

## فرزندان علمی میرزا

### اشاره

از محضر آیت الله میرزای قمی شاگردان فراوانی بهره علمی جستند و روح تشنه خود را سیراب ساختند. از جمله:

### سید محمد مهدی خراسانی (۱۱۸۲-۱۲۴۶ ه.ق)

وی فرزند سید حسن خوانساری، نوه آقا حسین خوانساری و معروف به مؤلف رساله ابوبصیر است. از دانشوران مشهور قرن سیزدهم بود. که در خوانسار متولد شد و بیشتر مراتب علمی را در محضر میرزای قمی کسب کرد و جناب میرزا هم علاقه فراوانی به او داشت. وی در علم رجال و بازشناسی راویان همنام مهارت خاص داشت. از آثار وی می توان به شرح بر مبادی الاصول، شرح تبصره علامه شرح الفیه سیوطی اشاره کرد. (۲)

### میرزا ابوطالب قمی (متوفی ۱۲۴۹ قمری در قم)

فرزند میرزا ابوالحسن قمی و از فقیهان بزرگ شیعه است که مورد اعتماد فراوان میرزای قمی بود به گونه ای که بسیاری از کارهای دینی را به ایشان ارجاع می داد.

۱- - علمای بزرگ شیعه، ص ۱۹۷.

۲- - گنجینه دانشمندان، ج ۱، ص ۱۲۲.

میرزا ابوطالب ثروت انبوهی داشت ولی به همان میزان دست بخشش او همیشه به سوی مستمندان گشوده بود و بعد از حیات خود یک سوم از اموال و املاک خویش را در راه کارهای خیر وقف نمود.

این عالم بزرگوار پس از رحلت در قبرستان شیخان قم دفن گردید.

### سید عبدالله کاظمینی (شبر) (متوفی حدود ۱۲۴۶ قمری)

سید عبدالله فرزند سید محمد رضا کاظمینی یکی از عالمان بی نظیر قرن سیزدهم هجری بود که سالهای متمادی از عمر با برکت خویش را در کاظمین سپری کرد و از همان آغاز زندگی علمی خویش در محضر پدر و اساتیدی همچون شیخ جعفر کبیر، سید مهدی شهرستانی، محقق قمی حاضر شده و از آنان بهره های وافر برد.

از ایشان آثاری همچون: مصابیح الظلام، جامع المعارف والاحکام، کشف المجمع، زبده الدلیل و دهها کتاب دیگر به جای مانده است. (۱)

از دیگر شاگردان میرزای قمی می توان به این بزرگواران اشاره کرد:

حضرات آیات: حاج محمد ابراهیم کرباسی (کلباسی)

-میرزا علیرضا قمی

-سید اسماعیل قمی

-سید باقر شفتی (معروف به حجه الاسلام)

-محمد علی هزار جریبی

-آقا احمد کرمانشاهی

-سید علی خوانساری

-شیخ حسین قمی

-حاج ملا اسدالله بروجردی

**آئینه صفات برگزیده**

زندگانی میرزا را چنان یاد کرده اند که اگر صبر و استقامت خود وی نبود هرگز بدین مقام و عظمت نائل نمی گشت. او استوارتر از کوه در مقابل مشکلات ایستاد و هرگز رکود

و یأس بر دریای وجودش غالب نشد.

ایشان در مسیر تحصیل با فقر شدید دست و پنجه نرم می کرد و در این راه استاد وی آیه الله محمد باقر بهبهانی نقش بسزای در دستگیری از او داشته است به طوری که در بسیاری از اوقات خود نماز و روزه استیجاری می پذیرفت و پولش را به میرزا می بخشید تا به تحصیلش پردازد. (۱) با این همه میرزا هرگز از راهی که برگزیده بود دست بر نداشت. از خصوصیات میرزا جدیت ایشان در مسیر علم آموزی بود به گونه ای که محبوبترین کارها نزد او مطالعه و تحقیق بود تا آن اندازه که ستارگان آسمان کمتر شاهد خواب میرزا بوده اند. وی بیشتر شبها را تا صبح به مطالعه می پرداخت. (۲)

او احترام خاصی برای اساتید خویش قائل بود و حتی بعد از رحلت آنان احترام آنها را حفظ می کرد. چنانکه نوشته اند، بعد از درگذشت استادش وحید بهبهانی وقتی به کربلا مشرف می شد به خانه آقا می رفت و در خانه او را می بوسید و به این طریق از زحمات چندین ساله استاد قدردانی می کرد. (۳) از سویی دیگر او در حسن معاشرت نمونه بود، هنگامی که با دیگران سخن

۱- - علمای بزرگ شیعه، ص ۲۱۸.

۲- - سیمای فرزانشان، ج ۳، ص ۳۵۰.

۳- - روضات الجنات، ج ۵، ص ۳۷۸.

می گفت با چهره ای گشاده مواجه می شد و مردم از همنشینی با وی لذت می بردند.

مؤلف کتاب روضات الجنات در شخصیت ایشان می گوید:... آن بزرگوار مردی با تقوا و جلیل القدر، کامل و باهوش بود. او استادی زبردست، پیشوایی بزرگ، ادیبی ماهر، خطیبی توانا بود او خشوعی فراوان، چشمی پر اشک و دلی نالان و دیدگانی گریان داشت... (۱)

### آثار علمی

۱- قوانین الاصول مهمترین و مشهورترین اثر اوست که اهمیت آن در نزد اهل نظر مخفی نیست. نگارش این اثر گرانسنگ در سال ۱۲۰۵ ه. ق پایان یافت و سالها جزء مهمترین کتب درسی طلاب در علم اصول بوده و بسیاری از علماء بر این کتاب پر ارزش حاشیه زده اند. مرحوم شیخ آقا بزرگ طهرانی تعداد این شرح ها را ۴۷ شرح ذکر کرده که یکی از آنها نوشته شیخ انصاری (ره) است. سید صدر الدین موسوی عاملی صدر اصفهانی در وصف این کتاب اینگونه فرمود:

لیت ابن سینا دری اذ جاء مفتخراً باسم الرئيس بتصنيف القانون

ان الاشارات و القانون قد جمعاً مع الشفا فی مضامین القوانين

یعنی: ای کاش ابن سینا که به سبب نگارش کتاب قانون به شیخ الرئيس معروف شد می دانست، کتاب اشارات و قانون و شفا هر سه در مضامین کتاب قوانین الاصول میرزای قمی جمع آوری شده اند (۲) این عالم اصولی، در علم

۱- روضات الجنات، ج ۵، ص ۳۷۱.

۲- قصص العلماء، ص ۱۸۰.

اصول دارای نظرات ویژه خود است که در کتابهای علم اصول پیرامون آن اظهار نظرها کرده اند. (۱)

۲- حاشیه بر زبده الاصول شیخ بهائی.

۳- مرشد العوام (فقه فارسی).

۴- رساله استدلالی فارسی در اصول دین.

۵- حاشیه بر تهذیب الاصول علامه حلی.

۶- منابع الاحکام (فقه به زبان عربی).

۷- معین الخواص (مختصر فقهی است).

۸- منظومه ای در علم بدیع که دارای ۱۳۹ بیت است.

۹- رساله هایی در وقف، طلاق و مباحث منطقی (۲).

۱۰- دیوان شعر به فارسی و عربی که نزدیک ۵۰۰۰ بیت شعر را داراست.

## یادگاران

خداوند متعال به این عالم گرانقدر یک پسر و هشت دختر عنایت کرد که پسرش در زمان حیات آن بزرگوار در گذشت. هفت دختر میرزا (۳) هر یک همسر عالمی از عالمان روزگار خود شدند، افرادی که افتخار دامادی این عالم والا مقام را پیدا کردند عبارتند از:

مولا علی بروجردی، آقا محمد مهدی کلباسی، شیخ علی بحرینی (از فرزندان وی شیخ محمد حسین بحرینی است)، میرزا علیرضا طاهری، حاج ملا اسدالله بروجردی (ایشان دارای سه پسر به نامهای فخرالدین محمد،

۱- اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۴۱۱.

۲- از جمله وی قائل به حجیت ظن مطلق است و اجتماع امر و نهی را ممکن می داند.

۳- برای وی یک هزار رساله نام برده اند.

جمال الدین محمد و نورالدین محمد بود)، ملا محمد نراقی (میرزا ابوالقاسم نراقی از فرزندان ایشان است)، میرزا ابوطالب قمی. (۱)

### غروب غم انگیز

سال ۱۲۳۱ ه. ق یاد آور غروب زندگانی عالمی و اراسته و متقی است. آری میرزای قمی در آن سال از جمع دوستان و شاگردان خویش رخت بر بست و به سوی حضرت حق بال گشود و با رفتن خود شهر قم را سیه پوش ساخت. مقبره شیخان افتخار این را داشت که ان عالم با منزلت را در آغوش گیرد و اکنون نیز زیارتگاه عام و خاص شود. (۲) خداوند روحش را با پیامبران و امامان معصوم -علیهم السلام- محشور گرداند.

...

---

۱- - یکی از دختران میرزا قبل از ازدواج در گذشته است.

۲- گنجینه دانشمندان، ج ۱، ص ۱۲۲.



## محمد بن قولویه (مردی از سلاله پاکان) / محمد رضا حیدریان

### اشاره

سخن از محدثی گرانقدر است، گر چه از شخصیت با عظمتش، در کتب رجالی به گونه ای مفصل ذکری به میان نیامده، ولی شأن و منزلتش بر اهل نظر پوشیده نیست، از میان علماء، بسیاری زبان به تعریف و تمجیدش گشوده اند. ما در این نوشتار سعی داریم در حد توان خویش، با معرفی اساتید و شاگردان این محدث بلند مرتبه و انسان الهی، او را هر چه بیشتر به جامعه بشناسانیم و قدمی هر چند ناچیز در مسیر آشنا ساختن مردم عالم دوست با عالمان و محدثان اسلامی برداریم. به امید اینکه مقبول درگاه احدیت قرار گیرد.

### خاندان پاک

نامش محمد و کنیه اش ابوجعفر یا ابوالقاسم است. وی از جمله محدثین و فقهای نامدار شیعه و از موثقین علماء به شمار می رود. مرحوم محمد



بن جعفر بن قولویه (۱) از شاگردان و راویان خاص سعد بن عبدالله اشعری قمی است که سالیان دراز از محضر استاد بهره جست و توشه و زاد راه خویش را، از آن خرمن معرفت برگرفت. آنگاه خود به پرورش شاگردان پرداخت. خاندان او، از جمله خاندانهای دانش پرور و عالمان روزگار بودند از و آن سلاله پاک، خیرات فراوانی به جامعه تشیع رسید و شیعیان از ایشان بهره های فراوانی بردند. محمد بن قولویه در طول زندگی، برای جمع آوری احادیث اهل بیت و رساندن آن به گوش مشتاقان و شیفتگان سخن ائمه اطهار، به سفرهای متعددی دست زد. در اثنای این مسافرتها و هجرتها فی سبیل الله به ملاقات بزرگان اهل سنت نیز رفت و احادیثی را از آنان استماع نمود. (۲)

### در محضر استاد

از جمله اساتید محمد بن قولویه، سعد بن عبدالله اشعری قمی است که در این فراز با نگاهی گذرا به زندگانی او، سعی خواهیم کرد بهتر به این مسئله پی ببریم که محمد بن قولویه محضر چه بزرگانی را درک نموده است. سعد بن عبدالله آخرین دانشمند نامدار اواخر سده سوم هجری در خاندان بزرگ اشعری دیده به جهان گشود و از خود آثاری

گرانمایه و شاگردانی بزرگ به یادگار نهاد (۳) مرحوم نجاشی (ره) از وی اینگونه یاد می کند:

ابوالقاسم سعد بن عبدالله ابی خلف اشعری قمی، رئیس طائفه اشعری و فقیه سرشناس آنان است. وی احادیث فراوانی از عامه شنیده و در پی یافتن احادیث اهل بیت، سفرهایی نموده و از بزرگان اهل سنت که با ایشان

۱- - لفظ ابن قولویه هنگامی که مطلق باشد؛ جعفر بن محمد بن قولویه است و ضبط آن، قولویه است. (ریحانها لادب، ج ۸، ص ۱۶۲)

۲- - ریحانها لادب، میرزا محمد علی مدرس، ج ۸ ص ۱۶۳.

۳- - مفاخر اسلام، علی دوانی، ج ۲، ص ۱۳۸.

ملاقات کرده اند؛ می توان حسن بن عرفه، محمد بن عبدالملک دیقی، ابو حاتم رازی و عباس برفقی را نام برد. (۱)

از افتخارات سعد بن عبدالله تشریفش به محضر امام حسن عسکری (ع) است و علماء بزرگواری، در کتابهای مختلف به این مسئله اشاره نموده اند. (۲) سعد بن عبدالله با دستان پرتوان خویش، آثاری گرانسنگ به رشته تحریر در آورد که در اینجا به معرفی تعدادی از آنها می پردازیم:

۱- کتاب الرحمه که خود شامل چندین کتاب است. (کتاب طهارت، کتاب صلوه، کتاب زکوه، کتاب صوم و کتاب حج)

۲- کتاب الضیاء (در امامت)

---

۱- رجال النجاشی، ص ۱۷۷.

۲- رجال النجاشی، ص ۱۲۶؛ وقایع الأيام، ص ۸۳؛ تحفه الاحباب، ص ۱۲۱؛ ریحانه الادب، ج ۱، ص ۷۶.

## ۳- کتاب مقالات امامیه (۱)

سعد نزد بسیاری از علماء و محدثین نیمه دوم سده سوم هجری، زانوی ادب بر زمین زد و از محضر آنان بهره های زیادی برد. وی از استادان شیعه و سنی نیز اجازاتی کسب نمود. از میان اساتید عامه ایشان می توان به حسن بن عرفه، محمد بن عبدالملک دیقی، ابوحاتم رازی و عباس برفقی اشاره کرد و از اساتید و مشایخ سعد که از فقها و محدثین شیعه بودند؛ احمد بن حسین بن سعید اهوازی، احمد بن محمد بن عیسی، احمد بن اسحاق قمی، سهل بن یسع، عبدالله بن جمعفر حمیری و محمد بن اسماعیل بن بزیع را نام برد. (۲) سعد شاگردان بزرگوارى چون محمد بن قولویه، علی بن بابویه قمی، محمد بن موسی بن المتوکل و ... را تربیت نمود که هر کدام ستاره ای درخشان در آسمان تشیع گشتند (۳) در مورد تاریخ وفات این محدث بزرگ، نظرها متفاوت است و آن را بین سالهای ۲۹۹ تا ۳۰۱ هجری دانسته اند.

## شاگردان برجسته محمد بن قولویه

## اشاره

شاگردان گرانمایه ای از محضر محمد بن قولویه بهره جستند که هر کدام به سهم خود، نقش بسزایی در رساندن احادیث ناب اهل بیت به گوش مشتاقان آن خاندان با فضیلت داشتند. در اینجا نگاهی کوتاه به زندگی دو تن از آنان خواهیم افکند.

۱- - فهرست شیخ طوسی، ص ۷۵.

۲- - معجم رجال الحدیث، سید ابوالقاسم خویی، ج ۸، ص ۸۰.

۳- - معجم رجال الحدیث، سید ابوالقاسم خویی، ج ۸، ص ۸۱.

## ۱- محمد بن عمرو بن عبدالعزیز کشی

وی از دانشمندان نامی نیمه اول سده چهارم هجری است که در شهر کش از شهرهای ماوراء النهر، دیده به جهان گشود و بیشتر اساتیدش نیز از همان ناحیه بوده اند. ابوالعباس نجاشی دانشمند رجالی، او را مورد اعتماد دانسته و درباره اش می گوید:

او مصاحب عیاشی (۱) بود و از وی استفاده های فراوان برد و در حقیقت، از مکتب او برخاست. (۲)

شیخ ابو عمرو کشی در کتاب رجال خویش، بسیاری از اساتیدش را معرفی و روایاتی را نیز از آنان بیان کرده است. افرادی مثل محمد بن مسعود عیاشی سمرقندی، محمد بن قولویه، جعفر بن محمد بن قولویه، عثمان بن ... کشی، سعد بن صباح کشی، احمد بن قرشی و ... که از بزرگان و فقهای سده سوم و اوایل سده چهارم هجری، محسوب می شدند. (۳)

از میان شاگردان رجالی این دانشمند عالیقدر به معرفی دو تن از برجسته ترین ایشان، هارون بن موسی تلعبکری و ابو احمد حیدر بن محمد بن نعیم سمرقندی، اکتفا می کنیم.

## ۲- جعفر بن محمد قولویه

دومین شاگرد بزرگ محمد بن قولویه، فرزند دانشمندش جعفر بن قولویه است که در سال ۲۲۴ هجری در شهر سرمن رای (سامرا) به دنیا آمد (۴) و در میان اهل رجال، گوی سبقت از پدر ربوده و آوازه اش از او بلندتر گشت. او که به

۱- محمد بن مسعود سمرقندی، معروف به نجاشی.

۲- رجال النجاشی، ص ۳۷۲.

۳- مفاخر اسلام، علی دوانی، ج ۳، ص ۷۰.

۴- رجال النجاشی، ص ۱۲۲.

اختصار ابن قولویه خوانده می شود؛ از مفاخر فقها محدثین پیشین ماست و استاد شیخ مفید(ره) محسوب می گردد. او کتابهای بسیاری نوشت و شیعه از چرخش قلمش، استفاده فراوان برد. جعفر بن محمد، دست پرورده پدر دانشمند و فاضل بود. ابن شهر آشوب در کتاب معالم العلماء درباره اش نوشته:

جعفر بن محمد بن قولویه ابوالقاسم، از کلینی و ابن عقده نقل روایت کرده و کتابهای مداواه الحسد لحياء الابد، الجمعة و الجماعة، الفطره، کتاب الصرف و ... از اوست. (۱)

یکی از کتابهای معروف جعفر بن محمد بن قولویه، کتاب شریف و ذی قیمت؛ کامل الزیارات است. مرحوم علامه امینی(ره) در مقدمه خود در این کتاب، در مورد ارزش و اهمیت آن نوشته: کامل الزیارات از کتابهای قدیمی معروف است و شیخ طوسی، در کتاب تهذیب و همین طور سایر محدثین از آن نقل کرده اند. شیخ حر عاملی آن را از مصادر کتابش، وسائل الشیعه قرار داده و از کتب مورد اعتماد دانسته است. (۲)

کامل الزیارات داری ۱۰۸ باب است که نویسنده، باب آغازین را به ثواب زیارت رسول اکرم(ص) امیرالمؤمنین(ع) و حسنین(ع) اختصاص داده است. آخرین باب کتاب نیز مختص

نوادر زیارات است. این کتاب ارزشمند، تنها کتابی است که از ابن قولویه به یادگار مانده و باعث معروفیتش گشته، آنچنان که تا نام کامل الزیارات آورده می شود؛ نام ابن قولویه در کنار آن ذکر می گردد. اهمیت این کتاب به خاطر احادیثی است که با اسناد معتبر، در

۱- معالم العلماء، ابن شهر آشوب، ص ۳۰.

۲- مفاخر اسلام، علی دوانی، ج ۳، ص ۱۳۶.

آن گرد آوری شده و به عنوان مأخذی قابل اطمینان، مورد استفاده اهل قلم قرار گرفته است. از استادان جعفر بن محمد می توان به پدر گرانقدرش محمد بن قولویه، ثقه الاسلام کلینی، علی بن بابویه و برادرش علی بن محمد بن قولویه اشاره کرد(۱). جعفر بن محمد با تربیت شاگردانی مثل ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان المفید، حسین بن عییدالله غضائری و احمد بن عبدول که بعدها از علماء و مفاخر اسلام گردیدند؛ برگهایی زرین به دیباچه زندگی خود افزود.(۲) سرانجام چراغ حیات این راوی بزرگ در سال ۳۶۸ یا ۳۶۹ هجری رو به خاموشی نهاد و در بقعه مطهره کاظمیه پایین پای حضرت موسی بن جعفر(ع) به خاک سپرده شد. در زمان حاضر، قبر وی در کنار قبر شاگرد بزرگوارش شیخ مفید واقع شده است.(۳)

### لیک گوی دعوت حق

محمد بن قولویه پس از سالها تربیت ساگردان و مسافرت در پی به دست آوردن احادیث اهل بیت سرانجام در شهر قم - آخرین شهری که پذیرای آن محدث بزرگ بود- در سال ۲۹۹ یا ۳۰۱ هجری دعوت حق را لیبیک گفت و دوستدارانش را با غمی سنگین تنها گذاشت.

هم اکنون مرقد شریف این عالم جلیل القدر، در شهر مقدس قم، خیابان آیه الله مرعشی نجفی(ره) مقابل مدرسه آیهالله گلپایگانی(ره) و نزدیک بقعه علی بن بابویه واقع شده و در کمال سادگی و بدور از هر گونه زرق و برقی زیارتگاه عالمان و فرهیختگان است سادگی این مکان همواره به

۱- - معجم الرجال الحدیث، سید ابوالقاسم خویی، ج ۴، ص ۳۲۹.

۲- - فهرست شیخ طوسی، ص ۴۲.

۳- - فهرست شیخ طوسی، ص ۴۲.

جذابیتی آرامبخش انسان را به سمت خود جذب می کند. بر سنگ قبر نیز این جملات با خطی زیبا نوشته شده است:

هو الحی الذی لایموت

قدرا تحل عن دار الغفله و الغرور الی عالم البهجه و السرور العطریف المعتمد و منبع العلم و الحکم و مجمع الفضل و الکرم الامام العالم و الفاضل الفخام و المقتدی الانام و المرجع الخواص و العوام و الراوی للاحادیث النبویه علی مبلغها الف الف سلام و تحیه الجامع لمرتبہ العلم و العمل و الخادم لعلوم سید المرسلین شیخ محمد بن قولویه الجمال من اجله رواه اخبار ائمه الاخیار صلوات الله و سلامه علیهم از این دار فانی به عالم جاودانی پیوست.

### گل گشت در گلستان

#### اشاره

پایان کلام را، به نقل احادیثی زینت می بخشیم که از فرزند محمد بن قولویه (جعفر بن قولویه) به ما رسیده است.

#### وفای به عهد

جعفر بن محمد بن قولویه عن ابیه و اخیه و علی بن الحسین و محمد بن الحسن کلّهم عن احمد بن ادريس عن ابی عبد الله بن موسی عن الوشاء قال: سمعت الرضا(ع) يقول، ان لكل امام عهداً فی عنق اولیائه و شیعتہ و ان من تمام الوفاء بالعهد زیاره قبورهم ...

جعفر بن محمد از پدرش محمد بن قولویه با چند واسطه از امام رضا(ع)

نقل می کند که فرمود: برای هر امامی در گردن دوستداران و پیروان عهدی است که از وفای به عهد آنان زیارت قبر ائمه است. (۱)

### ثواب زیارت امام حسین (ع)

جعفر بن محمد از پدر بزرگوارش نقل میکند که امام صادق (ع) در ضمن حدیثی فرمودند: من زار قبر الحسين (ع) عارفاً بحقه كتب الله له ثواب الف حجه مقبوله و غفر له ما تقدم

من ذنبه و ما تأخر.

هر کس قبر حسین بن علی را در حالی که عارف به حق امام است؛ زیارت کند، خداوند متعال ثواب هزار حج قبول شده را برای او قرار می دهد و تمام گناهان گذشته و آینده او، آمرزیده خواهد شد. (۲)

### تولد دوباره

جعفر بن محمد از محمد بن قولویه نقل می کند که امام صادق (ع) فرمودند: من اغتسل من ماء الفرات و زار قبر الحسين (ع) كان كيوم ولدته امه صفراً من الذنوب.

امام صادق (ع) فرمودند: هر کس در آب فرات غسل کند و قبر حسین (ع) را زیارت کند؛ مثل آن روزی است که از مادر متولد شده و از گناهان پاک است. (۳)

خداوند متعال روح این محدث گرانسنگ را، با ارواح پاک دیگر علماء و بزرگان در گذشته، محشور گرداند.

...

۱- - منتخب کامل الزیارات، ابن قولویه، ص ۲۱۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۴۴، ح ۲.

۲- - وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۴۵، ح ۱.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۸۵، ح ۷.





احمد بن محمد بن عیسی بن قمی (راوی سه معصوم) / سید جعفر ربانی

سرزمین معطر

سلام خدا بر مردم قم باد.

این سخن امام صادق(ع) در مورد شیعیان و اشعریانی بود که به قم مهاجرت کردند.<sup>(۱)</sup>

آنان پس از شهادت سائب بن مالک بن عامر و فرزندش محمد به دست حجاج خون آشام از کوفه به طرف قم تا خیمه آل محمد را در این سرزمین برپا کنند. این مهاجرین و فرزندان‌شان راویانی بودند که با وجود مشکلات طاقت فرسا سخنان نورانی ائمه را برای آیندگان به یادگار گذاشتند. از این رو مطالعه زندگی آنها زوایایی از تلاش انسانهای آسمانی و حاملان روایات نورانی را آشکار می سازد.

---

۱- - سفینه البحار؛ شیخ عباس قمی، ج ۲، ص ۴۴۶.

احمد بن محمد بن عیسی اشعری یکی از راویان نور است که رهبری شیعیان قم را به عهده داشت. فزونی روایاتی که از وی برجای مانده پژوهش در زندگی وی را ضروری می سازد.

## طلوع

ابوالعباس نجاشی وی را از اصحاب امام رضا(ع) می داند(۱) و چون در سال ۲۰۳ به شهادت رسیده است می توان گفت: احمد در این دوران در سنی(حد اقل ۱۰ سال) بود، که بتواند از اصحاب آن امام بشمار آید. بنابراین احتمال دارد او متولد دهه اخیر قرن دوم باشد.

## با زلال ولایت

آسمان ولایت از سال ۲۰۰ هجری قمری تا ۲۵۰ به عطر پنج تن از معصومان عطر آگین بود. در همین سالها، چهار نفر از آن بزرگواران به عالم ملکوت بار سفر بستند. احمد بن محمد بن عیسی توانست به حضور امام رضا، جواد و هادی(ع) شرف یاب گردد.

هر چند دلیلی بر ملاقات بین او و امام حسن عسکری وجود ندارد، با توجه به مسافرتها مکرر احمد به مدینه، دیدار با یازدهمین اختر تابناک آسمان ولایت بعید به نظر نمی رسد. به هر رو از اصحاب امام حسن عسکری(ع) نیز به شمار می آید. او به دلیل کجولت سن و محاصره امام حسن عسکری توسط دشمن به محضر آن حضرت شرفیاب نشد. اما با حضرت مکاتباتی در مورد مسایل دینی و اجتماعی داشت.

رابطه احمد با ائمه(ع) رابطه ای خاص بود و حکایت از ائمه(ع) به او داشت. خود نقل می کند:

یکی از غلامان امام جواد(ع)، نامه ای از حضرت به من داد. آن را گشودم و خط مبارک امام را خواندم امام دستور داده بود تا به نزدش بروم. بار سفر به مدینه بستم و خود را به حضور امام جواد(ع) رساندم.

در آن جلسه درباره چند تن از شیعیان سخن به میان آمد. با خود گفتم، نامی از زکریا بن آدم می برم شاید حضرت ضمن دلجویی از زکریا برایش دعا کند. بی درنگ به خود آمدم و گفتم: من چه کسی هستم که چنین جسارتی نمایم. امام به آنچه می کند آگاهتر است. غرق در افکار خویش بودم که امام

جواد(ع) رو به من کرد و سفارشهایی در مورد زکریا بن آدم و ارسال اموالی که در اختیار داشت بیان فرمود.(۱)

این حدیث موقّعت خاص احمد را نزد امام آشکار میکند. به گونه ای که امام در موقع سفارش به یاران به دنبال او می فرستاد و نظریات او در مورد دیگر شیعیان را جویا می شد. همچنین ائمه(ع) این گونه پیام ها را به هر کسی نمی گفتند و تنها اشخاصی را که مورد اعتماد کامل بودند، از این امور مطلع می کردند. چرا که وجود دشمنان شیعه و پیدایش بعضی انحرافات در قالب تشیع، جوی حسّاس و خطرناک به وجود آورده بود.

### مبارزه با انحراف

احمد در زمان خود با دو جریان انحرافی عمده که با نقاب تشیع در صحنه ظاهر شدند، روبرو شد. این دو جریان عبارت بودند از غلو (۲) و واقفیه (۳).

علی بن حسکه و قاسم یقطینی سردمداران اصلی غلو در زمان احمد بودند. احمد در مقابل تبلیغات آنان در میان شیعه گزارشی به این صورت به خدمت امام حسن عسکری فرستاد.

گروهی پیدا شده اند که برای مردم سخنانی می کنند آنها سخنانی از طرف شما و پدرانتان برای شیعیان می گویند. دل‌های ما گفتار آنان را نمی پذیرد اینان دو نفر به نام‌های علی بن حسکه و قاسم یقطینی هستند که می گویند مقصود خدا از نماز، در ان صلوه تنها عن الفحشاء و المنکر (۴) رکوع و سجود نیست بلکه

۱- رجال الکشی، ج ۲، ص ۸۵۸ تا ۸۵۱.

۲- غلو آن است که برای پیامبر(ص) یا ائمه(ع) به مقامی پیش از آنچه هستند معتقد شویم

۳- واقفیه، گروهی بودند که اعتقاد داشتند آخرین امام، امام کاظم(ع) می باشد.

۴- نماز انسان را از زشتی باز می دارد؛ عنکبوت/۴۵.

مردی است که، مردم را از زشتی باز می‌دارد. همین‌طور مقصود از زکات همان مرد است نه، تعدادی درهم که انفاق شود. آنها بقیه واجبات و محرمات را نیز به همین صورت تأویل کرده‌اند. بر ما شیعیان منت گذاشته راه سالم را به ما معرفی کنید.

به محض اینکه امام حسن عسکری(ع) نامه احمد را دریافت کرد، چنین پاسخ داد:

این دین ما نیست، از این سخنان دوری بجوی(۱)

در برخورد احمد با واقفیان همین بس که او با ارسال نامه‌هایی برای ائمه، بعد از امام کاظم(ع) و پرسیدن مسایل فقهی و غیر فقهی و ارجاع مردم به آن بزرگواران خط بطلانی بر مرام واقفی‌ها کشید.

### ویژگی‌ها

مقام علمی و کرامت نفس، منصب‌ها و فضایل زیادی برای احمد به ارمغان آورد. برخی از مناصب او عبارتند از:

الف: رهبری شیعیان قم؛ او به خاطر لیاقت‌هایی که از خود بروز داد، توانست رهبری شیعیان قم را بر عهده گیرد. قدرت سیاسی و اجتماعی وی بدان حد رسید که وقتی بر اساس وظیفه شرعی عده‌ای را از قم اخراج کرد احدی را توان اظهار مخالفت نبود و بعضی که اجماع سکوتی(۲) را قبول ندارند به همین واقعه استدلال کرده‌اند(۳) حاکم قم نیز در امور مملکتی، به او رجوع میکرد و احمد در این امور در مصدر تصمیم‌گیری بود(۴).

۱- رجال الکشی؛ ج ۲، ص ۸۰۳، ۸۰۲

۲- اتفاقی که از سکوت علما به دست آید.

۳- رک: تنقیح المقال/ علامه ما مقانی، ج ۱، ص ۹۲.

۴- مجالس المؤمنین/ قاضی نورالله شوشتری، ج ۱، ص ۴۳۰.

نجاشی درباره قدرت سیاسی او می نویسد: احمد بن محمد بن عیسی چهره بدون رغیب قم بود و با حاکم قم رفت و آمد داشت. (۱)

از این رو است که برای او چهار عنوان وجه قم (چهره قم)، وجیه قم (چهره درخشان قم)، شیخ القمیین و فقیه القمیین در کتابهای تاریخی و رجالی ذکر شده است.

ب: هوشیاری و زیرکی: احمد با هوشیاری خود توانست شیعیان را از انحرافهای سیاسی و اعتقادی حفظ کند. او از یک سو با افکار انحرافی مقابله کرد و از سوی دیگر بهانه به دست دژخیمانی چون متوکل و مأمون عباسی نداد.

ج: تواضع: با همه مقام و جلال ابایی نداشت و از کسی که از نظر علمی پایین تر بود حدیث نقل نماید.

بر همین اساس از عبدالله بن صلت که در موقعیت علمی بالایی نبود حدیث نقل می کرد (۲) و شیخ بزرگوار کشی می گوید: اگر حدیثی به احمد بن محمد بن عیسی نمی رسید ولی به کسی که از او کوچک تر بود می رسید، احمد حدیث را از او نقل می کرد. (۳)

د: عمل به وظیفه و تسلیم در برابر حقیقت؛ وقتی تشخیص می داد وظیفه او اقدام به کاری یا نهی از آن است به تکلیف خویش عمل می کرد و اگر بعدها احساس می کرد در تشخیص خود دچار اشتباه شده است دست از سخن اول برمی داشت و بدون ملاحظه مقام و موقعیت، پشیمانی خود را به همگان اعلام میکرد.

۱- رجال النجاشی، ص ۸۲

۲- کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ص ۳.

۳- رجال الکشی، ج ۲، ص ۷۹۹.

وقتی تشخیص داد احمد بن محمد بن خالد در نقل حدیث سهل انگار است و به روایات مرسل و ضعیف اعتماد می کند (و این به معنی تزلزل احادیث شیعه است. تزلزلی که ممکن است اعتبار تشیع را در خطر قرار دهد)، او را از قم بیرون کرد و آنگاه که متوجه شد در روش خود اشتباه کرده است یا مبنای علمی وی تغییر کرده به دنبال وی رفت و با عظمت تمام او را به قم بازگرداند و زمانیکه برقی از دنیا رفت، برای جبران اشتباه خود با سر و پای برهنه در تشیع جنازه او شرکت کرد. (۱)

### زرفای دانش

احمد بن محمد بن عیسی با اینکه مسئولیتهای مهم اجتماعی را بر عهده داشت در راه کسب دانش و معارف اهل بیت و نشر آن نیز همت فراوانی به خرج میداد. او خود می گوید:

برای تحصیل و فراگیری حدیث به کوفه آمدم و با حسین بن علی و شاء دیدار کردم و از او خواستم کتاب علاء بن رزین و عبان بن عثمان احمر را برای من بیاورد. وی آن دو کتاب را آورد. به او گفتم: دوست دارم اجازه نقل حدیث از این دو کتاب را به من بدهید. گفت: چه عجله ای داری؟ برو و از این دو کتاب بنویس و سپس از من استماع کن. گفتم: از حوادث روزگار در امان نیستم. گفت: اگر می دانستم احادیث اینگونه مشتاقانی دارد، بیشتر حدیث نقل می کردم زیرا من در این مسجد (مسجد کوفه) نهصد نفر از اساتید حدیث را دیدم که می گفتند: حدیثی جعفر بن محمد. (۲) (امام صادق (ع) چنین گفت)

۱- - جامع الرواه؛ محمد ابن علی اردبیلی، ج ۱، ص ۶۳.

۲- - رجال النجاشی، ص ۳۹، ۴۰.



او کتابهای زیادی از خود به جای نگذاشت و شاید علت آن، دقت بسیار زیاد این عالم بزرگ در نقل حدیث بود به گونه ای که بسیاری از روایات از نظر سند با متن در نظر او مخدوش به نظر می رسید. این احتمال نیز وجود دارد که او صاحب آثار زیادی باشد که به ما نرسیده است. آنچه از سخنان شیخ طوسی، نجاشی و دیگران استفاده می شود گویای این حقیقت است که شمار تألیفات وی به پانزده عدد می رسید. این کتابها عبارتند از :

۱- التوحید ۲- فضل النَّبِی (ص) ۳- المتعه ۴- النوادر ۵- الناسخ و المنسوخ ۶- الا ظله ۷- المسوخ ۸- الحج ۹- المبود (احتمال می رود با کتاب نوادر یکی باشد) ۱۰- الملاحم ۱۱- الطّب الکبیر ۱۲- الطّب الصغیر ۱۳- المکاسب ۱۴- مسایل الامام الهادی (ع) ۱۵- فضائل العرب.

تنها کتابی که از وی باقی مانده نوادر است. روایاتی که که احمد بدون واسطه از امامان معصوم (ع) نقل کرده است بسیار اندک است و او بیش تر از طریق راویان دیگر روایت کرده است. مجموع احادیث احمد (با واسطه و مستقیم) تا ۲۲۹۰ حدیث می رسد. (۱)

استادانی که احمد بن محمد بن عیسی موفق به دیدار آنها شده است نزدیک به ۱۵۰ نفر هستند، از جمله آنان: حسین بن سعید، عبدالعزیز بن مهتدی، عبدالله مسکان و ... می باشند. اما شاگردانش در حدود ۱۴ نفر از جمله محمد بن حسن صفّار (صاحب بصائر الدرجات) محمد بن علی بن محجوب و محمد بن یحیی عطار هستند.

## از نگاه فرزانتگان

فرزند محمد بن عیسی در نظر علماء شیعه شخصیتی با نفوذ به شمار می آید و همه وی را دانشمندی صاحب موقعیت و توانایی علمی و اجتماعی می دانند. قدیمی ترین اظهار نظر که در مورد او صورت گرفته، توسط احمد بن علی بن نوح سیرافی، استاد نجاشی است؛ که در جواب نامه نجاشی نوشت: از سند من به کتابهای حسن بن سعید اهوازی (رضی الله عنه) سؤال کردی؟ در جواب باید بگویم آنچه مورد اعتماد اصحاب ما است همان است که احمد بن محمد بن عیسی نقل نموده است. (۱)

نجاشی (متوفای ۴۵۰ ه.ق) در مورد احمد می گوید: احمد بن محمد بن عیسی که رحمت خدا بر او باد از بزرگان اهل قم است. او رئیس و فقیه بدون رقیب بود و با حاکمان قم رفت و آمد داشت و به خدمت سه امام (علی بن موسی الرضا(ع) و امام جواد(ع) و حضرت هادی(ع)) رسید. و در ادامه سخن، نه کتاب برای او می شمارد. (۲)

علامه حلی (متوفای ۷۲۶ ه.ق) نام احمد بن محمد بن عیسی را در قسمت اول کتاب خود (یعنی کسانی که بر آنها اعتماد دارد) ذکر می کند و همانند نجاشی از او به بزرگی یاد

می کند. (۳)

## احمد اشعری از نگاهی دیگر

اهل سنت نیز از او به عظمت یاد کرده اند: ابن ندیم (متوفای ۳۷۵ ه.ق): ابوجعفر، احمد بن محمد بن عیسی از جمله دانشمندان است و این کتابها از

۱- رجال النجاشی، ص ۵۹

۲- رجال النجاشی، ص ۸۲.

۳- رجال العلامه حلی، ص ۱۳، ۱۴.

اوست: طب کبیر، کتاب طب صغیر و کتاب مکاسب. (۱)

ابن حجر عسقلانی (متوفای ۸۵۲ ه.ق) می نویسد: احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی علامه است از استاد شیعیان قم و فردی مشهور بوده و کتابهایی نیز دارد. (۲)

## اخراج راویان

همه ارباب رجال و تاریخ به اخراج بعضی از محدثین توسط احمد اشاره کرده اند از یک سو، داشتن موقعیت سیاسی و صاحب قدرت در قم و از سوی دیگر سخت گیری او در نقل حدیث و نقد عقیده دلیل عمده اخراج افراد بود.

علامه، وحید بهبهانی، در این زمینه می نویسد: در موارد متعددی احمد بن محمد بن عیسی و ابن غضائری، راوی را متهم به غلو و کذب می کردند زیرا او روایتی را نقل می کرد که مضمون آن روایت در نظر آنان مطلب غلوآمیزی داشت. (۳)

برخی از راویان که احمد آنان را از قم اخراج کرد عبارتند از:

۱- احمد بن محمد بن خالد برقی به جرم سهل انگاری در نقل حدیث. (۴)

۲- سهل بن زیاد آدمی رازی. (۵)

۳- ابوسمینه محمد بن علی بن ابراهیم قرشی، معروف به صیرفی. (۶)

۴- حسین بن عبیدالله محرر قمی سعدی، هر سه به اتهام غلو. (۷)

ار این چند نفر، تنها برقی به قم بازگردانده شد.

۱- الفهرست؛ محمد ابن اسحاق ندیم، ص ۲۷۸.

۲- لسان المیزان؛ احمد ابن علق بن حجر عسقلانی، ص ۲۶.

۳- فوائد الوحید؛ وحید بهبهانی، ص ۳۸، ۳۹.

۴- جامع الرواه؛ ج ۱، ص ۶۳.

۵- جامع الرواه؛ ج ۱، ص ۳۹۳.

۶- رجال النجاشی، ص ۳۳۲.

۷- رجال الکشی، ج ۲، ص ۷۹۹.

## فصل غروب

به شهادت همه صاحبان رجال، احمد بن عیسی در تشییع جنازه برقی شرکت کرد. در مورد سال وفات برقی دو نظریه وجود دارد؛ ابن غضائری در سال ۲۷۴ و نوه برقی سال ۲۸۰ (۱) ذکر می کنند و چون نوه برقی نزدیکتر به زمان وی و جزء خاندان او بود نظریه اش تقویت می شود. بنابراین احمد بن محمد بن عیسی تا این زمان (سال ۲۸۰) زنده بود. اما اینکه پس از این تا چه مدتی در قید حیات بود معلوم نیست. احتمال می رود فوت او در دهه اخیر قرن سوم یا مقداری قبل از آن واقع شده باشد. در این صورت، عمر او به حدود ۹۰ سال خواهد رسید. از محل دفن این عالم بزرگ نیز اطلاع دقیق در دست نیست. با این حال چون قم محل اقتدار دینی و علمی او بود، احتمال می رود آرامگاه وی در همین شهر باشد.

رحمت خدا بر روانش

...



## میرزا صادق آقا تبریزی (پناه محرومان) / سعید عباس زاده

### طلوع زندگی

در سال ۱۲۷۴ ه.ق (۱) در شهر تبریز در خانواده ای روحانی کودک‌پا به عرصه وجود گذاشت و صادق نام گرفت پدر وی میرزا محمد آقا معروف به مجتهد کوچک خود صاحب کمال و عالمی فرزانه بود و در خطه آذربایجان نام آور و به علم و فضل شهرت داشت. (۲) صادق در دامن چنین خانواده ای سنین کودکی اش سپری شد و روز به روز رشد کرد. وی در اوان نو جوانی وارد مدرسه علوم دینی گردید و تحصیلات ابتدایی را که شامل آشنایی با ادبیات، قرآن و سطح ابتدایی فقه و اصول بود فرا گرفت و ۱۸ بهار از عمرش در این سامان سپری شد. تا اینکه در سال ۱۲۸۸ ه.ق به حوزه علمیه نجف هجرت کرد و مدت اقامت او در نجف اشرف ۲۴ سال طول کشید. (۳) و این مدت پربارترین دوره زندگی این عالم فرزانه بشمار می رود. شخصیت علمی و

۱- - علمای معاصرین، ملاعلی واعظ خیابانی، ص ۱۵۳.

۲- - اعیان الشیعه تاریخ ولادت او در سال ۱۲۶۹ ه.ق نوشته شده است، ج ۷، ص ۳۶۷.

۳- - نسب شریف ایشان به حجه الاسلام میرزا محمد فرزند عالم مجتهد مولا محمد علی قراجه داغی صاحب شرح تبصره علامه حلی می رسد. علمای معاصرین، ص ۱۵۳.

معنوی آقا میرزا صادق در این دوره از تاریخ زندگی اش شکل می گیرد و استعداد و روح تشنه او به دانش و معنویت به بار نشسته و سیراب می گردد و به قله اجتهاد دست می یابد. اساتیدی که آیت الله میرزا صادق تبریزی در دوره های مختلف تحصیل از آنها بهره برده است عبارتند از: آیات بزرگوار

۱- شیخ حسین اردکانی (متوفای ۱۳۰۵ ه.ق)

۲- ملا محمد فاضل ایروانی (متوفای ۱۳۰۶ ه.ق)

۳- محمد فاضل شربیانی (متوفای ۱۳۲۲ ه.ق)

۴- محمد حسن مامقانی (متوفای ۱۳۲۳ ه.ق)

۵- شیخ هادی طهرانی (متوفای ۱۳۲۳ ه.ق) (۱)

### منزلت علمی آقا میرزا صادق

پس از فراق از تحصیل هر چند آیت الله تبریزی در رأس امور دینی مردم و مرجعیت عملاً اوقاتش صرف تبلیغ و ترویج احکام دینی اسلام سپری می گشت لکن اشتغال به این گونه امور وی را از تدریس و تحقیق و تألیف باز نداشت و ایشان توانست در کنار این فعالیت همچنان به کار علمی خویش ادامه دهد. کتب و آثاری ارزشمند از ایشان در دسترس است از جمله:

الف) آثار فقهی: آثار آیت الله مجتهد تبریزی در زمینه فقه عبارت است از:

۱- شرح تبصره علامه حلی ۲- رساله شرایط عوضین ۳- رساله در ربا ۴- حاشیه بر وسیله النجاه ۵- رساله موسوم به فواید در مسائل متفرقه فقه ۶- واجبات احکام.

۱- - علمای معاصرین، ملاعلی واعظ خیابانی، ص ۱۵۳ صاحب کتاب طبقات اعلام الشیعه تاریخ هجرت به نجف را سال ۱۲۹۱ نوشته است، ج ۸، ص ۸۷۳.

ب) آثار در اصول فقه: دست آورد اصولی ایشان نیز عبارت است از ۱- رساله الغریه در مباحث الفاظ ۲- مباحث مشتقات (۱) همچنین آیت الله مجتهد تبریزی در زمینه مسائل دیگر نیز آثاری داشته و نظرات بسیار عمیق و قابل توجهی نیز در مسائل حقوق و داد و ستد ارائه کرده است در کتاب مبانی حقوق آمده است آیه الله مرحوم میرزا صادق آقا تبریزی از دانشمندان معاصر اسلامی در ایران است (۲).

هم چنین صاحب الذریعه می نویسد: جمعی کثیر، از حوزه درس او فارغ التحصیل شده اند که در میان آنان برخی امروزه صاحب جاهت و مکانت علمی هستند و اصولاً آقا میرزا صادق آقا خود را وقف سود رسانی تدریس و

۱- طبقات اعلام الشیعه، ج ۲، ص ۸۷۳.

۲- اعیان الشیعه، سید محسن امین، ج ۷، ص ۳۶۷.



**مکتب معنوی و اخلاقی**

چنانچه زندگی علمی و دانش و فضل آیه الله مجتهد تبریزی در این فرصت نمی گنجد پرداختن به ویژگی های روحی و اخلاقی وی نیز فرصت بیش تری می طلبد و ابعاد گوناگون زندگی ایشان را نیز نمی توان در این مختصر بیان کرد. رفتار و کردار این مرد بزرگ در طول زندگی خویش به ویژه در دوران مرجعیت و زعامت در آذربایجان و نفس قدسی وی در تبلیغ و ترویج احکام اسلام بسیار مؤثر بود و ایشان در ایجاد جامعه دینی و مذهبی در آن خطه نقش بسیار عمده داشت با وجود سپری شدن بیش تر نیم قرن از رحلت ایشان هنوز هم یاد آیه الله میرزا صادق تبریزی در بین مردم خطه آذربایجان زنده است و از زندگی این عالم وارسته که زندگی زاهدانه و سلوک عارفانه داشته با احترام و عظمت یاد می شود.

تبلیغ و ترویج احکام اسلامی و هم چنین رهبری مردم در آن روزگار آشفته بازار فرقه گرایی و تفرقه افکنی خود صحیفه بلندی از بزرگی و عظمت روحی یک انسان وارسته چون حضرت ایشان است که باید خود جداگانه به عنوان الگوی حیات برای همه انسانهای پیشرو در هدایت و رستگاری جوامع بشری نگاشته و ارائه گردد. یکی از ویژگی ها این انسان وارسته و عالم فرزانه این است که وی در عین اینکه آیه های عرفان و زهد را به تفسیر می نشیند به جامعه ای نیز می اندیشد که زمینه ای تکاملی و رشد و تعالی را

برای بشر فراهم می آورد یعنی مبنای پیوند دین و سیاست از نظر آیه الله میرزا صادق آقا تبریزی که به جهت همین هدف والای خویش، نیز تن به مرارت و سختی می دهد این است که معرفت و سلوک را خدا و عمل به احکام الهی در سایه حاکمیت نظام عدل و انصاف است که تحقق و شکوفایی پیدا می کند و نتیجه بخش می گردد و الا در غیر این صورت به دین بیش از حد شعار، میدان فعالیت داده نخواهد شد و به مرور همه عرصه ها بر روی آن تنگ تر خواهد شد. در این نوشتار به جاست ما سخن کوتاه کنیم و ابعاد شخصیتی وی را در زمینه های گوناگون در نوشته های بزرگانی چون علامه امینی بخوانیم که می نویسد: او یکی از چهره های درخشان تشیع و از جمله دانشمندان متشخص امامیه است که در آذربایجان به مرجعیت تقلید رسید و سالها صاحب ریاست و زعامت دینی گردید. زعیمی که در اداره امور حسن تدبیر و در قضاء و داوری دادگری و در اظهار نظر ثبات و پایداری و استواری نشان می داد و در اصلاح جامعه برنامه هایی پیشرفته ارائه می نمود او همواره با هوشیاری و دور اندیشی و تحمل مشقتات و مرارتها مردم را رهبری می کرد و در مبارزه با کفر و الحاد از سختی ها و تلخی ها نمی هراسید و پیوسته پای پند و اندرز و سخنان گیرا و نافذش باز مسئولیت را به دوش می کشید. (۱)

همچنین در احسن الودیعہ آمده است: آقا میرزا صادق یکی از علمای بزرگ ایران و از جمله مراجع تقلید شیعه امامیه در عصر حاضر است که صاحب ریاست عامه و مرجعیت تام است و حکومت ایران به دنبال انقلابی که در شهر تبریز رخ داد وی را به برخی بلاد تبعید نمود. (۲)

۱- - شهداء الفضیله، علامه امینی، ص ۳۹۲ - شهیدان راه فضیلت (ترجمه این کتاب، ص ۵۵۳).

۲- - کیهان اندیشه، ش ۱۶، به نقل از احسن الودیعہ، ص ۲۶۲، سید مهدی کاظمی اصفهانی.

سید حسن امین نیز از او به بزرگی یاد کرده، می نویسد: او فقیهی بود مجتهد، مرجع تقلیدی محبوب، انسانی زیباروی و نیکو معاشرت بود، واعظ و سخنوری دارای صعه صدر و قریحه شعر بوده است ... (۱).

### مکتب اخلاقی و تربیتی

آیه الله مجتهد تبریزی در عرصه های مختلف زندگی پیشتاز بود و عمر خویش را در خدمت به جامعه دینی سپری ساخت. او همانگونه به سرنوشت جامعه می اندیشید، دغدغه رشد و تعالی امت اسلامی را داشت و هم چنین سخت نگران اوضاع اسفبار اقتصادی و فقر و بدبختی مردم زمان خویش بود. او یکه و تنها برای سامان دادن به وضع مردم در زمینه های مختلف قامت قیام بست. در شهر تبریز معروف است که می گویند خانه آقا میرزا صادق به روی همه باز بود. پناهگاهی بود برای فقرا و نیازمندان، و پایگاهی برای دردمندان و اندیشه وران که به دین و مصالح مسلمین می اندیشیدند. همچنین دیوانی برای حل مشکلات مردم. در زندگی آیه الله تبریزی دو ویژگی بسیار برجسته وجود داشت، نخست اینکه ایشان بسیار سخت کوش و در اهداف دینی خویش استوار بودند. دوم عشق و علاقه ایشان به مردم، و به عباراتی وجهه مردمی ایشان بود. به نوشته محمد مجتهدی، ... حاج میرزا صادق آقا پس از رحلت حاجی میرزا حسن مجتهد، از حیث نفوذ و وجهه در درجه اول واقع شد چنانچه در شب عید فطر مردم از نصف شب به مسجد او می رفتند و برای خود جا می گرفتند و بعضی مردم جای خود

۱- - کیهان اندیشه، ش ۱۶، به نقل از اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۳۶۷.

را به قیمت گران به اعیان و اشراف می فروختند(۱).

ملا علی خیابانی نیز که محضر این بزرگوار را درک کرده است می نویسد: چنان صاحب حزم (هوشیار) بود که کسی نمی توانست امری به ایشان دخالت و غلبه بنماید و نطق نمی کرد مگر به چیزی که نفع ببخشد برای مردم در دین و دنیای ایشان ... (۲). همچنین آقا برگ تهرانی می نویسد: او وجود خویش را وقف تدریس، نشر احکام و سود رسانی و رفع نیاز نیازمندان و مبارزه با بدعت ها، بی دینی ها و پاسداری از مقدسات دین و جهان اسلام کرد. و در این راه با سختی ها و مرارت های زیادی روبرو گردید و تحمل کرد

که کوه تحمل آن را نداشت.

### حوادث عصر مجتهد تبریزی

در زمان مرجعیت مجتهد تبریزی دین اسلام به طور کلی مشکلات بسیاری داشت از یک سو توطئه همه جانبه دشمنان اسلام هر روز گسترده تر می گردید و پیکره جهان اسلام را تجزیه و پاره پاره می کرد و از سوی دیگر تهاجم گسترده فرهنگی دشمن بر علیه دین بود که با همه توان تلاش در نابودی ارزشهای دینی و اسلامی در جوامع اسلامی به خصوص در جامعه دینی ایران داشت. عالمان دینی روز را شب و شب را صبح می کردند در حالی که درگیر فرقه ها و گروهک های دینی بودند که قارچ گونه از گوشه و کنار این کشور سر بلند کرده و دامن دین را لکه دار می ساختند یک روز وهابیت بود که از دین تفسیر غلط به جامعه عرضه می کرد و موجب رویگرداندن قشر

۱- رجال آذربایجان دوره مشروطیت، مهدی مجتهدی، ص ۱۰۳.

۲- علمای معاصرین، ص ۱۵۴.

روشن فکر از دین می گردید، یک روز بهائی گری قد علم می کرد و جوانان این مرز و بوم را به دام فساد می کشاند و یک روز غرب گرایی و غرب ستایی با هزاران حيله و نیرنگ به بی هویتی این مردم می اندیشید و این مسائل برای عالم دینی چون آیه الله مجتهد تبریزی سخت و طاقت فرسا بود.

### حوادث سیاسی

در اوایل قرن سیزدهم هجری قمری ایران حوادث و وقایع تلخ و شیرین زیادی به خود دیده است. جریان مشروطیت که در نیمه اول این قرن در ایران مطرح گردیده و به ظاهر نیز به پیروزی رسید عامل جریانات بسیار زیاری گردید. از همان دوره پیروزی مشروطیت به خلع فرزندان قاجار از حکومت انجامید و زمینه برای به قدرت رسیدن عوامل بی ریشه تر و نوکران گوش به فرمان استعمار گران در ایران فراهم شد. جریانات مهمی در این سرزمین شکل گرفت. با شهادت شیخ فضل الله نوری به اتهام مخالفت با مشروطه آن هم با دهها حيله و نیرنگ آسیب زیادی متوجه حوزه های علمیه و مراجع تقلید گردید. دشمنان دین از یک سو تلاش کردند فرمان شهادت آیه الله شیخ نوری را به علمای پیشرو مشروطه نسبت داده و موجب تفرقه در بین آیات و بزرگان مراجع گردند و از سوی دیگر قصه جدایی دین از سیاست را فراهم آوردند. رضاخان در سال ۱۲۹۹ هجری شمسی (مطابق ۱۳۳۹ قمری) با راهنمایی و فراهم ساختن زمینه توسط عوامل بیگانه به خصوص بریتانیا دست به کودتا زد و

بسیاری از عناصر روشن فکر دینی را دستگیر و سر به نیست کرد و به زودی یعنی در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی با قانونی خواندن خود به عنوان شاه ایران دست به اجرای برنامه استعمار زد.

وی که به فرمان اجانب، مأمور زمینه سازی برای ورود فرهنگ بیگانه به کشور بود از دین و حوزه های علمیه آغاز کرد. کشاندن طلاب علوم دینی از مدارس علمی به سربازخانه ها و دستبرد به فرهنگ دیرینه این ملت و تبدیل لباسهای سنتی ایران به لباسهای مد روز غرب و به مرور زمان ظهور بانوان با کلاه و برهنه در خیابانها و جمع آوری چادر و حجابهای زنان نیز در راستای همین اهداف شوم انجام می گرفت.

### داستان تبعید

در جریان قلع و قمع حوزه های علمیه و دستگیری و کشاندن طلاب علوم دینی به پادگانها و از طرفی جریان کشف حجاب که عملاً با حضور خانواده رضاخان در مجامع عمومی بدون حجاب از سال ۱۳۰۷ آغاز گردید و بالاخره چند سال طول نکشید که به طور رسمی در همه ایران اجرا گردید. مراجع و عالمان بزرگ دینی به پاسداری از این ارزش اسلامی برخاسته و مبارزه ای گسترده با دولت را آغاز کردند. علماء قم، علمای شیراز، علمای مشهد و اصفهان و علمای تهران و تبریز هر کدام با اجرای راهپیمایی ها و تجمعات مردم را از هجوم گسترده دشمن آگاه ساخته و دین ستیزی رضاخان را محکوم کردند. در این وقایع آیه الله میرزا صادق آقا در تبریز به عنوان مجاهد پیش رو

در مبارزه با دین ستیزی رضاخان مردم آذر بایجان را رهبری کرد. وی پس از شنیدن وقاع دردناک هجوم به مدارس علمی در حوزه علمیه قم و دستگیری طلاب و با علنی شدن تبلیغات ضد اسلامی رضاخان در تبریز دولت رضاخانی را به باد انتقاد گرفت و از رفتار و عوامل حکومت، اظهار انزجار و اعلام خطر نمود و این بود که رضاخان دستور داد آیه الله میرزا صادق آقا را گرفته و به تبعید گاه روانه ساختند.<sup>(۱)</sup> داستان تبعید وی در خصوص مبارزات و تبعید ایشان اشاره کرده می نویسد: او کسی بود که بر بالای منبر رفته و آنچه که پهلوی با علماء و دین انجام میداد برای مردم مطرح می کرد و لذا عوامل پلیس او را دستگیر و نخست در همدان و سپس به قم تبعید نمود...<sup>(۲)</sup>.

در برخی منابع چون کتاب علماء معاصرین اینگونه آمده است که وی بنا به موجبی به بلده سنندج مقرر حکومت کردستان مسافرت فرمود!!!...<sup>(۳)</sup> و سپس اضافه می کند که اهالی آنجا با این که از جماعات عامه و اهل سنت شافعیه هستند به زیارت او آمدند و تکریم و تجلیل به جای آوردند و علمای ایشان هر روز می آمدند و به قدوم وی در بلدشان افتخار می نمودند حتی شیخ اجل شیخ شکر الله امام جمعه سنندج گفت: اگر ذبح ولد شرعی بود من یکی از اولادم را ذبح می کردم.<sup>(۴)</sup>

امام خمینی (ره) نیز در خصوص وجود اختناق آن زمان و منکرهای رضاخانی اشاره می کند و در ارتباط با تبعید مجتهد مجاهد تبریز می گوید:

۱- طبقات اعلام الشیعه، آقا بزرگ تهرانی، ج ۲، ص ۸۷۴.

۲- معارف الرجال، محمد حرزالدین، ج ۲، ص ۳۷۴.

۳- علمای معاصرین، ملاعلی واعظ خیابانی، ص ۱۵۴.

۴- علمای معاصرین، ملاعلی واعظ خیابانی، ص ۱۵۴.

... با دست رضاخان شروع کردند به کوبیدن روحانیون. عمامه ها را برداشتند و مدرسه ها را جلویش را گرفتند، لباسها را تغییر دادند با آن شدتی که انسان شرم می کند که چه

کردند با این طائفه و این هم به اسم اینکه می خواهیم اصلاح بکنیم با اسم اینکه همه ایران یکرنگ باشند ملت ما کذا باشد و با این حرفهای ناروا این قدرت را هم می خواستند بشکنند و شکستند در آن وقت و سخت هم شکستند و چند قیامی که در ایران از جانب روحانیون شد که یکی از آنها از اصفهان بود ... این را هم با حيله و قدرت

شکستند چنانچه قیام آذربایجان و علمای آذربایجان و قیام خراسان اینها را هم با قدرت شکستند ... و علمای تبریز را دو نفر شخصی که در رأس بود در آنجا گرفتند و بردند

گمانم این است که در سقز آنجا مدتی تبعید بودند و بعد هم که اجازه رفتن را دادند و مرحوم حاج میرزا صادق آقا که شخص اول آنوقت روحانیت تبریز بود آمد و در قم ماند و

در همین جا هم ماندگار شد و دیگر نرفت. آنجا می رفت هم کاری نمی توانست بکند. (۱)

### غروب در غربت

آیت الله مجتهد تبریزی این مرد بزرگ که از جریان مشروطه تا عصر دیکتاتوری رضاخان که زندگی اش به ناآرامی و تلاش در راه آگاهی و دمیدن روح مقاومت مردم در مقابل تهاجم دشمنان عرصه های مختلف سپری گردید. بالاخره در ششم ذی القعدة سال ۱۲۷۴ ه. ق هجری قمری مطابق ۱۳۳۱ هجری شمسی چراغ عمرش خاموش گردید و جامعه اسلامی را در غم و اندوه فروبرد. نماز بر وی

---

۱- - صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۸. البته در جلدهای دیگر صحیفه این جمله امام مکرر آمده است، ج ۱، ص ۲۶۱؛ ج ۲، ص ۲۳۸ و ج ۶، ص ۲۴۵.



را آیه الله شیخ ابوالقاسم کبیر خواند و انبوه جمعیت که دلداده راه و مرام ایشان بودند وی را تشییع نموده و در جوار حرم فاطمه معصومه (س) به خاک سپردند. به نوشته صاحب علماء معاصرین مراسم تشییع در روز جمعه انجام گرفت و مردم زیادی در آن حضور یافتند و آیه الله حائری یزدی در قم و سایر بزرگان در شهرهای دیگر نیز برای او مجلس ختم برگزار کردند وی همچنین به ازدحام جمعیت و خوف حکومت از این ازدحام که منتهی به تعطیلی برخی مجالس شده است اشاره می کنند. (۱)

...

## سید ابوالحسن انگجی (ستاره تبریز) / سعید عباس زاده

## تولد

در سال ۱۲۸۲ هجری قمری خانه حاج میرزا محمد آقا از علمای بزرگ آذربایجان با تولد نوزادی منور گردید (۱). پدر که خود از سادات حسینی و اهل فضل و دانش بود، نام این کودک را به یاد امام علی بن ابی طالب ابوالحسن (۲) گذاشت و به وجودش مباحثات کرد. ابوالحسن در خانه پر از مهر و صفای معنوی و دینی و در سایه لطف و محبت پدری این چنین بزرگ شد. وی دوران نوجوانی اش را سپری ساخت و در زادگاه خویش - تبریز - وارد مدرسه دینی گردید. مدارس دینی تبریز هر چند در آن زمان چندان شکوفایی نداشت لکن دروس دینی همچنان برپا بود و اساتید بزرگی در آن به تدریس اشتغال داشتند. اساتیدی چون، میر فتح سرابی، و آقا میرزا محمد اصولی از جمله بزرگانی بودند که در دوران تحصیل سید ابوالحسن در این حوزه تدریس می کردند و هم چنین

- 
- ۱- - وی در محله ای به نام انگج در تبریز متولد شد در بعضی منابع چون اعیان الشیعه از انگج به نام قریه تعبیر شده است اصل ایشان از قریه ای نزدیک تبریز است. اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۳۲۴.
- ۲- - ابوالحسن کینه امام علی است.

حاج میرزا محمد آقا پدر سید ابوالحسن نیز از اساتید وقت حوزه علمیه تبریز بود. آقا سید ابوالحسن در این حوزه علاوه بر اینکه از محضر بزرگانی چون حاج میرفتاح سرابی و آقا میرزا محمد اصولی بهره می برد، محضر پدر بزرگوار را نیز معتنم می شمرد. او می گوید: دو جلد قوانین را از اول تا آخر نزد آقا میرزا مهدی اصولی خواندم. (۱)

### دوران نجف

آقا سید ابوالحسن در سال ۱۳۰۴ در ۲۲ سالگی راهی حوزه علمیه نجف گردید و نزدیک شش سال در آن حوزه اشتغال به تحصیل داشت. بزرگانی که وی محضر آنان را در حوزه نجف درک کرد و خوشه چین خرمن دانش آن بزرگواران بود، عبارتند از: آیات عظام ۱- فاضل ایروانی ۲- میرزا حبیب الله رشتی و ۳- آقا شیخ حسین مامقانی که هر کدام از مراجع و اساتید بزرگ نجف به شمار (۲) می رفتند (۳)

### منزلت علمی

آیه الله سید ابوالحسن انگجی هر چند مدتی طولانی در حوزه علمیه نجف اقامت نگرید لیکن در این چند سال کوتاه توانست راه طولانی اجتهاد را بیپیماید و به منزلت بلند علمی نایل گردد. نویسنده کتاب علماء معاصرین می نویسد: (آیه الله انگجی) از طراز اول مجتهدین ایران و عمده مراجع احکام این زمان و مراتب اجتهادش مسلم (است). (۴) وی سپس به دقت علمی

۱- - علماء معاصرین، ص ۱۷۸.

۲- - در منابع دیگر شیخ محمد حسین کاظمینی نیز از جمله اساتید وی آمده است.

۳- - گنجینه دانشمندان، شریف رازی، ج ۱، ص ۲۴۵.

۴- - علماء معاصرین، ص ۱۷۸.

و تلاش محققانه وی اشاره می کند. و می گوید: صاحب وقار و متانت و ابهت، کثیر العلم ولی بسیار قلیل الکلام بود. کرارا حقیر مسئله مهمی می پرسیدم که شاید تفصیلی و شرحی بیان فرماید فقط به جواب مسئله اکتفا می فرمودند. حافظه عجیبی داشتند حاضر الفتوا بودند. (۱)

نویسنده رجال آذربایجان نیز به این بعد از شخصیت ایشان اشاره می کند و می نویسد: مرحوم انگجی عالم فاضل بود و در عمر خود از معاریف (۲) آذربایجان به شمار می رفت. علاوه بر فقه در علوم ادب نیز اطلاع فراوان داشت هر مشکل فقهی و ادبی را حل می کرد حاج میرزا حسن آقا مجتهد (۳) به مقام علمی او اذعان داشت و مکرر این معنا را می گفت تا مراتب فضل او

۱- - علماء معاصرین، ص ۱۷۸.

۲- - از بزرگان سرشناس.

۳- - از علمای برجسته آذربایجان و معاصر آیت الله انگجی بود.

**آثار علمی**

از این عالم فرزانه آثار قلمی متعددی به جای مانده که عبارت است از ۱- حاشیه بر ریاض المسائل در فقه ۲- شرحی بر حج شرایع ۳- ازاحه الالباس (۲) همچنین در فقه و در

برخی منابع رساله هایی در موضوعات مختلف فقهی. حاشیه ای بر رسائل و مکاسب (۳) نیز آمده است.

**سیره آیه الله انگجی**

مهمترین و برجسته ترین چهره زندگی آیه الله انگجی اهتمام ایشان به امر به معروف و نهی از منکر بوده است. آن هم در روزگاری که عده ای برای آشفته ساختن افکار دینی و مذهبی مردم و به همین جهت موقعیتی که پیش آمده بود. در مطبوعات به هر وسیله بر علیه دین می‌تاختند در چنین موقعیتی آیه الله انگجی بود و آذربایجان با همه مشکلات و آشفتگی هایش. او مردی انزواطلب و گوشه نشین نبود بلکه در مسائل مربوط به اسلام و مسلمین پیشتاز بود. در جریان مشروطیت نیز از مدافعین مشروطیت به شمار می رفت و با آخوند خراسانی در ارتباط بود. بسیاری از جریانات که می رفت به آشوب و خونریزی تبدیل گردد به دست ایشان هدایت می شد و به جهت نفوذ در بین مردم در این جریانات نقش آفرین بود. وی روزی بالای منبر رفت و به مجاهدین مشروطیت گفت که گیرم که حاج میرزا حسن آقا مجتهد کافر شده

۱- - رجال آذربایجان، مجتهدی، ص ۱۸۱.

۲- - علماء معاصرین، ص ۱۷۸.

۳- - علمای بزرگ شیعه از کلینی تا خمینی، ص ۳۷۰.

شما با کدام صلاحیت منزل او و دکانش را غارت کردید. اگر کسی از دین خدا هم برگشته باشد صلاحیت منزل او به وراثش (۱) می رسد نه به مجاهدین و فدائیان (۲).

در جریان تقی زاده نیز آیه الله انگجی از طرف آیه الله آخوند خراسانی موظف گردید پیام آخوند را به مردم برساند آیه الله آخوند خراسانی در نامه ای به ایشان می نویسد:

جناب مستطاب شریعت مدار کشف الانام ثقه الاسلام آقای حاج میرزا ابوالحسن انگجی دام تأییداته. در خصوص حکمی که از این خادمان شرع انور درباره آقا سید حسن تقی زاده صادر شده بود مکاتیب و سئوالاتی از تبریز رسیده لازم است جناب مستطاب عالی به عموم علماء و قاطبه مسلمین اعلام فرمایید حکم مزبور تکفیر نبوده و نسبت تکفیر بی اصل است فقط حکم به عدم جواز مداخله در امور نوعیه مملکت و عدم لیاقت عضویت مجلس محترم و لزوم خروجش بوده لاغیر البته زائد بر مدلول حکمی مترتب نشود. (۳)

### تبعید آیه الله انگجی

در جریان حرکت‌های ضد دینی پهلوی آیه الله انگجی پیشرو مبارزین بود و تبریز را عملاً کانون مبارزه بر علیه پهلوی کرده بود و دولت نیز به جهت اینکه از نفوذ ایشان در بین مردم اطلاع داشت از جانب این عالم بزرگ بیمناک بود. و به همین جهت نیز عوامل حکومت حضور وی را در تبریز تحمل نکرده و او را از شهر تبریز تبعید کردند و آیه الله انگجی به همراه چند تن از

۱- نه وارثین ایشان می رسد.

۲- رجال آذر بایجان، مجتهدی، ص ۱۸۱.

۳- امام خمینی به مبارزه علمای آذربایجان و تلاش‌های این مرد بزرگ مکرر اشاره کرده است. صحیفه نور.

علماء که از جمله آیه الله آقا میرزا صادق آقا بود تبعید گردیدند. آیه الله انگجی مدت‌ها خود را در تبعید مشهد و سنج به سر برد (۱) و مدتی نیز در قم اقامت گزید. وی سپس به تبریز مراجعت کرد و همچنان به تبلیغ و ترویج معارف پرداخت هر چند بعدها اوضاع روزگار وی به کلی عوض گردید. مشروطه ای که آیه الله انگجی و صدها مجاهد دیگر برای آن فداکاری کرده بودند مورد سوء استفاده عناصر فرصت طلب و عوامل استعمار قرار گرفت با روی کار آمدن رضاخان در جریان کودتای ۱۲۹۹ شمسی دیگر از مشروطه که با اهداف آزادی و نفی سلطه و برای گذر از استبداد به حکومت مردمی به وقوع پیوسته بود جز اسمی باقی نمانده بود و ایران رها یافته از قید سلطه سلاطین نادان قاجار بار دیگر استعمار را تجربه کرد. آیه الله انگجی سرانجام پس از عمری تلاش و خدمت به اسلام و جامعه در ذیقعه سال ۱۳۵۷ هجری قمری در تبریز وفات یافت و پیکرش در شهر قم به آغوش خاک سپرده شد. (۲)

### آثار جاوید

آیه الله انگجی شش پسر داشت که سه تن از آنان در کسوت علمای دینی و مبلغین احکام الهی هستند. آقا میرزا حسن، آقا میرزا محمد علی و حاج میرزا مهدی هر سه برادر در قم تحصیل کرده و از آیه الله حاج شیخ عبدالکریم حائری کسب فیض کرده اند و در علم و معرفت و فقه و اصول به مرتبه اجتهاد رسیده اند. رجال آذربایجان می نویسند: هر سه صاحب محراب و منبرند و

۱- - یکصد سال مبارزه روحانیت مترقی. عقیقی بخشایشی، ص ۸.

۲- - فقهای نامدار شیعه، حقیقی بخشایشی، ص ۳۹۹ به نقل از اوراق تازه یاب.

آسمان روحانیت تبریز را به منزله سه اختر فروزانند. اثر نجابت و آقایی از سیمای آنان ساطع است. وقتی انسان این برادر با فضل و کمال و نجیب و آقا را می بیند به یاد اشراف سادات عصر قرون اولیه اسلامی چون سید مرتضی و سید رضی و سایر سادات اشراف می افتد (۱). سه فرزند یگر وی نیز در علوم پزشکی تخصص یافته اند که عبارتند از: آقایان دکتر اسماعیل، دکتر ابراهیم و دکتر محمود. البته امروزه نوادگان این عالم وارسته نیز به انگجی معروف هستند و این چشمه جوشان همچنان در جامعه اسلامی در جوشش و حرکت است. فرزندان این خاندان برخی در کسوت روحانی و برخی در عرصه ها دیگر به تلاش و سازندگی جامعه دینی اشتغال دارند.

### شاگردان

بزرگان و دانشجویان زیادی در محضر آیه الله انگجی شاگردی کرده و از محضر ایشان بهره برده اند که می توان از آن بزرگواران آیه الله العظمی سید محمد حسین طباطبایی، آیه الله العظمی حاج عبدالحسین غروی، آیه الله العظمی شهید اسدالله مدنی، آیه الله شهید قاضی طباطبایی را نام برد.

...





**روح الله كمالوند خرم آبادی (سفير قیام) / محمد رضا حیدریان****اشاره**

افتخار هر امتی به چهره های درخشان و بارز آن است. وجود اختران فروزان نشان بالندگی آن امت به شمار می آید. شناساندن این چهره های پر فروغ مسیر تکامل را برای آیندگان روشن می سازد پس شایسته است که به زندگانی بابرکت این حاملان ارزشهای الهی بپردازیم، گنجهای پنهان این مرز و بوم را به عاشقان هدایت و سالکان طریق ولایت بشناسانیم و سپاس خویش را از این هدیه های الهی ابراز داریم. در این راستا بر آن شدیم به معرفی زندگی آیه الله حاج آقا روح الله كمالوند، یکی از شخصیت‌های پرفروغ مملکت اسلامی، بپردازیم و بدین ترتیب پاسدار ارزشها باشیم.

**تولد**

آیه الله كمالوند در سال ۳۱۹ هجری قمری در شهر خرم آباد و در خانواده ای

کشاورز دیده به جهان گشود. پدر بزرگوارش او را روح الله نامید بدان امید که زندگانی اش خدایی باشد. روزها شتابان سپری شد و عشق و علاقه روح الله به روحانیت هر روز فزونی یافت این حقیقت که پدران آن بزرگوار، با دو واسطه، از علماء مشهور خرم آباد بودند، در علاقه او به فراگیری علوم اسلامی بسیار مؤثر بود؛ علاقه ای که سرانجام به حرکت تبدیل شد و روح الله را ساکن مدرسه ساخت.

### تحصیلات

مرحوم کمالوند تا سال ۱۳۳۶ قمری در خرم آباد به فراگیری علوم دینی پرداخت و از علمای آن دیار کسب فیض کرد. سپس به امید حضور در محضر استاد بزرگوار حضرت آیه الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی، عازم بروجرد شد و با عنایت الهی دو سال از درس این فقیه اهل بیت استفاده برد. آنگاه به اراک هجرت کرد، در مقابل آیه الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری زانوی ادب زد و از خرمن وجودش بهره های وافر برد. با مهاجرت حضرت آیه الله حائری به شهر مقدس قم، مرحوم کمالوند نیز در شمار علمای مهاجر به قم جای گرفت و برای استفاده بیشتر در جوار کریمه اهل بیت (س) مأوا گزید.

زمانی که حضرت آیه الله العظمی بروجردی به قم مشرف شد، مشتاقانه در مجلس درس آن فقیه اهل بیت (ع) حاضر شد و روح تشنه خویش را سیراب ساخت. آیه الله سید حسن طاهری خرم آبادی از ایشان اینگونه یاد

می کند: مرحوم حضرت آیه الله حاج شیخ روح الله کمالوند از شاگردان درجه اول مرحوم آقای بروجردی بودند و جزء خوش استعدادترین شاگردان آن فقیه بزرگوار به شمار می رفتند... (۱).

از هم بحثهای آیه الله کمالوند می توان به حضرت امام (ره) در فلسفه و حضرت آیه الله العظمی سید محمد رضا گلپایگانی در فقه اشاره کرد. مرحوم کمالوند فلسفه را از محضر حضرت آیه الله میرزا علی اکبر حکمی یزدی آموخت.

آن مرحوم همزمان با تحصیل و کسب فیض از محضر بزرگان، خود از استادان پرتوان حوزه علمیه قم به شمار می رفت. او هنگام ورود آیه الله

بروجردی به تدریس کفایه و درس خارج مشغول بود و شاگردان نمونه و بارزی به جامعه مسلمین تقدیم کرد.

آیه الله سید حسن طاهری، که خود از شاگردان آن بزرگوار است، از ویژگی های محفل درس آن استاد فرزانه این گونه یاد می کند:

حضرت آیه الله کمالوند دارای بیانی شیرین بودند به صورتی که مشکل ترین مسائل علمی را با بیانی ساده بیان می کردند و تدریس ایشان همراه با مطالعه دقیق بود به گونه ای که ضعف و سستی در درس ایشان و یا بیانشان وجود نداشت هنگامی که یکی از شاگردان اشکالی را مطرح می کرد در کمال آرامش و متانت به وی پاسخ می داد... (۱).

برخی دیگر از شاگردان آن مرحوم عبارتند از حجج الاسلام:

۱- دکتر حمیدی عیدی

۲- سید محمد تقی شاهرخی خرم آبادی

۳- شیخ مهدی قاضی خرم آبادی

۴- سید صالح طاهری خرم آبادی

۵- سید یدالله صدری (مدیر فعلی مدرسه کمالیه خرم آباد)

۶- شیخ عباس علی صادقی

### محبوب دینداران

در سال ۱۳۲۹ قمری گروهی از مؤمنان خرم آباد به شهر قم آمدند و از محضر آیه الله بروجردی تقاضا کردند که (آیه الله کمالوند) را به خرم آباد اعزام کند

---

۱- - مصاحبه نگارنده با آیت الله طاهری خرم آبادی در تاریخ ۷۶/۱/۱۶.

تا مردم از وجود با برکت وی بهره جویند. آیه الله بروجردی در پاسخ به دعوت دوستاناران آیه الله کمالوند نامه ای به وی نوشت که مضمون آن چنین است: ضمن تقدیر از شما با اینکه به وجود حضرت عالی احتیاج دارم برای مصلحت اسلام و مسلمین شما را به خرم آباد می فرستم.

### طراوت بوستان

در پی فرمان حضرت آیه الله بروجردی، مرحوم کمالوند امتثال امر کرده در سال ۱۳۱۹ هجری قمری به خرم آباد بازگشت. (۱) و مورد استقبال گرم طلاب و روحانیون خرم آبادی که در قم مشغول تحصیل بودند به وطن بازگشتند و در محفل درس آن دانشمند بزرگ حاضر شدند. در سایه تلاشهای آن فقیه وارسته مدرسه علمیه خرم آباد مرمت و بازسازی شد و رونق کهن خویش را بازیافت.

### پروانه های شمع

آیه الله کمالوند همراه خود جمعی از روحانیون فاضل را نیز به خرم آباد آورد تا یاورش باشند و امر تبلیغ و ارشاد مردم را رونق بخشند. حجه الاسلام و المسلمین حاج سید احمد حبیبی شاگرد فاضل حضرت آیه الله بروجردی، یکی از این نیکان بود که سالهای بسیار زیاد در خرم آباد به تدریس مطّول، قوانین، لمعه و ... مشغول بود از دیگر عزیزانی که مرحوم آیه الله کمالوند را یاری

کرد، شاگرد دانشورش حجه الاسلام علی عبودیت بود که مدتها در منطقه به تبیین حقایق وحی پرداخت.

### تندیس اخلاق

مرحوم کمالوند در میان مردم خرم آباد دارای محبوبیتی خاص بود و از نفوذ سیاسی-اجتماعی یک مرجع بهره می برد. محبوبیت فراوان آن مجتهد وارسته تنها در سایه اخلاق و پرهیزگاری شکل گرفت.

تواضع وی در میان مردم زبان زد بود با آنکه از نظر علمی در مقام بالای فقها بود، همراهی و تفقد آن مردم را بر خود لازم می دانست. هر گاه مجلس عزاداری اهل بیت (ع) را

برپا می ساخت با احترام و ادب کنار در خانه می ایستاد. آن بزرگوار معتقد بود که باید حرمت عزادار اهل بیت (ع) را حفظ کرد و او را گرمی داشت.

### تفسیر آیات نور

مجتهد بزرگ خرم آباد از فرصتهای تبلیغی بهره می برد، آیات الهی را، با بیانی ساده و روان، برای مردم تفسیر می کرد و قلوب مشتاقان وحی را روشنایی می بخشید. او روزهای پنج شنبه و جمعه در جمع طلاب حضور می یافت و سربازان امام زمان (عج) را از نور تفسیر قرآن بهره مند می ساخت.

**همگام با نهضت**

آن مجاهد نستوه اعتقاد داشت که روحانی نباید از حوادث جامعه خویش غافل باشد. با این بینش بود که، با اجازه مرحوم آیه الله بروجردی (ره)، در مسایل سیاسی هم دخالت و

اعمال نفوذ می کرد و در موقع مناسب به عدل و نصب مأموران دولتی همت می گماشت (۱).

مجاهد روشن بین خرم آباد در بسیج مردم علیه گروهکهای منحرف (توده ای ها) نقش بسزایی داشت و با سخنرانی های بیدار کننده خویش نقشه های آنان را نقش بر آب می کرد؛ از حامیان و مریدان حضرت امام خمینی (ره) بود و دوشادوش آن مبارز قدم بر می داشت. علاوه بر این با توجه به اینکه او به واسطه یکی از بستگان نزدیکشان در دستگاه پهلوی نفوذ داشت رابط دستگاه و حضرت امام به شمار می رفت و رهبر گاه (هر فرزانه انقلاب مصلحت می دید پیام نهضت را به دستگاه ظلم می رساند اعتراض به طرح سربازگیری طلاب و تذکر به شاه درباره رفراندم و غیر قانونی خواندن آن بخشی از کوششهای آیه الله کمالوند در مبارزه با استعمار بود. او به شاه یادآوری کرد که، شما دولت مصدق را به جرم اینکه می خواست رفراندم برگزار کند تحت تعقیب قرار دادید، اکنون چگونه خود به آن دست می بازید؟ شاه، برای فرار از استدلال روشن مجاهد خرم آباد، گفت: ما رفراندم برگزار نمی کنیم بلکه می خواهیم تصویب ملی انجام دهیم!! (۲).

آن بزرگوار همچنین در جریان تصویب لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی اعلامیه ای اعتراض آمیز خطاب به نخست وزیر وقت منتشر

۱- - بخشی از بیانات حضرت آیت الله طاهری خرم آبادی.

۲- - تاریخ سیاسی و معاصر ایران، سید جلال الدین مدنی، ج ۲، ص ۱۲؛ نهضت روحانیون ایران. علی دوانی، ج ۳، ص ۲۰۱.



ساخت. متن یکی از اعلامیه های وی چنین است:

تهران - جناب آقای نخست وزیر

مدتهاست که تلگراف عدیده ای از طبقه روحانیون و عشایر و بازرگانان و اصناف لرستان دائر بر الغاء تصویب نامه انجمنهای ایالتی و ولایتی که مطابقت با موازین شرعیه و قانون اساسی مملکت نداشته و موجبات نگرانی مراجع و آیات عظام را فراهم نموده، متأسفانه تا کنون ترتیب اثر و جواب مثبتی به تقاضای شرعی و قانونی مردم داده نشده و چون ادامه این وضع حاکی از بی اعتنائی به افکار عمومی مسلمانان و رد تقاضای مشروع آنهاست مسلماً عواقب نامطلوبی در بر خواهد داشت. لذا مجدداً برای خیرخواهی متذکر می گردیم که لازم است هر چه زودتر دولت برای جلوگیری از هر گونه آشوب که در نتیجه بی اعتنائی به افکار مسلمین بروز خواهد کرد به الغاء تصویب نامه فوق الذکر اقدام تا موجبات رفع نگرانی آیات عظام و مسلمین فراهم گردد. (۱)

علاوه بر این وقتی رژیم سر سپرده پهلوی حضرت امام را دستگیر کرد و به قیصریه انتقال داد، آیه الله روح الله کمالوند همراه گروهی از علماء به تهران هجرت کرد تا رهبر نهضت را زیارت کند ولی با مخالفت رژیم رو به رو شد و سرانجام به خرم آباد بازگشت. او پس از این سفر در چنگال پیامدهای سخته گرفتار شد و در بستر بیماری فرو افتاد و به

تهران انتقال یافت.

## فصل فراق

تاریخ سال ۱۳۴۳ هجری قمری را نشان می داد، لحظات برای دوستداران آیه الله

کمالوند بس سنگین و حزن آور بود. مردی که عمر خویش را در مسیر تعلیم و تعلم و مبارزه در راه خدا مصروف داشته، شاگردانی نمونه به جامعه اهدا کرده بود. اینک در بستر بیماری رنج می کشید. این لحظات سنگین عاقبت با ایستادن قلب خرم آباد پایان پذیرفت؛ روح آن انسان کمال طلب به سوی کمال مطلق پرواز کرد و دوستداران خویش را با غمی جانکاه تنها گذاشت.

انتشار خبر رحلت آیه الله کمالوند در خرم آباد با اندوه مردم همراه بود. البته مردم در سوگ آن مجتهد گرانقدر تنها نبودند، امام امت نیز در این مصیبت داغدار شد و در ماتم فرورفت. فرزند برومند رهبر فقید انقلاب اسلامی مرحوم آقا مصطفی (ره) در این باره فرمود:

وقتی خبر فوت آقای کمالوند را به امام دادم آنقدر امام ناراحت و غمگین شدند که من از کارم پشیمان شدم. (۱)

حضرت آیه الله طاهری خرم آبادی، در آن دوران در کنار حضرت امام بود، از آن روز این گونه یاد می کند؛

وقتی امام را دیدم قیافه ایشان خیلی در هم و متأثر بود به من فرمودند وقتی بنا شد جنازه را بیاورند مرا خبر کنید. (۲)

### غسل با اشک

مردم از شهرهای مختلف استان لرستان، بخصوص خرم آباد، گروه گروه به سوی تهران حرکت کردند تا پیکر مطهر عالم شهر خویش را بر شانه های محبتشان حمل کنند و برای آخرین بار محبوب دلهایشان را وداع گویند. از

---

۱- به نقل از آیت الله طاهری خرم آبادی - مصاحبه با مرکز اسناد انقلاب اسلامی ویژه قم.

۲- مصاحبه مرکز اسناد انقلاب اسلامی ویژه قم با آیت الله طاهری خرم آبادی.

سوی حضرت امام آقایان سعید اشراقی و مرحوم اسلامی تربتی با گروهی به استقبال پیکر مطهر آیه الله کمالوند شتافتند؛ آقای اشراقی برای مردم سخنرانی کرد و پیام همدردی حضرت امام را به جمعیت عزادار اعلام کرد. مؤمنان در تهران بر پیکر آن عالم ربّانی نماز گذاردند. آنگاه آن را به شهر قم انتقال دادند. در ساعت سه بعد از ظهر ۱۸ اردیبهشت ۱۳۴۳ مراسم تشییع جنازه آن مرحوم، با ابهت خاص، از مسجد امام آغاز شد. در مراسم تشییع، حضرت امام در جمع عزاداران حاضر شد؛ مراسم با شعارهایی در مدح حضرت امام و حمایت از وی، شکوهی خاص یافت و به مراسمی سیاسی تبدیل شد. سرانجام پیکر پاک اسوه تقوا مجاهد خستگی ناپذیر آیه الله روح الله کمالوند در مسجد بالاسر قم، در جوار مرقد استاد بزرگوارش آیه الله العظمی بروجردی، به خاک سپرده شد. هم اکنون ۱۳۷۶ شمسی آرامگاه این عالم ربّانی با یک قالیچه که روی مرقد وی قرار دارد و جملات زیر بر آن نوشته شده مشخص است:

آرامگاه خلد آشیان مرحوم آیه الله العظمی حاج آقا روح الله کمالوند خرم آبادی که در تاریخ ۱۶ اردیبهشت ۱۳۴۳ مطابق با ۲۳ ذیحجه الحرام ۱۳۸۳ قمری ارتحال یافت. واقف حسن کمالوند.

مجالس ختم یکی بعد از دیگری، در قم بر پا شد و از سوی علمای بزرگوار از آن شخصیت ارزنده تجلیل به عمل آمد. از سوی آیه الله سید محمد رضا گلپایگانی و حضرت امام رحمه الله مجالسی بر پا شد؛ حضرت امام رحمه الله نیز در مجالس ختم حضور یافت و از مقام منبع مجتهد وارسته خرم آباد تقدیر

کرد. مراسم چهلم آن مرحوم، که با ماه خون و قیام محرم مقارن شده بود، موقعیت مناسبی برای عزاداران فراهم آورد تا با برگزاری مجالس عزاداری خاطره قیام کربلا را احیاء و بدینوسیله تنفر خویش از یزیدیان زمان را اعلام کنند. بعد از مراسم مرحوم کمالوند، گروهی از مردم خرم آباد همراه حاج آقا عیسی جزایری به دیدار حضرت امام شتافتند و از حضور آن مرجع وارسته در مراحل مختلف عزاداری تشکر کردند.

اکنون که در آستانه سی و چهارمین سالگرد رحلت آن عزیز هستیم، از جان و دل به روح آن فقیه نستوه درود می فرستیم و از خداوند متعال برایش رحمت و رضوان آرزو می کنیم. (۱)

...

---

۱- از حضرت آیت الله سید حسن طاهری خرم آبادی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ویژه قم و بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی قم که نگارنده را در تهیه این نوشتار یاری دادند، سپاس گذارم.



## ملا عبد الرزاق لاهیجی (حکیم آزاده) / رضا باقی زاده

### اشاره

تداوم و بقای موجودیت تشیع در فراز و نشیب تاریخ بیش از هر چیز مرهون تلاش و مجاهدت علمی عالمان متعهد شیعی است که در طول تاریخ سراسر مظلومیت و رنج شیعه حاملان راستین امانت الهی و تعالیم امامان معصوم (ع) و مرزداران حماسه جاوید شیعه بودند. تشیع مانند هر مذهب و مرام دیگری بیش از هر چیز نیازمند اثبات حقانیت و استحکام پایه های عقیدتی خود است.

و این رسالت بزرگ را عالمان به خوبی به انجام رسانده اند. وجود هزاران منبع تحقیقاتی مکتوب که به رغم نامساعد بودن اوضاع سیاسی در اغلب دورانهای گذشته، به همت

عالمان شیعه نگاشته شده است از بیداری و غیرتمندی آنان حکایت می کند.

یکی از درخشانترین چهره های علمی و فلسفی این عرصه حکیم ملا عبد

الرزاق لاهیجی، فیلسوف برجسته شیعه است. ما در این نوشتار بر آنیم تا گوشه ای از زوایای زندگی آن بزرگوار را به نظاره نهیم و بحث در این باره را در چند محور پی گیریم.

از زمان تولد ملا عبد الرزاق اطلاعی دقیق در دست نیست و تنها برخی محل تولد ایشان را در شهر لاهیجان بیان کرده اند. (۱) شاید یکی از علت‌های اختلاف نظرها وجود شخصیت‌های دیگری است که به همین نام مشهورند. نام آن بزرگمردان به قرار زیر است:

ملا عبد الرزاق بن ملا میرزانکویی شیرازی، معاصر ملا عبد الرزاق لاهیجی.

ملا عبد الرزاق کاشی.

ملا عبد الرزاق رضوی.

ملا عبد الرزاق بن احمد گیلانی. (۲)

ملا عبد الرزاق گیلانی (لاهیجی) پزشک دانشمند و وزیر خان احمد خان گیلانی (متوفی ۹۸۰ق).

عبد الرزاق گیلکی مؤلف رساله اللامع فی شکل الرابع. (۳)

### استادان و همدرسان

مهمترین استاد وی که نقش ارزنده ای در شکل‌گیری علمی آن جناب داشت، فیلسوف نامی، ملا صدرا شیرازی (ره) است. (۴) مؤلف کتاب روضات الجنات ایشان را از شاگردان ممتاز ملا صدرا می‌داند. (۵) همچنین محقق داماد نیز از جمله اساتید وی نقل شده و غیر این دو بزرگوار اسمی از دیگر

---

۱- بزرگان تنکابن، ص ۹۱.

۲- روضات الجنات، ص ۴.

۳- مفاخر اسلام، ج ۷، ص ۴۳۰.

۴- اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۴۷۰ - ریاض العلماء، ج ۳، ص ۱۱۴.

۵- روضات الجنات، ج ۴، ص ۱۹۶.

اساتید وی به میان نیامده است.

او در اوایل عمر به شهر مقدس قم آمد و در آنجا ساکن شد و محل تدریس خود را مدرسه معصومه (س) قرار داد(۱) و خود مدتها مدرس کلام و فلسفه و علوم دیگر بود. از این رو چون در قم بسیار ماندگار شده به قمی نیز مشهور است.

از مهمترین همدرسان و معاصران آن بزرگوار می توان ملا- محسن فیض کاشانی (داماد ملا- صدر) را نام برد. ملا- محمد یوسف الموتی و شیخ حسین تنکابنی نیز همدرس و معاصر ایشان بوده اند.

---

۱- - اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۴۷۰ - ریاض العلماء، ج ۳، ص ۱۱۴ - روضات الجنات، ج ۴، ص ۱۹۶.



## ویژگیهای علمی و فکری

پیوسته حکیمان صاحبنظر و متکلمان صاحب قلم از استقلال فکری برخوردار بوده اند. در این میان حکیم لاهیجی نیز گرچه فیلسوف مشایی و شاگرد میرداماد و صدر المتألهین است هیچگاه بدون تحقیق تابع آنها نبوده و در مسائل فلسفی و اعتقادی دارای بینش و طرز تفکر خاصی بوده است. از این رو در کتاب الکلمات الطیبه میان دو استادش در مورد اصالت وجود و اصالت ماهیه داوری می کند و گاهی دیگر با نقل مطالبی از شیخ الرئيس، فخر رازی، خواجه نصیر طوسی، قوشجی، تفتازانی، عضد الدین ایجی امام الحرمین، گفتار آنان را نقد و بررسی می نماید.

در تمام نوشته های حکیم لاهیجی، آگاهی عمیق وی به افکار و عقاید فلاسفه متکلمان و پیروان ملل و نحل، مذاهب و فرق اسلامی چون اشاعره، مفوضه، کیسانیه و ... به طور آشکار به چشم می خورد.

ایشان با وجود احترام فراوان به عقل و برهان در برابر کتاب و سنت تسلیم بود. حکیم لاهیجی از آنان نبود که در دریافت مسائل اعتقادی از کتاب و سنت مانند ظاهریه، حشویه و اخباریه بدون در نظر گرفتن دلایل قطعی عقلی و دلایل اجتهادی نقلی به ظواهر کتاب و سنت بسنده کند. همانان که معتقدند خداوند قابل رؤیت است و شبیه دارد چرا که فرمود: الرحمن علی العرش استوی<sup>(۱)</sup> (خدا بر عرش جا گرفته است) از سویی وی مانند صوفیه و باطنیه و جمعی از فلاسفه و عرفا نبود که کتاب و سنت را رموزی می دانند که در خور تأویل به انواع تأویلات است. آنها که آیه فانما تولو فثم وجه الله<sup>(۲)</sup>

۱- - طه / ۵.

۲- - بقره / ۱۱۵.

را به هر نوع عقیده درباره خدا تفسیر می کند. (یعنی به هر سو رو کنید خدا آنجاست).

بلکه با توجه به دلایل قطعی عقلی و نقلی به کتاب و سنت می نگریست و در صورت مخالفت آنها با براهین عقلی آنها را به گونه ای مناسب تأویل می نمود. از همین رو در بسیاری از موارد به نصوص و ظواهر آیات و روایات استدلال می کرد و با دلایل غیر قطعی از آنها دست بر نمی داشت.

آیه الله قاضی طباطبایی ژرفنگری ایشان را چنین می ستاید:

آنان که از محقق لاهیجی نامی برده اند وی را به صفت تحقیق و تدقیق ستوده اند، چنانکه در کتاب گوهر مراد از روی تحقیق سخن رانده و مثل بعضی از متکلمین که در

کتب خود نهایت درجه تعصب را روا دانسته و از راهنمایی دلیل و برهان عدول و عصیبت و تقلید تمسک به ظاهر صرف، وی را از حق بازداشته است، نبوده و بر صنفی تعصب نکرده و تقلید قومی را روا ندانسته و آنچه دلیل، وی را بر آن راهنمایی کرده قبول فرموده است. (۱)

آن بزرگوار هر چند به موجب نیاز شدید جامعه بیشتر تلاشهای قلمی اش را صرف مؤلف کتاب مسائل اعتقادی و کلامی و فلسفی نمود، در علوم عقلی نیز استاد بود. نتایج الافکار در این باره می گوید:

(ملا عبدالرزاق) در علوم عقلیه و نقلیه از عالی دستگهان ذی استعداد بوده ... (۲).

اما اینکه مؤلف ریاض العلماء در مورد ایشان می گوید: در فقه و حدیث و اصول بصیرتی نداشته (۳) هیچ درست نیست زیرا: اولاً: روش خاص مؤلف

۱- - مقدمه مجموع الرسائل و مقالات فلسفی آیت الله رفیعی، ص ۱۶، به نقل از مقدمه طبع جدید گوهر مراد، ص ۱۱.

۲- - نتایج الافکار، ص ۵۳۶ به نقل از مفاخر اسلام، ج ۷.

۳- - روضات العلماء، ج ۳، ص ۱۱۴.

ریاض العلامت که حکیمان و فیلسوفان را همه جا صوفی ناوارد به امور دینی و ادبیات عرب معرفی می کند. مثلاً درباره ملا رجبعلی تبریزی فیلسوف مشهور عهد صفوی در اصفهان) می نویسد زاهد، فاضل، حکیم، ماهر و صوفی بود اما معرفتی به علوم دینی و ادبی و عربی نداشت! در هر صورت این نسیتهای نااثواب اختصاص به ملا عبدالرزاق ندارد.

البته نباید از یک شخص حکیم و فیلسوف انتظار داشت همانطور که در حکمت و فلسفه استاد است در فقه و اصول و حدیث نیز سرآمد عصر خود باشد. و نامورانی چون میرداماد را باید شخصیتی استثنائی دانست که هم فقه نامی و هم فیلسوفی بزرگ بود. ملا عبدالرزاق خود در دیوانش می گوید:

چه شبها که در حجره خوابم نبود چه جا داشت نامم که آبم نبود

ز فقه و حدیث و اصول و کلام ز تفسیر و آداب و حکمت تمام (۱)

به علاوه حکیم لاهیجی در برهه ای از قرن یازدهم رئیس حوزه علمیه قم شناخته شد و شاگردی مانند قاضی سعید قمی تربیت کرد. که مدتها قاضی بزرگ شهر مذهبی قم بوده است و همانگونه که آیه الله خویی (ره) در مورد علامه طباطبایی فرموده: او با نوشتن تفسیر و کتابهای علمی و فلسفی مورد نیاز جامعه، خود را قربانی کرده و گرنه مرجع تقلید می شد. (۲) حکیم ما نیز با سنگرداری در این بعد اینگونه قربانی شده است. (۳)

### ویژگی های اخلاقی و اجتماعی

حکیم در برابر جامدین بی حال و صوفیه بی بند و بار، به همه

۱- - مفاخر اسلام، ج ۷، ص ۲۸ - ۲۷ با تلخیص.

۲- - سخنرانی شهید آیت الله مطهری در کتاب گفتار ماه سال سوم، ص ۴۷.

۳- - مقدمه طبع جدید گوهر مراد، آقای قربانی، ص ۳.

دستورهای شریعت مطهر عمل می کرد و از سویی از شور و حال بندگی خاص خدا بهره ای تمام داشت و از غیر او بریده بود. او برای تکامل روحی و نیل به سعادت واقعی هم از راه ظاهر بهره می گرفت و هم از راه باطن و معتقد بود که همواره شعار یاوران مخلص امامان و عالمان پاک نهاد شریعت چنین بوده است. (۱)

### عالم باعمل

حکیم لاهیجی با الهام از شریعت پاک محمدی (ص)، علم را با عمل جمع کرده و معتقد بود علمی که عمل با آن نباشد خود حجاب بزرگی است برای تباهی انسان. ملا عبدالرزاق به زیور فضایل روحانی و حلیه کمالات نفسانی آراسته و شاهد علم را به زیور علم پیراسته دل نشین و نمکین بوده. (۲)

ملا- عبدالرزاق همچون برخی گوشه نشینی و رهبانیت را اختیار نکرد بلکه برای انجام تکلیف الهی پیوسته مانند مردم و در کنار آنان بود در این باره گفته اند:

... با وجود صلاح و تزکیه باطن، مخالفت به جمیع طوایف می نموده و با کمال ذوق و شوق به صحبت جوانان ضبط حالت خود به قوت تقوا و پرهیزگاری نموده، آلوده تهمت و فساد هم نشد. (۳)

### در گفتار دیگران

میرزا محمد باقر خوانساری در کتاب روضات الجنات می گوید:

- ۱- - مقدمه طبع جدید گوهر مراد، آقای قربانی، ص ۸ - ۵ با تلخیص.
- ۲- - تذکره نصر آبادی، با تصحیح و مقابله با استاد فقید وحید دستگردی، ص ۱۵۶.
- ۳- - تذکره نصر آبادی، با تصحیح و مقابله با استاد فقید وحید دستگردی، ص ۱۵۶.

ایشان فاضلی متکلم و حکیمی متشرع و ادیبی محقق و خردمندی نکته سنج بلکه در انشا و شعر و منطق وارد بود. (۱)

در قصص الخاقانی آمده است که:

از جمله حکمای برهان آفرین افلاطون قرین، حضرت مولانا عبدالرزاق است که فی مابین حکما و علماء در دانایی طاق و در فضیلت مشهور آفاق است. جناب معظم الیه لاهیجی الاصل و در فن حکمت دانی از اجله حکمای عصر صاحب قرانی (شاه عباس دوم) است. در علم شعر نیز که شمه ای از کمالات اوست زبر دست است. از تخلص آن مرتاض در سخنوری فیاض است.... (۲)

استاد سید جلال الدین آشتیانی در باره ایشان چنین می نویسد:

یکی از اساتید بزرگ فلسفه و حکمت و کلام در دوران اخیر فیلسوف علامه و حکیم متأله آخوند ملا عبد الرزاق لاهیجی است که از اعظام تلامیذ آخوند ملا صدرا و از اجله محققان عصر خود در حکمت مشاء و اشراق و یکی از بزرگترین متکلمان در چهار قرن اخیر بلکه یکی از محقق ترین متکلمان در دوره اسلامی می باشد... در بین محققان بعد از خواجه به جز ملا صدرا و میر داماد به عقیده نگارنده نظیر ندارد ولی همانگونه که استاد ما آقای میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی فرموده است: مقامات و مراتب علمی و قدر این فیلسوف مخفی مانده است. (۳)

## راز حکیمانه

مصاحبت با پادشاهان و اهدای کتاب به آنان با توجه به شرایط زمان و

۱- - روضات الجنات، ج ۴، ص ۱۹۶.

۲- - قصص الخاقانی، ج ۲ ولی قلی بیگ شاملوی هر وی به نقل از مفاخر اسلام، ج ۷، ص ۲۳.

۳- - منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج ۱، ص ۲۷۲.

مکان چه بسا در عصری عملی ضد ارزش و در ایامی چاره پیش برد اهداف نیک باشد. زمانی که در دوره صفویه شیعیان پس از قرن‌ها در بدری و قتل و عام به حکومت رسیده بودند که می توانستند آزادانه به ترویج فرهنگ تشیع پرداخته، به آن عمل می کنند و از گزند دشمنان در امان بمانند و بر همین اساس بود که خواجه نصیر وزیر هلاکو و محقق کرکی قاضی القضاة و صدرالعلمای شام تهماسب و علامه محمد باقر مجلسی و شیخ بهائی، شیخ الاسلام سلطان حسین و شاه عباس صفوی (۱).

امام خمینی (ره) در این باره می فرماید:

می بینیم یک طائفه از علماء برای ترویج دیانت و ترویج مذهب حق متصل شده اند به سلاطین و آنها را وادار به ترویج اسلام و مذهب تشیع کرده اند اینها آخوندهای درباری نبوده اند. اینها اغراض دینی داشته اند. نباید یک کسی تا به گوشش خورد که مثلاً مجلسی محقق ثانی، شیخ بهائی - رضوان الله علیهم با اینها روابط داشتند و همراهی شان هم می کردند، خیال کنند که اینها مانده بودند برای جاه و اینکه شاه به آنها عنابتی داشته باشد. این حرفها نبوده آنها گذشت کرده اند برای اینکه این مذهب را به وسیله

آنها در محیطی که اجازه می گرفتند تا ۶ ماه دیگر حضرت امیر را سب کنند، ترویج نمایند. (۲)

### آیا آن حکیم صوفی مشرب بود؟

حکیم ملا عبد الرزاق لاهیجی به معنی واقعی عارف بود و بی بند و باری در غالب قلندری و مرشد و مریدی را سخت دشمن می داشت. شهید محراب

۱- - مقدمه طبع جدید گوهر مراد، آقای قربانی، ص ۱۳.

۲- - کوثر، ج ۱، ص ۳۰۳.

آیه الله قاضی طباطبایی (ره) در مقدمه چاپ نشده اش به کتاب گوهر مراد ضمن توضیح این مطلب می گوید: همه عالمان ربانی، عارف و صوفی صافی بوده اند ولی در زمان دولت صفویه نظر به اینکه تصوف به معنی بی بند و باری در قالب قلندری و پیری و مریدی و در یوزگی و شلختگی وضع ناهنجاری پیدا کرده بود گروهی از عالمان ظاهری هر کس را که حالت عارفانه و از غیر خدا بریدن داشت به تصوف - به این معنی - متهم می کردند چنانکه شیخ بهایی و ملا-صدرا و حکیم لاهیجی از این گونه نسبتهای ناروا در امان نماندند از آن جمله میرزا عبدالله افندی مؤلف ریاض العلماء درباره بسیاری از بزرگان چنین نسبتهایی داده و درباره حکیم لاهیجی نیز نوشته: او صوفی مشرب بود. (۱) در صورتی که او از علمای ربّانی و جامع علوم ظاهر و باطنی و از عرفای الهی است نه از صوفیه ساختگی و بازیچه اغراض شوم. آنگاه اضافه می فرماید:

غرض ما از عرفا و صوفیه آن علمای ربّانی و عرفای الهی هستند که به ریاضات شرعی و مجاهدات نفسانی از هوا و هوس نفس رسته و دل در محبت خدا بسته و سر بر آستانه متابعت طریقه محمد و آل محمد (ع) گذاشته و طریق مخالفان آنها را هشته و خداوند عالم درهای حکمت و معارف را به رویشان گشوده و قلوبشان را به نور معرفت منور کرده و دلشان را مخزن علوم الهی نموده و ایشان هم از ما سوی الله صرفنظر کرده اند و فکر و ذکرشان به غیر از خدا چیز دیگری نیست ... (۲)

۱- ریاض العلماء، ج ۳، ص ۱۱۴.

۲- مقدمه چاپ نشده به گوهر مراد به نقل از طبع جدید گوهر مراد، آقای قربانی، ص ۱۰ - ۹.

## تألیفات

ملا- عبد الرزاق لاهیجی طی عمر گرانقدر خود خدمات شایانی به فرهنگ و جامعه علمی نمود و عمر خود را احیای معارف اسلامی گذراند و به موجب نیاز حیاتی جامعه بیشتر تلاشهای قلمی خود را صرف مسائل اعتقادی و کلامی و فلسفی نمود. آثار و کتب باقیمانده از این فیلسوف گرانقدر جزو نفیستین آثار فلسفی و کلامی به شمار می رود در اینجا به آنها اشاره می کنیم:

## ۱- گوهر مراد

این کتاب جامع ترین تألیفات ایشان است که شامل عمده ترین مسائل کلام و حکمت و اخلاق و عرفان و اصول خمسه است. آیه الله رفیعی قزوینی در تجلیل از این کتاب می نویسد:

کتاب مستطاب گوهر مراد که مؤلف آن مرحوم حکیم کامل مولانا عبدالرزاق لاهیجی (ره) است کتاب مرغوب و مطبوع است و در تحقیق مسائل دینی و معارف الهیه وحید و فرید است. (۱)

آیه الله قاضی طباطبایی نیز درباره آن می نویسد:

از اشهر تألیفات محقق لاهیجی کتاب گوهر مراد است که به زبان فارسی با عبارات سلیس و دل پذیر تألیف فرموده است و از نفیستین کتبی است که به زبان فارسی در اصول دین و معارف الهیه و عقاید دینی اسلامیه نوشته شده است. (۲)

## ۲- شوراق

این کتاب که شرحی است بر تجرید الاعتقاد خواجه نصیر الدین طوسی

۱- مقدمه مجموع رسائل و مقالات فلسفی آیت الله رفیعی، ص ۱۷ به نقل از مقدمه طبع جدید گوهر مراد، آقای قربانی، ص ۱۱.

۲- مقدمه مجموع رسائل و مقالات فلسفی آیت الله رفیعی، ص ۱۷ به نقل از مقدمه طبع جدید گوهر مراد، آقای قربانی، ص ۱۱.



نزد علاقه مندان فلسفه شهرتی به سزا دارد و مانند گوهر مراد و شوارق از جمله تصانیف محققانه اوست. (۱)

آیه الله جوادی آملی در مورد جایگاه این کتاب می گوید:

صاحب شوارق تقریباً مهمترین کتاب کلامی شیعه را تألیف کرد. (۲)

۳- سرمایه ایمان

گزیده ای از گوهر مراد و حاوی تمام ابواب اعتقادات است.

۴- حاشیه بر شرح اشارات

متن آن تألیف ابن سینا و شرح آن از خواجه نصیر طوسی است استاد سید جلال الدین آشتیانی این تألیف را حاکی از عظمت مقام علمی مؤلف آن می داند.

۵- حواشی بر تعلیقات حکیم خفری بر الهیات شرح تجرید.

۶- الکلمات الطّیبه.

در داوری میان میر داماد و ملا صدرا نسبت به موضوع اصالت ماهیت و وجود.

۷- رساله فی حدوث العالم.

۸- حاشیه جواهر و اعراض شرح تجرید قوشجی.

۹- حاشیه بر حاشیه ملا عبدالله یزدی بر تهذیب منطق.

۱۰- مشارق الالهام فی شرح تجرید الکلام

۱۱- دیوان شعر، حاوی دوازده هزار بیت.

---

۱- - ریاض العارفین، چاپ آفتاب تهران، ص ۳۹۱.

۲- - کلام جدید در گذر اندیشه ها، ص ۲۲.

## شاگردان

از جمله شاگردان فاضلی که وی تربیت کرد یکی فرزند بزرگش آقا میرزا حسن (مؤلف کتاب جمال الصالحین و حکیم قاضی سعید قمی است).<sup>(۱)</sup>

علامه تهرانی در مورد شاگردان آن بزرگوار می گوید:

پسرش ملا حسن مؤلف کتاب شمع الیقین و پسر دیگرش ملا محمد باقر از شاگردان پدر، مؤلف ترجمه بصائر است که آن را در سال ۱۰۸۳ در شاه جهان آباد (دهلی) نوشته و دیگر از شاگردان او قاضی سعید قمی است.<sup>(۲)</sup> به یقین ایشان شاگردان دیگری نیز تربیت کرده که نامشان در تراجم ذکر نشده است.

## فرزندان

فرزندان آن بزرگوار را سه تن ذکر کرده اند که برقرار ذیل می باشد:

۱- میرزا حسن لاهیجی. گویا فرزند بزرگش بوده و وارث مکتب پدر و جانشین وی در تدریس علوم عقلی و چه بسا عهده دار تولیت مدرسه آستانه قم بوده است.

۲- ملا محمد باقر.

۳- میرزا ابراهیم. که برخی او را مؤلف کتاب القواعد الحکمیة و الکلامیة می دانند.<sup>(۳)</sup>

---

۱- ریاض العلماء، ج ۳، ص ۱۱۴ - روضات الجنات، ج ۴، ص ۱۹۷.

۲- الروضه النضره. ص ۳۱۸ - ۳۱۹ به نقل از مفاخر اسلام، ج ۷، ص ۳۰.

۳- مفاخر اسلام، ج ۷، ص ۳۵.

## وفات

سال وفات ایشان به طور دقیق معلوم نیست. برخی چون مؤلف روضات الجنات (۱) و اعیان الشیعه (۲) تاریخ وفات ایشان را سال ۱۰۵۱ (یک سال بعد از وفات استادش ملا صدرا) می دانند و برخی دیگر مثل استاد علامه تهرانی در اعلام الشیعه (۳) و مؤلف ریحانه الادب (۴) وفات وی را سال ۱۰۷۲ یاد کرده اند اما با در نظر گرفتن تاریخ به حکومت رسیدن شاه عباس دوم (۱۰۵۲ - ۱۰۷۷ هجری) و این که کتاب گوهر مراد به او اهدا شده ضعف نظر اول روشن می شود و تاریخ دومی تأیید می شود. چون بر طبق تاریخ نخست شاه عباس یک سال بعد از مرگ ملا عبد الرزاق به سلطنت رسید و اهداء کتاب به عنوان سلطان به او ممکن نخواهد بود. (۵) از سوی دیگر وی گوهر مراد را در سال ۱۰۵۸ تلخیص کرد و آن را سرمایه ایمان نام گذاشت (۶) و طبعاً این کار با فوت او در سال ۱۰۵۱ سازگار نخواهد بود. پس صحیحتر این است که وی در سال ۱۰۷۲ (در قم) وفات کرده باشد.

## مدفن

بعد از رحلت آن بزرگمند جنازه اش در قبرستان بزرگ شیخان دفن گردید. (۷)

در مقدمه طبع جدید گوهر مراد چنین آمده که: حدود پنجاه سال قبل هنگامی که آن قسمت قبرستان در مسیر خیابان قرار گرفت بقایای جنازه را به صحن بزرگ حضرت معصومه (س) منتقل و جلوی حجره ای که اکنون شهید دکتر مفتاح در

۱- - روضات الجنات، ج ۴، ص ۱۹۶.

۲- - اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۴۷۱.

۳- - اعلام الشیعه، به نقل از مفاخر اسلام، ج ۷، ص ۲۱.

۴- - ریحانه الادب، ج ۴، ص ۳۶۳.

۵- - ریحانه الادب، ج ۴، ص ۳۶۳.

۶- - همان - الذریعه، ج ۱۸، ص ۲۵۰.

۷- - ریحانه الادب، ج ۴، ص ۳۶۳.

آن مدفون است - ده قدم به سوی داخل صحن حرم - دفن کردند. البته قبلا - بر سر قبرش سنگی نصب بود ولی اکنون که سنگهای قبور را در پی یکسان سازی صحن از بین برده اند هیچ آثاری از آن باقی نمی باشد و آن قبری که کنار خیابان ارم نزدیک اول چهارمردان قرار دارد و سنگی نیز روی آن نصب شده است مربوط به فرزندش میرزا حسن (مؤلف شمع الیقین) می باشد. (۱)

...

---

۱- مقدمه طبع جدید گوهر مراد، آقای قربانی، ص ۵ - ۴.



## آیه الله سید عباس مهري (آیت اخلاص) / سید مصطفی علامه مهري

### ولادت

آیه الله مهري در سال ۱۳۳۳ هجری قمری در شهر مَهر واقع در جنوب استان فارس، در خانواده ای روحانی از سلاله رسول الله (ص) قدم به عرصه وجود گذاشت. او را عباس نامیدند شاید تقدیر الهی چنین بود زیرا که او در همان اوان کودکی روحیه ظلم ستیزی در نهادش نهفته بود و بعدها خود الگویی برای مبارزان طریق حقیقت و مراد پویندگان راه رفع ظلم و ستم شد.

### دوران کودکی

هنوز دوازده سال از عمر مبارکش نگذشته بود که سایه پر مهر پدر از او گرفته شد و برای همیشه از پدر محروم گردید. پس از آن تحت تکفل برادر ارجمندش عالم عاضل حاج سید هاشم مهري قرار گرفت و براستی چون

پدری مهربان و دلسوز به تعلیم و تربیت او پرداخت با اینکه سالهای سخت تنگدستی را می گذارندند. هرگز نگذاشتت برادر عزیزش احساس فقر سختی کند. از همین ور بود که ایشان همیشه از برادرش به خیر و خوبی یاد می کرد و می گفت: من نمی توانم آن همه محبت و مهربانی را پاسخگو باشم. (۱)

### نسب شریف

نام مبارکش سید عباس حسینی و مشهور به مَهری فرزند سید حسن حسینی از سادات بزرگ و معروف مهر موسوم به سید هاشمی (منسوب به جد اعلای ایشان مرحوم سید هاشم) است. و از طریق مادر نسب وی به محدث و مفسر عالیقدر، علامه سید هاشم بحرانی (مؤلف تفسیر برهان) می رسد. نام مادر دانشمندش خدیجه، دختر سید حسن علامه مَهری از سادات جلیل القدر مهر و از نوادگان علامه بزرگوار بحرانی می باشد. (۲)

### یادکردی از مهر

مهر از شهرهای مرکزی و جنوبی استان فارس و دارای تاریخی عمیق و درخشان است. تاریخ مهر همواره با نام دانشمندان و سادات و الامقام آن دیار گره خورده است. این شهر با همه کوچکی آن زادگاه بسیاری از علما، نویسندگان، و صاحب منصبان سیاسی و اجتماعی بوده و هست.

این شهر علاوه بر موقعیت علمی که همچون گوهر تابناک می درخشیده، به لحاظ حضور مبارک سادات که جمعیت غالب شهر را تشکیل می داده اند و

۱- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان سید محمد جواد مَهری.

۲- برای آشنایی بیشتر با حیات علامه بحرانی به کتابهای زیر مراجعه فرمایید: علامه بحرینی، سید محمد براتی، العلامة السید هاشم البحرانی، فارسی تبریزیان، علامه بحرانی آینه ابرار، تألیف نگارنده.

نیز به داشتن مردمی خوب دارای موقعیت اجتماعی ویژه ای در منطقه بوده است که ملجأ مهاجران زیادی شده که به این شهر پناهنده گردیده اند.

اجداد آیه الله مهري از نخستين گروه سادات اين ناحيه هستند که از منطقه احصاء به این محل هجرت نموده اند. (۱)

### نوشی از جام نور

ایشان پس از گذراندن دوره مقدمات در زادگاهش مهر برای تحصیل علوم و معارف دینی و استفاده از انوار قدسی بارگاه ملکوتی جد بزرگوارش با مشقتی فراوان و عشقی زایدالوصف راهی نجف اشرف گردید با جدیت به کسب معارف مشغول گردید، به گونه ای که خود می گوید: به قدری درسهایم فشرده بود که بعضی از روزها سه درس می گرفتم و دو درس می دادم و سه درس

---

۱- - برای آشنایی بیشتر با این شهر و عالمان آن می تونید به کتاب سیمای مهر تألیف نگارنده مراجعه نمایید.



را نیز به مباحثه می گذراندم، غذایم معمولاً نان و ماست و هندوانه بود. (۱)

وی با آنکه مدت زیادی نتوانست در نجف اشرف بماند و به درخواست جمعی از مؤمنان برای امر تبلیغ به کویت عظیمت کرد منتهی در همین مدت کم توانست با جدیت تمام مدارج علمی را پشت سر بگذارد و از محضر اساتید بزرگواری همچون آیه الله سید محمود شاهرودی (ره) و آیه الله سید باقر محلاتی (ره) و آیه الله سید محمد تقی بحرالعلوم (ره) بهره کافی ببرد. (۲)

### هجرت به کویت

در نجف اشرف، پس از چند سال بحث و درس فشرده، مردم مسلمان کویت با اصرار و تقاضای فراوان از برخی عالمان آن زمان از ایشان می خواهند که برای راهنمایی و ارشاد آنها به کویت بروند. (۳)

آقای مهري در آغاز راضی نمی شود، زیرا می خواسته است درس خود را ادامه دهد ولی، به درخواست بیش تر از حد مردم و اصرار برخی از علماء ناچار به آن دیار مهاجرت می نماید. او در این باره می گوید: وقتی به کویت آمدم مردم حتی نمی توانستند درست وضو یا تیمم بگیرند و از مسائل معمول شرعی خود بی خبر بودند. (۴) استاد عالیقدر حضرت آیه الله وحید خراسانی که بهترین گواه بر زحمات و فعالیت‌های آقای مهري می باشد چنین تعبیر آورده اند: مرحوم آقای مهري احیای موات کردند. (۵)

### فعالیت‌های علمی و اجتماعی در کویت

در کویت ضمن هدایت و ارشاد و پرداختن به مسائل شرعی و حل

۱- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان.

۲- خلاصه زندگی نامه آیت الله مهري، ص ۲.

۳- شایان ذکر است که در آن زمان هنوز نفت در کویت کشف نشده بود و مردم با سادگی، زندگی متواضعانه ای می گذراندند.

۴- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان.

۵- کنایه از اینکه کویت مانند یک زمین مرده ای بود که وی با زحمات خویش آن را زنده و آباد کرد.

مشکلات اجتماعی مردم، به مباحثه کتابهای علمی با برخی از علما ادامه می دهد و هر چند یکبار که به نجف اشرف مشرف می شود در آنجا برای همان چند روز نیز دست از درس و بحث نمی کشد.

آن بزرگوار افزون بر انجام تکلیف نسبت به اسلام و مسلمین که - به بهترین وجه ادا می شد- به تدریس علوم دینی می پرداخت و از همه اقشار مردم می خواست که اوقات فراغت خود را به درس و بحث بپردازد و عمر خود را بیهوده صرف نکنند و خود مجالس درس را اداره می کرد. همه شب پس از اداء نماز جماعت در مسجد شعبان - که اکنون به صورت بارزترین پایگاه انقلاب اسلامی در کویت در آمده است- به منبر می رفت و پس از گفتن چند مسئله، به موعظه می پرداخت و مشکلات اجتماعی مردم را گوش زد می نمود و هر چند برای مردم آن زمان، باور کردنی نبود که فردی روحانی پیرامون مسائل سیاسی با مردم سخن گوید، او از گفتن آنها باکی نداشت و اوضاع جهان اسلام را تا آنجا که برایش ممکن بود بیان می کرد و مردم را از خطر استعمار و استعمار زدگی بر حذر می داشت. (۱)

گفتار امام راحل (ره) خطاب به آن بزرگوار تا اندکی از این امر پرده بر میدارد. ایشان در ضمن نامه به آیه الله مهتری می نویسد: مساعی جمیله جنابعالی در ترویج شریعت مقدس اسلام در آن حدود مورد کمال، تقدیر و تشکر و امید است ان شاء الله مورد توجه خاصه حضرت ولی عصر- عجل الله تعالی فرجه الشریف- واقع گردیده و مأجور باشید. دوام توفیقات آن جناب را در اعلاء کلمه طیبه اسلام از خدای متعال خواستارم. (۲)

---

۱- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان.

## مبارزات سیاسی

آنچه بیشتر از هر خصوصیت دیگر، آیه الله مهتری را ممتاز کرده بود، روح ظلم ستیزی و مبارزه همیشگی او بر ضد ستم در شکلهای گوناگونش بوده در این باره می فرمود: هنوز بالغ نبودم و عمرم از سیزده سال تجاوز نکرده بود ولی نسبت به شاه احساس دیگری - جدای از مردم آن زمان - داشتند. من او را ظالم و غاصب حق می دانستم و از اینکه برخی از روحانیون از او تجلیل می کردند سخت منزجر می شدم.

من معتقد بودم باید قدرت در دست مرجع تقلید باشد و اگر کسی را او تعیین کند واجب الاطاعه است و الا فلا. (۱)

ناگفته نماند که همواره ظلم ستیزی وی مشکلات زیادی برایش به وجود می آورد. خود در این باره طی مصاحبه ای می گوید بنده قبل از اینکه به نجف بروم و سپس در کویت اقامت گزینم در ایران حبس رفتم، شکنجه شدم، پای برهنه مرا در پشت اسبها می دواندند و برادرم نیز در این مصائب با من شریک بود. ما هرگز ساکت نبوده ایم و فکر کردیم وقتی به کویت می رویم آقایان مراجع پشتیبان ما خواهند بود و با حمایت آنان بنده می توانم علیه ظلم مبارزه کنم. ولی هیچ کس در آن زمان حاضر نشد علیه ظلم حرفی بزند تا اینکه آقای خمینی (ره)، این بزرگوار سر بلند کرده و از ابتدایی که امام شروع به مبارزه علیه ظلم نمود امیدی خاص در من ظاهر شد، زیرا یک راهنما و پیشوا پیدا شده بود، پس

می توانستیم به احکام و نظریات این بزرگوار عمل کنیم. (۲)

در راه مبارزه مستمر و بی امان با دستگاه طاغوت در آغاز نهضت حرکت

۱- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان.

۲- روزنامه ابرار ۱۳۶۶/۳/۳۱.

همه جانبه را علیه دستگاه ظلم پهلوی شروع کرد و با برپایی مجالس سخنرانی به مناسبت‌های گوناگون و با ارسال تلگراف و نامه به محضر علماء و مراجع و با اجتماع با شخصیت‌های گوناگون مذهبی و سیاسی و با پخش اعلامیه‌ها و پیام‌ها و نوارهای حضرت امام و دیگر بزرگان، لحظه‌ای از قیام و فعالیت باز نایستاده و در مقابل، سفارت ایران در کویت، فعالیت گسترده‌ای علیه او شروع کرد و مردم را با تهدید و تخویف و تطمیع و با پخش شایعه‌های گوناگون وادار به دوری جستن از او و مسجد و مجلسش می‌نمود، از سوی دیگر کمتر روزی بود که تلفن‌های تهدیدآمیز و اینکه اگر ساکت نشوی تو را می‌کشیم و در امشب پس از نماز در وسط سخنرانی تو را ترور می‌کنیم و خانه‌ات را آتش می‌زنیم و بچه‌هایت را از بین می‌بریم و ... به او زده نمی‌شد، ولی او همچنان پابرجا و استوار و بی‌اعتنا به آن همه تهدیدات، پیش می‌رفت و وظیفه خود را قاطعانه دنبال می‌کرد و هرگز اهمیت نمی‌داد که روزانه از عدد نماز گزاران مسجد یا ملاقات کنندگانش در منزل - بر اثر تهدیدهای دشمنان - کاسته می‌شود. (۱)

### در خواست قیام علیه طاغوت

فرزند با اخلاص سرزمین مهر - همانگونه که اشاره شد- همواره با ارسال نامه و تلگراف از علماء و مراجع دعوت به مبارزه علیه طاغوت و پشتیبانی از حرکت امام می‌کرد، منتهی هیچ وقت منتظر پاسخ آقایان نمی‌نشست و فقط به وظیفه عمل می‌کرد.

در آغاز نهضت تلگراف شدید لحنی به مراجع وقت در نجف اشرف و قم مخابره کرد و آنان را به قیام دعوت نمود. در آن تلگراف چنین آمده است: مصیبت‌هایی که این روزها بر سر مسلمین در ایران فرود می‌آید دل هر آزاده‌ای را آزرده ساخته است و سکوت شما در برابر این فجایع، بر این درد افزوده است ما منتظر اقدام سریع شما برای تسکین دردها و جلب رضایت حضرت ولی عصر (عج) می‌باشیم.

سه نفر از مراجع وقت نجف آیه الله حکیم رحمه الله، آیه الله شاهرودی رحمه الله و آیه الله خویی رحمه الله پاسخ‌هایی دادند و ایشان دستور داد همان پاسخ‌ها را تکثیر و در دسترس عموم مردم قرار دادند و به همین پاسخ برای تأیید نهضت اکتفا می‌کرد و می‌فرمود! ما در حد توانمان به قیام دست زدیم. ما مردم را هدایت می‌کردیم تا کمک به ظلم و جور نکنند و با اشخاصی که علیه دین اسلام قدم بر می‌داشتند، هم قدم نشوند. در آن زمان حضرت امام به همه نماینده‌هایش دستور داده بودند که به این گونه مسائل توجه گردد و بنده یکی از نمایندگان ایشان بودم که به این امر عمل نمودم. حتی از دیگران نیز درخواست دعوت کردم تا همزمان با ما، در دیگر بلاد اسلامی، جلوی ظلم ظالمین را بگیرند و در این خصوص بعضی از آقایان متأسفانه با بنده هم زبان نشدند و بعضی‌ها نیز بنده را سرزنش و توبیخ می‌نمودند که چرا علیه حکومت شاه به پا خواسته‌ام. و بنده

تمام جوانب را تحمل نمودم. و به اعمال و رفتار آن آقایان نیز اعتنا نکردم و مطالبان را هرچه بود بر زبان آوردم ...

## تلگرام آتشین

به جرأت می توان گفت که اولین مرید و مؤید امام از علماء خارج از کشور آقای مهري بود. و اولین حرکتش تلگرام تند و آتشی در سال ۱۳۴۲ هجری شمسی پس از سخنرانی سرنوشت ساز امام به شخص محمد رضای خائن بود. و به این ترتیب او لب به سخنی گشود که می بایست در نهایت گفته می شد (زیرا که انقلاب اسلامی سخن آخرش را اول می گوید) (۱) و پس از این تلگرام، از ورود ایشان به ایران جلوگیری شد تا اینکه انقلاب اسلامی به پیروزی رسید.

## کانون اندیشه ها

منزل آیه الله مهري در دوران نهضت همواره کانون اندیشه های انقلابیون و مبارزان مسلمان به ویژه روحانیون بود که در آنجا جلسات زیادی پیرامون شیوه های مبارزه از سوی مبارزانی همچون شهید آیه الله سعیدی، آیه الله خزعلی و شهید حجه الاسلام محمد منتظری و سایر عزیزان پیرو امام از ابتدا شروع نهضت تا پیروزی انقلاب برپا می شد و برای پیش برد نهضت در داخل و خارج کشور، تبادل نظر صورت می گرفت و آن بزرگوار واسطه ای بین حضرت امام در نجف اشرف و پیروان و ادامه دهندگان راهشان در ایران، اروپا، آمریکا و سایر کشورها بود.

او در این راه تنها از مال دنیا و جان خود و فرزندانش مایه می گذاشت که از عزت و آبروی خویش نیز می گذشت و در راه مرادش از هیچ کوششی فروگذاری نمی کرد به گونه ای که منزل ایشان خانه دوم امام شده بود و انقلابیون

به طور دایم در آن خانه به نشر انقلاب اسلامی و فرامین امام، می پرداختند، به طور مثال همه کتابهای امام و اعلامیه ها و فتاوی ایشان در کویت با همت و نظارت مستقیم ایشان چاپ و نشر و به طور رایگان در اختیار مردم مسلمان مخصوصا ملت ایران قرار می گرفت. (۱)

### یک خاطره

روزی یکی از مراجع می خواست به کویت بیاید تا از آنجا به مکه مشرف شود. چون در اتاق پذیرایی آقا فقط عکس حضرت امام بود، به او عرض کردیم یا موقتا این عکس را برداریم یا اجازه دهید چند روزی عکس آن آقا را نیز در این جا نصب کنیم! ایشان با ناراحتی پاسخ داد مگر من عکس پرست هستم یا با عکس می خواهم خودشیرینی کنم؟ عکس امام برای من یک شعار است. من با نصب کردن این عکس، راه و روش خود را به مردم نشان می دهم، و می خواهم از راه امام تبلیغ کنم و گرنه خوب بود عکس دهها مرجع تقلید، که طی چندین سال همه با من ارتباط داشته اند و بدون درخواست من، مرا نماینده خویش در کویت قرار داده بودند، بر در و دیوار بیرونی من نصب شده باشد! (۲)

### عشق مرید به مراد

آیه الله مهری با تمام اخلاص عاشق امام خیمینی بود. از روزی که توسط آیه الله ابوالقاسم خز علی و شهید آیه الله سید محمد رضا سعیدی با امام آشنا گشته و به هنگام سفر به ایران در قم به جلسه ای در درس ایشان مشرف شده

۱- با استفاده از خلاصه زندگی نامه آیت الله مهری، ص ۳ و ۴.

۲- از خاطرات فرزند ارجمندشان سید محمد جواد مهری.

بود(۱) تا واپسین دم حیات دست از امام و راه او برنداشت. علاقه او به امام برای کسب شهرت و مقام نبود بلکه امام را واجد جمیع شرایط دیده و مرید او شده بود. هر وقت از او درخواست می کردم عکس از او با امام برای یادگاری بگیرم ممانعت می کرد و می گفت: من نیاز به عکس ندارم، من اگر با خمینی از روز اول پیمان بسته ام برای خدا بوده است نه برای کسب شخصیت.(۲) آری، او به خوبی از عهده این پیمان بر آمد و همه هستی اش را فدای امام کرد ولی دست از او برنداشت.

### مرید و مراد

همانگونه که مهری امام را خوب درک کرده و به او عشق می ورزید امام نیز در مقابل به او محبت و علاقه خاصی داشت. وقتی که امام از عراق به طرف کویت هجرت کرده و با همراهان قصد منزل ایشان را داشت، خفاشان زمان به محض شناخت امام وحشت زده از ورود امام به کویت ممانعت کردند، آقای مهری می خواست با رئیس آنها صحبت کند تا شاید در قلب سخت آنها اثری کند، امام فرمود: ابد! حیف نیست وجه خود را پیش این ناکس بفروشی؟! ما بر می گردیم، ما با خدا هستیم.(۳)

امام که ناراحتی آقای مهری را می دانست بعد از برگشت به عراق و هجرت به فرانسه به محض رسیدن به آقای فردوسی پور امر کرده بود که: به فلانی تلفن بکنید که او خیلی ناراحت است.(۴) ایشان هم امتثال امر کرده و برای رفع ناراحتی ایشان به کویت تلفن زده بودند. آری، امام نیز مرید خود

۱- - سرگذشت‌های ویژه از زندگی حضرت امام، ج ۶، ص ۱۵۷ و ۱۵۸.

۲- - با استفاده از یادداشت‌های فرزند ارجمندشان.

۳- - سرگذشت‌های ویژه از زندگی حضرت امام، ج ۶، ص ۱۶۴ و ۱۶۵.

۴- - سرگذشت‌های ویژه از زندگی حضرت امام، ج ۶، ص ۱۶۴ و ۱۶۵.



را خوب شناخته بود.

### انتصاب به امامت جمعه

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و به بار نشستن آرزوی دیرینه امام و یاران باوفایش برای ارتقاء رشد فکری جامعه اسلامی و بیداری هرچه بیشتر مسلمانان جهان و صدور انقلاب و جامه عمل پوشاندن و به یکی از آرزوهای شیعیان کویت یعنی برپایی نماز دشمن شکن عبادی، سیاسی جمعه حضرت امام - رضوان الله تعالی علیه - حضرت آیه الله مهتری را طی حکمی در مورخ ۲/۷/۵۸ به امامت جمعه در کشور کویت منصوب نمودند (۱) ولیکن با تبعید ایشان از طرف حکام کویت همراه با تمامی اعضای خانواده به ایران اسلامی نماز جمعه در این کشور برگزار نگردید.

### تبعید به ایران

با پیروزی انقلاب اسلامی و به ثمر رسیدن زحمات چندین ساله امام و یارانش آیه الله مهتری نه تنها از حرکت نایستاد بلکه برای استحکام بخشیدن به پایه های حکومت اسلامی بر شدت تلاشهایش افزود. و او سربلند و مفتخر از اینکه توانسته است، در راه حاکمیت الله قدمهایی بردارد سر از پا نشناخته، لذا تمام وقت خود را صرف سامان بخشیدن به مسائل انقلاب و پاکسازی محیط جامعه اسلامی از تفاله های طاغوت نمود که از آن جمله پاکسازی سفارت ایران در کویت می باشد و باز به این حد بسنده ننمود و فعالیتهای زیادی متکفل شد،

تا آنجایی که شیخ دست نشانده کویت به الهام از اربابان انگلیسی و آمریکایی اش تاب تحمل وجود او را ننمود و بر خلاف تمام موازین و مقررات بین المللی تابعیت مسلم درجه یک وی را از اعتبار ساقط و بی درنگ وی و تمام اعضاء خانواده اش را از خانه و کاشانه خود اخراج و به ایران تبعید نمود. (۱)

### مبارزه بزرگ

آن بزرگوار نه تنها با طاغوتهای خارجی مبارزه ای بی امان داشت ولی بیش از هر چیز با طاغوت نفس مبارزه می کرد و برای کوبیدن طاغوت سرکش نفس آنقدر نسبت به مؤمنین تواضع و محبت ورزید که در کمتر

کس چنین روحیه ای می توان یافت. او نه تنها خود را از همه علماء و خدمتگزاران دین کوچک تر می دانست که در برابر مردم عادی نیز متواضع بود. هر کس بر او وارد می شد، حتی اگر نوجوان کم سن و سالی بود، تمام قد از جا برمی خواست و به او احترام می گذاشت و احوالپرسی می کرد.

یکی از روزهای بیماری، سائلی وارد شد، ما اعتنایی چندانی نکردیم ولی او با آن حال بد، از جا برخاست و مانند دیگران احترام کرد. پس از رفتن با ناراحتی به او عرض کردم: شما با این کار خودتان را اذیت می کنید. تازه او کسی نبود که برایش تا این حد احترام قائل شوید!

با نگرانی به من پاسخ داد: تو از کجا علم داری که مقام من نزد خدا، از او بالاتر باشد؟!

او در تواضع و تجلیل از مؤمنان به قدری افراط می کرد که ما ناراحت می شدیم و گاهی به او اعتراض می کردیم. در پاسخ می گفت: من هنوز نتوانسته ام به این فراز از آیه

... اذله علی المؤمنین (۱) عمل کرده باشیم. (۲)

آقا با رفتار خود به اطرافیان درس می داد که مؤمن واقعی به همان مقدار که در برابر دشمنان خدا و ظالمان ستمگر، با خشونت رفتار می کند و حاضر نیست کوچکترین نرمش از خود نشان بدهد، در برابر یاران خدا و مؤمنان متواضع و فروتن است اشداء علی الکفار رحماء بینهم (۳).

### برخی از ویژگی های اخلاقی

همیشه با وضو بود، به مستحبات با دقت عمل می کرد و از مکروهات

۱- - مائده / آیه ۵۴.

۲- - با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان.

۳- - فتح / آیه ۲۹.

مانند حرامها گریزان بود. نماز با طمأنینه کامل و مستحبات و تعقیبات انجام می داد و مقید بود که هرگز نوافل را ترک نکند. دو ساعت قبل از طلوع فجر از خواب بیدار و مشغول نماز شب و تهجد و دعا خواندن و استغفار می شد، و هیچ گاه نماز شبش ترک نمی شد. شبها قبل از خواب درست در همان لحظه ای که همه اهل منزل به خواب رفته بودند، زیر آسمان می رفت و دستها را به آسمان بلند می کرد و با گریه و زاری، استغفار می نمود.

هرگز سؤال کننده را محروم نمی کرد، حتی اگر به مقداری غذا یا لباس باشد. اگر روزی لباس نو یا عمامه نویی می پوشید و کسی از آن لباس تعریف می کرد، فوری آن را به او می بخشید و خودش به لباس کهنه اکتفا می کرد. گاهی که همسرشان به ایشان اعتراض می کرد که چرا نمی توانی لباس نو را لااقل برای چند ماه نگهداری، بالبخند می گفت:

مگر آن لباسها چه عیبی دارد؟

با اینکه خود سید بود نسبت به سادات احترام شدید و تجلیل کامل می نمود.

بسیار مهمان نواز بود و حتی اگر بعضی روزها مهمان نداشت یک نفر از مسجیدیان را با خود می آورد تا بی مهمان غذا بخورد.

علاقه عجیبی به اهل بیت (ع) داشت. هرگاه نام مبارک امام حسین (ع) را می شنید بی اختیار اشکش جاری می شد و روزهای عاشورا مانند کسی که تازه پدرش را از دست داده، با صدای بلند گریه می کرد تا جایی که بی حال می شد از این رو همه ساله دو ماه محرم و صفر و هر شب دوشنبه جلسه روضه و عزاداری برگزار می شد و بعد از اینکه به ایران تبعید شدند در

طول نه سال زندگی در ایران صبحهای جمعه همان مجلس، با شکوه تمام برگزار می شد. و در مراسم مولودی یا اعیاد اسلامی ضمن برقراری مجالس جشن و سرور، با شیرینی و شربت و گاهی هم با پول از حاضرین پذیرایی می کرد.

کارهای منزل را تا حد توان خودش انجام میداد حتی بعضی از کارهای بنایی خانه. و با این کارش به فرزندانش می فهماند که نباید در همه کارها به دیگران متکی بود.

از اسراف و زیاده روی خیلی متنفر بود و اگر می دید چراغی بدون سبب در اطاقی روشن مانده است با عصبانیت بازخواست می کرد و این کار را نکوهش می نمود.

با اینکه انواع کاغذ و دفترها در منزل یافت می شد از یک کاغذ پاره هم استفاده می کرد و کمتر روزی بود که در مذمت اسراف با افراد خانواده سخن نگوید.

از افراد سخن چین بیش از همه کس متنفر بود. و کمتر سخنرانی ای داشت که در آن، نام را نکوهش نکند.

در روحیه اش ذره ای خود خواهی یافت نمی شد و برای اینکه با این روحیه مبارزه کند ریاضتهای عجیبی داشت گاهی در گاری سه چرخ سوار می شد و به مسجد می رفت. محال بود هر کسی بگذرد و به او سلام نکند، حتی اگر بچه خردسالی بود در مجلسی که وارد می شد هر جا که خالی بود می نشست و هیچ گاه مقید نبود که در صدر مجلس یا اطراف آن بنشیند، اگر در

بحث با بعضی از روحانیون، احساس می کرد طرف از ادامه بحث یا پاسخ به سؤال در مانده شده است، خود بحث را عوض می کرد و نمی گذاشت حاضران متوجه ضعف طرف مقابل شوند.

همیشه در کارهای اساسی با دیگران مشورت می کرد و برای اینکه به فرزندانش احترام بگذارد چه در جمع و چه خصوصی با آنها به مشورت می پرداخت و اگر رأی آنها مورد قبول قرار نمی گرفت با استدلال آنها را قانع می نمود.

همیشه در پی استدلال و برهان بود لذا به فرزندانش توصیه می فرمود: شما فکر نکنید که چون پدر و مادرتان شیعه اند، باید شیعه باشید. بروید کتاب بخوانید و خودتان با دلیل و برهان، حق را دریابید ...

به مظاهر اسلامی خیلی اهمیت می داد، حتی در لباس، مسکن و غذا مسائل اسلامی را مراعات می نمود.

### فعالیت‌های اجتماعی

ایشان در امر بازسازی و تجدید بنای مدارس علمیه از جمله مدرسه قزوینی و مدرسه بخارایی در نجف اشرف سعی و تلاش فراوان کرد.

برای شیعیان ساکن در منطقه خلیج فارس (از جمله کویت، بحرین، قطر و امارات عربی متحده) مساجدی را تأسیس کرد و تأسیس و تعمیر مساجد زیادی در گوشه و کنار ایران

اسلامی را بر عهده گرفت.

در کویت اولین مدرسه دخترانه به نام مدرسه جعفری برای دوران

ابتدایی تا دبیرستان به همت عالی او تأسیس شد.

جذب مبلغان از حوزه های علمیه نجف اشرف و قم و مشهد برای تبلیغ در مناطق کویت و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس از دیگر تلاشهای آیت اخلاص آیه الله مهری بود که این امر تا قبل از رحلت ایشان ادامه داشت.

چاپ و نشر و ترجمه کتب امام و غیر آن در سطح بسیار وسیع و توزیع رایگان در میان مردم.

تشکیل جلسات شورای فقهی و سیاسی با روحانیان مقیم کویت به منظور حل معضلات و مشکلات، از فعالیتهای ارزشمند او محسوب می شود.

بسیج عده ای از اهالی منطقه فارس و شهرستان لامرد<sup>(۱)</sup>، برای توزیع مواد غذایی مورد نیاز مردم در زمان قحطی پس از جنگ جهانی دوم.

تأسیس و راه اندازی اولین درمانگاه در شهرستان لامرد.

تأسیس بیمارستان و زایشگاه مجهز و گسترده در شهر مهر.

رهبری مدبرانه نهضت اسلامی ملت کویت پس از اخراج از کویت و حمایت حرکت‌های اسلامی و انقلابی جوانان مسلمان.

کمک‌های مستمر به مراکز مذهبی، فرهنگی (مدارس، مساجد، حسینیه ها) در قم و سایر نقاط.

بازسازی مراکز خدماتی (آب انبارها و راهها و ...) مناطقی از ایران.

تأسیس بنیاد معارف اسلامی قم به منظور تحقیق و تدوین تاریخ جامعی برای تشیع از آغاز تاکنون، که این یکی از ارزنده ترین آثار جاودانه آن

---

۱- از شهرهای جنوبی استان فارس می باشد.

بزرگمرد است.

### سفر به کوی دوست

سر انجام پس از عمری کوشش، مبارزه و تلاش همه جانبه، و نیل به اهداف عالیش که رفع ظلم ستم شاهی و استقرار نظام عدل الهی بود در جوار مشوق واقعی اش که همه دوران زندگی را بر آستانش چهره ساییده بود آرمید، آیه الله حاج سید عباس مهری پس از ۷۵ سال زندگی پرخیز در تاریخ ۱۳۶۶/۱۱/۲۶ هجری شمسی، در تهران، ستاره درخشان وجودش از آسمان علم و فضیلت برخاک فروغلتید و در جوار حضرت فاطمه معصومه (س) در خاک نماند. و تمام خویشان و دوستان و ارادتمندان را به سوگ نشاند. (۱)

### در سنگر علم

مرحوم آیه الله مهری با همه اشتغالات سیاسی و اجتماعی در بیان معارف اسلامی و دفاع از کیان اسلام و تشیع نیز غافل نماند و در این زمینه آثاری به یاد ماندنی از خویش

به جای گذاشت که برخی از آن آثار چاپ شده بدین قرار است:

#### ۱- شعاع من التاريخ

این کتاب ارزشمند در پاسخ به هتاک‌های ابراهیم جهان در مجله رأیه الاسلام چاپ ریاض به مذهب تشیع و ائمه اطهار (ع) در سال ۱۳۸۱ هجری / ۱۹۶۱ میلادی به رشته تحریر در آورده است.

- ۱- از آیت الله مهری ۱۱ فرزند (۷ پسر و ۴ دختر) به یادگار ماند. ۱- حجه الاسلام و المسلمین حاج سید محمد مهری. ۲-
- حجه الاسلام و المسلمین حاج سید مرتضی مهری، از محققان و اساتید حوزه علمیه قم. ۳- جناب آقای سید احمد مهری. ۴-
- جناب آقای سید علی اصغر مهری. ۵- دانشمند محترم جناب آقای سید محمد جواد مهری. ۶- سید محسن مهری. ۷- سید محمد رضا مهری.



مرحوم مهری علاوه بر مبارزه با این فرد که منجر به تبعید شبانه وی از سوی دولت کویت به عربستان سعودی گردید به مبارزه علمی نیز با وی پرداخته و در ضمن کتابی به گفته های سرا پا کذب وی پاسخ می گفت.

این کتاب را به موجب نامساعد بودن جو سیاسی آن زمان کویت به نام برادر ارجمندشان عالم فاضل سید هاشم مهری به طبع رسانده اند و اکنون در کتابخانه عمومی مرحوم آیه الله نجفی به شماره ۷۵۳۰ ردیف ۵ و قفسه ۲۳ موجود می باشد.

## ۲- شعاع من سیرتنا و سنتنا

این کتاب اگر چه در بعضی نوشته ها از جمله آثار قلمی مرحوم آقای مهری شمرده شده است ولی از مقدمه کتاب چنین استفاده می گردد که شخصی از ایشان در موضوع صحت سجده بر خاک مطالبی طلب می کند و ایشان پس از پاسخ به خواسته ایشان به پیشنهاد یکی از مؤمنان اهل اطلاع به سخنرانی علامه امینی پیرامون موضوع سجده و آنچه سجده بر آن صحیح است که در سال ۱۳۸۴ هجری در سوریه ایراد فرموده اند دست می یابد و با تمام خلوص به جای چاپ مقاله خود به انتشار سخنرانی علامه امینی مبادرت می ورزند. این کتاب به شماره ۵۴۴۷۸ در کتابخانه عمومی مرحوم آیه الله نجفی مرعشی موجود می باشد.

## ۳- تفسیر سوره والعصر.

## ۴- اهل الکتاب.

## ۵- دروس فی الدین.

۶- رساله ای در بیان حرمت گوشت خوک.

از دیگر آثار قلمی این دانشور پرتلاش است.

یادش گرامی و راهش جاوید.



## سید محمد حجت کوه کمره ای / سعید عباس زاده

## ولادت

سید محمد در ماه شعبان ۱۳۱۰ هجری قمری در تبریز متولد شد و در دامان پیر مهر مادر رشد کرد و بزرگ شد. پدران سید محمد همه از سادات اصیل و شریف روستای کوه کمره بوده اند کوه کمر در قسمت شمال آذربایجان شرقی در منطقه ارس باران واقع شده است و سادات آن منتسب به سادات حسینی و از شرافت و بزرگواری بسیار زیادی برخوردارند و به گفته آیه الله مرعشی نجفی سادات کوه کمر به خصوص سادات حسینی آن که آیت الله حجت از آن هاست ... به صحت نسب و شرافت حسب و رعایت شدت و در هر عصری مورد توجه عامه و خاصه مردم بوده اند.<sup>(۱)</sup>

---

۱- - آثار الحجّه، رازی، ج ۱، ص ۹۳.

## دوران تحصیلات

پدر سید محمد حجت آقا سید علی که خود اهل فضل و دانش و کمالات معروف عصر خویش بود از دوران کودکی تربیت فرزندش را به عهده گرفت. در واقع نخستین مکتب درسی و محفل تربیتی سید محمد حجت محضر پر از صفا و معنویت پدر بود او در زادگاه خویش به جهت ذکاوت و هوش سرشار توانست در اندک زمان علاوه بر ادبیات معمول و مقدمات فقه و اصول با علوم عقلی و ریاضیات نیز آشنا شود. آقا سید محمد علاوه بر این علوم، در علم طب که معروف به طب قدیم بود وارد شد و آن را فراگرفت همچنین وی با علم فیزیک و شیمی نیز در همان دوران جوانی آشنا گردید. چنانچه از گفته های خود آقای حجت بر می آید وی برای فراگیری برخی از کتب حوزه نزد استاد حاضر نشده است بلکه با مطالعه خویش توانسته حتی آن را تدریس کند. آقای رازی از زبان وی می گوید: به حقیر فرمودند همه شرح کبیر موسوم ریاض سید علی را در نزد پدر خود در تبریز

خواندم و جلدین شرح لمعه را با مطالعه تنها یعنی بدون اینکه نزد استاد خوانده باشم دو دوره در تبریز درس گرفتم و پس از تکمیل سطوح به نجف اشرف عزیمت نمودم (۱).

## هجرت به نجف

وی در سال ۱۳۳۰ هجری قمری در ۲۰ سالگی بود که راهی حوزه علمیه نجف گردید و در آن دیار نیز آنچه که در توان داشت برای رسیدن به منزلت عالی علمی و معنوی به کار گرفت اساتیدی که آیت الله حجت در نجف در محفل

درس آنها حاضر گشت عبارتند از:

آیت الله سید محمد کاظم یزدی صاحب عروه که در نزد وی تحصیل فقه نمود. آیت الله آقا شیخ ابو تراب خوانساری از علمای معروف، حدیث و رجال را فرا گرفت و آیت الله سید

شریعت اصفهانی نیز همچنان از جمله اساتید وی به شمار می رفت آیت الله حجت همچنان در درس آقا شیخ علی گنابادی و میرزا حسین نائینی و آیت الله سید جلیل فیروز آبادی و آیت الله آقا سید ضیاء الدین عراقی حاضر گشته و سالها خوشه چین دانش از این بزرگان دانش و معارف بود. (۱) مدت اقامت وی در حوزه علمیه نجف ۲۰ سال طول کشیده است.

وی در این مدت هم دوره های تحصیل را در علوم مختلف به پایان

رسانده و هم به منزلت بزرگ علمی نائل می شود و در اواخر در حوزه نجف مسجد شیخ انصاری و مقبره میرزای شیرازی شاهد درس باشکوه ایشان بوده است. آیت الله حجت در سال ۱۳۴۹ هجری قمری به جهت بیماری و ناراحتی های جسمی به ایران باز می گردد.

### منزلت علمی آیت الله حجت کوه کمره ای

آیت الله حجت در حوزه علمیه نجف سالها خوشه چین دانش و معارف محضر بزرگان گردید و به مقام اجتهاد نائل گشت ایشان از بزرگانی چون آقایان بزرگوار شیخ الشریعه اصفهانی، حاج میرزا حسن نائینی، سید ابو الحسن اصفهانی، سید محمد فیروز آبادی، حاج عبدالکریم حائری و شیخ ضیاء الدین عراقی اجازه اجتهاد و اجازه نقل روایتی نیز داشتند. (۱) وی در زمینه های گوناگون نیز کتابهایی نگاشته اند و آثاری که از ایشان به جای مانده است فراوان است. هرچند مجموعه آثار ایشان در دسترس نیست و نوشته های ایشان در موضوعات مختلف عبارتند از: ۱- رساله استصحاب در اصول ۲- کتاب البیع در فقه ۳- جامع الاحادیث و اصول در حدیث و رجال ۴- حاشیه بر کفایه الاصول ۵- کتاب الصلوه ۶- لوامع الآثار الضروریه در بررسی روایات نبویه در فروع و اصول ۷- مستدرک المستدرکات در استدراک آنچه که از صاحب مستدرک به آن نپرداخته است. ۸- کتاب الوقف و ده ها اثر و یادداشتهای دیگر در زمینه های مختلف.

**اقامت در قم**

در سال ۱۳۴۹ قمری آیت الله سید محمد حجت در قم اقامت گزید(۱) و تدریس در این حوزه را آغاز نمود در آن روزگار حوزه علمیه قم در سرآغاز شکوفایی خود قرار داشت و در رأس این حوزه علمیه انسان بسیار بزرگ و عالم اندیشمند چون آیت الله شیخ عبد الکریم قرار گرفته و این حوزه در سایه توجه و تلاشهای ایشان می رفت که از غربت عزلت و فراموشی بار دیگر در جهان اسلام مطرح شود و نامش شهره عالم گردد. آیت الله حائری که از سال ۱۳۴۰ هجری قمری مشغول سامان دادن این حوزه بود تا زمان ورود آیت الله حجت کوه کمره ای که نه سال از این اقامت سپری می شد توانسته بود کارهای بسیار اساسی را انجام دهد و در واقع بنیان آن حوزه بزرگی که می رفت تا مهد پرورش و تربیت انسانهای بزرگی چون امام خمینی و چندین مراجع بسیار عالی قدر گردد گذاشته شده بود. لیکن این برای آیت الله حائری به معنای پایان یافتن مسئولیت نبود بلکه برای ایشان که هنوز به عظمت حوزه علمیه قم می اندیشید حضور اساتیدی چون آیت الله حجت که تجربه تدریس و تربیت سالهای متمادی حوزه علمیه نجف را داشت بسیار مبارک و مغتنم بود فلذا آیت الله حائری از همان ابتدای اقامت آیت الله حجت در قم با ایشان نسبت بسیار نزدیکی را برقرار می سازد و آیت الله حجت در عین تدریس در حوزه، یکی از ملازمین و مشاورین آیت الله حائری نیز قرار می گیرد.



**دوره زعامت**

آیه الله حائری در سال ۱۳۵۵ هجری قمری به دیار ابدی پیوست لیکن میراث گرانقدر او که همان حوزه علمیه بزرگ قم بود با شکوه و عظمت باقی ماند پس از رحلت ایشان آیت الله حجت کوه کمره ای از جمله سه تن از کسانی بود که آیت الله حائری امور اداره حوزه علمیه قم را برای آنها وصیت و سفارش کرده بود. (۱) چنانچه در کتاب علمای معاصرین آمده است حاج شیخ عبدالکریم آقا یزدی حائری (پیش از آنکه) بدرود جهان گفته باشد (آیت الله حجت) را؛ به نماز خواندن در جای خود در مسجد حضرت تعیین و به وصایت و نیابت او در انجام کلیه امور مذهبی چند ماه پیش از وفات خود تنصیص فرمودند. (۲) همچنین پس از رحلت آیت الله حائری مرجعیت آیت الله حجت نیز مطرح گردید وی به لحاظ اینکه در زمان حیات آیت الله حائری مورد توجه ایشان بود مرحوم آیت الله حائری احتیاطات خود را به ایشان ارجاع می دادند. کم کم دارای مقلد شده تا فوت مرحوم حاج شیخ و پس از ایشان جمع کثیری از مقلدین حاج شیخ به ایشان گرویدند. (۳) تا اینکه با رحلت آیت الله اصفهانی و آیت الله قمی مؤمنین از سراسر جهان اسلام به ایشان متوجه می شوند. وی پس از آیت الله بروجردی اولین مرجع عالم تشیع بود و میلیونها نفوس شیعه از ایشان تقلید می کردند. (۴)

**دوره جدید**

دوره پس از رحلت آیت الله حائری دارای ویژگی های بخصوص عصر ایشان نبوده است.

۱- آینه دانشواران، ریحان یزدی، ص ۵۳.

۲- علماء معاصرین، خیابانی، ص ۲۱۵.

۳- آثار الحججه، جلد ۱، ص ۱۱۳ با اندکی تغییر و تصرف.

۴- آثار الحججه، جلد ۱، ص ۱۱۳ با اندکی تغییر و تصرف.

در روزگاری که آیت الله حائری بنیان حوزه علمیه قم را بنا نهاد و بر کالبد نیم جان آن روح تازه دمید عصر مشکلات و سخت ترین روزهای علمای اسلام و حوزه های علمیه است چرا که در این دوره حوزه مستقیماً در معرض حملات ناجوانمردانه حاکم وقت رضاخان پهلوی قرار گرفته بود و او هر چه می توانست برای جلوگیری از سامان یافتن حوزه انجام می داد اما در دوره پس از رحلت آیت الله حائری هر چند همچنان فشارها وجود داشت لیکن حوزه علمیه در جهان مختلف دارای استحکام و ثبات بود. و حکومت پهلوی نیز که این بار پسرش محمد رضا در رأس امور بود اندکی محتاطانه با علماء و حوزه بر خورد می کرد. علماء در این دوره توانسته اند علاوه بر استحکام پایه های حوزه علمیه به گسترش آن در قم و سایر شهرهای ایران نیز پردازند.

آیت الله حجت در این دوره توانسته است چندین کار مهم و اساسی در حوزه علمیه قم انجام دهد. وی پس از قرار گرفتن در رأس حوزه در کنار سامان دادن به وضع معیشتی طلاب که آن روزها طلاب به سختی زندگی خود را می گذراندند در جهت اسکان و فراهم ساختن زمینه ای رشد و تحصیل آنان نیز تلاش کرد. مدرسه حجتیه ایشان که به وسعت ۱۳ هزار متر مربع با ۱۲۶ حجره و با مدرس و مسجد ساخته شد در همین راستا بود. آیت الله حجت در کنار این مدرسه کتابخانه ای نیز تأسیس کردند که ۱۰۰۰ جلد کتاب در زمینه های مختلف در آن وجود دارد و امروزه محل مطالعه طلاب و محققین است از دیگر تلاشهای آیت الله حجت جمع آوری کتابهای خطی و نسخه های

خطی از نوشته های علماء بزرگوار بود که امروزه ذخایری بسیار گرانسنگ از گذشته است. (۱)

### شتابان به سوی حق

نویسنده آثار الحججه که خود از نزدیک حالات و ویژگیهای معنوی و روحی ایشان را ملاحظه کرده است از حال و هوای روحی و معنوی ایشان حکایتها و داستانها زیادی را آورده است و در صفحات زیادی در خصوص معنویت آیت الله حجت قلم فرسایی کرده است، ما چون بنای اختصار داریم فرصت پرداخت حتی به گوشه هایی از این گونه احوالات ایشان را که در کتابهای دیگر و یا خاطره علمای بزرگ آمده است نداریم و در اینجا تنها به یک مورد که ارتباط به رحلت ایشان دارد اشاره می کنیم: می گویند ایشان در آخرین کسالتی که متوجه ایشان شد و با آن نیز دار فانی را وداع گفت همه خانواده و وکیلان خود را احضار کرد و پس از حاضر شدن وصی خود آقای حاج سید احمد زنجانی و بعضی فضیلاي دیگر فرمودند مهر مرا بشکن آقایان گفتند برای چه؟ فرمودند: برای اینکه بعد از من کسی از این مهر سوء استفاده نکند. عرض کردند، حالا چرا؟ فرمودند: از این کسالت خوب نخواهم شد و اصرار کردند و حاضرین تفأل به نیک نگرفتند و انکار کردند تا ایشان قرآن خواسته و استخاره برای این کار کردند همه منتظر بودند که آیه وعده بهبودی ایشان بدهد؛ دیدند تا آقا قرآن را گشود و به اول صفحه آن نگاه کرد و با وجد و نشاط فراوان گفت له دعوه الحق (۲) و قرآن را به دست داد دیدند (۳) آیه

۱- این آثار در کتابخانه خصوصی فرزند ایشان، حججه الاسلام حاج سید حسن حجت است و فهرستی از آن نیز منتشر شده است.

۲- سوره رعد، آیه ۱۴.

۳- آثار الحججه، محمد رازی، ج ۱، ص ۱۲۴.

الله حجت همان طور که خود گفته بود از این کسالت دیگر بهبود نمی یابد و او پس از بیست و سه سال اقامت در کنار بارگاه حضرت معصومه در قم و تلاش خستگی ناپذیر در راه ترویج احکام الهی در روز دوشنبه سوم جمادی الاولی ۱۳۷۲ هجری قمری جان به جان آفرین تسلیم می کند و مقبره وی در جلو مسجد مدرسه حجتیه واقع شده است.

### شاگردان

آیت الله حجت چه در قم و چه در حوزه علمیه نجف مورد توجه دوستان علم و فضیلت بود و کسانی که از کیاست و هوش و استعداد برخوردار بودند از درک محضر ایشان غافل نمی شدند. آثار الحجه با تحلیل موقعیت علمی آیت الله حجت در حوزه علمیه قم می نویسد: پس از مرحوم آیت الله حائری (مؤسس) در میان زعماء گذشته حوزه علمیه قم مرحوم آیت الله حجت هم از کسانی است که از حوزه تدریس فضیله برجسته و دانشمندان بزرگ و علمای عالیمقام و مجتهدین عظام بیرون آمده و در شهرستان قم و حوزه علمیه و سایر شهرستانهای دور و نزدیک ایران مشغول به تدریس و تصنیف و تألیف و خدمات دینی می باشند وی ۱۳۶ تن از شاگردان ایشان را که هر یک از علمای خدمتگذار و اساتید معروف بوده اند. نام می برد. ما این نوشته مختصر را به اسامی چند تن از آنان زینت می بخشیم. آیات و اساتید بزرگوار ۱- حاج سید یونس اردبیلی. ۲- آقا مهدی حائری. ۳- حاج سید مهدی انگجی. ۴- حاج سید مرتضی ابروانی. ۵- حاج شیخ مرتضی حائری. ۶-

آقا سید محسن حجت (فرزند ایشان). ۷- آقا شیخ محسن مشکینی. ۸- آقا حجت مهدی اراکی. ۹- آقا میرزا محمد علی طباطبایی. ۱۰- سید محمد حسین طباطبایی (صاحب المیزان). ۱۱- حاج شیخ قربانعلی اعتمادی تبریزی. ۱۲- میرزا محمد بنایی. ۱۳- آقا سید محمد داماد. ۱۴- حاج شیخ عبدالحسن غروی تبریزی. ۱۵- حاج سید صادق لواسانی. ۱۶- آقا سید حسین بدلا. ۱۷- شیخ اسد الله کاشانی. ۱۸- شیخ احمد عراقی. ۱۹- شیخ ابو طالب تجلیل. ۲۰- حاج شیخ محمد باقر عرفانی بیهودی. بسیاری از این بزرگان دار فانی را وداع گفته و به سوی پروردگار شتافته اند. (۱)

## منابع

- ۱- آثار الحججه، محمد رازی.
- ۲- علماء معاصرین، ملا علی خیابانی.
- ۳- ریحانه الادب، ج ۲.
- ۴- آینه دانشوران.
- ۵- گنجینه دانشمندان، ج ۱
- ۶- مجله نور علم شماره ۱۰، جامعه مدرسین.

...





## شیخ علی کاشانی (فریده الاسلام) / حبیب الله سلمان آرائی

### ولادت و تحصیل

در سال ۱۳۴۹ هجری قمری برابر با ۱۳۰۹ هجری شمسی در محله گذر حاجی، یکی از محله های قدیمی دارالمؤمنین کاشان خانه محمد حسین و بتول آغا از ارادتمندان آیت الله آقا سید محمد حسین رضوی کاشانی، پسری به دنیا آمد که او را علی نام نهادند بیش از شش سال از ولادتش نگذشته بود که مادر را از دست داد (۱).

در نه سالگی پای به مکتب گذاشت و خواندن و نوشتن را فرا گرفت. در آستانه سیزدهمین بهار از زندگی به توصیه پدر و تشویق آیت الله رضوی، برای کسب معارف دینی، عازم اصفهان گردید. در آنجا نیز اساتید گرانمایه دروس حوزوی را، تا مرحله سطح، گذراند. آنگاه برای بهره وریمهای علمی و کسب کمالات بیشتر راهی آستان قدس رضوی (ع) شد و در

---

۱- - مصاحبه نویسنده با حاج آقا محمد برادر و خانم آغا نامادری شیخ علی در منزل شیخ در کاشان.



مدرسه علمیه نوآب ساکن شد.

مدت اقامتش در مشهد چهار سال بود که در این دوره از محضر اساتید بزرگی همچون؛ آیت الله آقا میرزا محمد هاشم قزوینی، آقا سید احمد یزدی و در کوهستان اطراف بهشهر نزد عالم مهذب حضرت آیت الله شیخ محمد کوهستانی استفاده ها برد. (۱)

شیخ علی ضمن کسب در مدرسه میرزا جعفر که اسم اکنون بخشی از دانشگاه علوم رضوی تبدیل شده است، به تدریس و تعلیم طلاب و مشتاقان علم و در همان دوران جزو چهره های سرشناس علمی مردان با تقوای حوزه به شمار آمد.

پس از اقامتی کوتاه در مشهد آهنگ هجرت به حوزه علمیه قم کرد. در قم امامت مسجد کیهان را به عهده داشت و در منزل جنب مسجد، با شهید سید عبدالکریم هاشمی نژاد و... به سر برد بعد از آن در یکی از حجره های قست شرقی مدرسه حجتیه سکنی گزید. (۲)

با جدیت تمام در سالهای ۱۳۲۵ ش در درسهای خارج فقه و اصول آیت الله بروجردی و خارج اصول امام خمینی (ره) شرکت کرد و در کنار آن در مسجد کوچک گذر خان به تدریس دروس سطح عالی و درس خارج خصوصی برای شهید هاشمی نژاد پرداخت. (۳)

اطلاعات وسیع از مسائل و موضوعات فقه، اصول و کلام و عرفان، طریقه نقد و بررسی آراء و نظریات فقیهان و اصولیان و مناظره های علمی و استدلالی او با مخالفان، دارا بودن کمالات و فضایل معنوی، او را در شمار

۱- - مقدمه کتاب مجمع الفرائد فی الاصول، ج ۱، چاپ قم، سال ۱۳۶۸.

۲- - همان و مصاحبه با خانواده و شاگردان.

۳- - مصاحبه با شاگردانی که نامشان برده می شود.

نوابغی قرار داد که در آغاز جوانی به رتبه عالی و قله رفیع اجتهاد در آورد(۱).

### استادان و شاگردان

شیخ علی کاشانی، نزد اساتید و بزرگان سه حوزه مهم، اصفهان، مشهد و قم، به تحصیل پرداخت. برخی از اساتید او عبارتند از:

آیت الله آقا سید محمد حسین رضوی کاشانی؛ (۱۲۹۱ - ۱۳۸۵ق) او از شاگردان آیات عظام آقا سید محمد کاظم یزدی، آخوند خراسانی و... است. وی صاحب تألیفات متعدد چون اصول المعبره، بهجه التنزیل و العندییل و غیره بود. در بقعه چهل تن کاشان دفن شده است.(۲)

---

۱- - مقدمه مجمع الفرائد. شهید سید عبدالکریم هاشمی نژاد.

۲- - بقاء البشر، آقا بزرگ تهرانی، ص ۶۶۸.

آیت الله سید محمد علوی بروجردی معروف به باغ؛ (۱۲۶۲ - ۱۳۶۲ق). از شاگردان ملا حبیب الله شریف کاشانی و صاحب تألیفات زیادی چون حاشیه بر مکاسب و ریاض المسائل و منظومه هایی در نحو، معانی بیان و فقه است و از مراجع دینی کاشان محل دفن او در قبرستان فیض واقع است. (۱) او به خاطر نبوغی که در شیخ علی دید، لقب فریده الاسلام را به او داد. (۲)

آیت الله آقا میرزا محمد هاشم قزوینی؛ (۱۲۷۰ - ۱۳۲۹ق) وی از شاگردان آیات بزرگ کلباسی، فشارکی، میرزا مهدی اصفهانی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی بود که حدود چهل سال حوزه های علمیه خراسان را اداره کرد. (۳)

آیت الله شیخ محمد کوهستانی؛ (۱۳۰۸ - ۱۳۹۲ق). عالمی مذهب و زاهد متقی که از شاگردان فاضل اثر آبادی و... بود (۴) اجداد آیت الله کوهستانی از کاشان بودند و همین امر سبب ارتباط بیشتر آیت الله کوهستانی و شهید هاشمی نژاد گردید. (۵)

آیت الله حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی؛ (۱۲۹۲ - ۱۳۸۰ق) مرجع و استاد بزرگ حوزه علمیه قم.

امام خمینی (ره)؛ (۱۳۲۰ - ۱۴۰۹ق)، مرجع و استاد بزرگ علوم فقه، اصول، فلسفه و اخلاق و بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی.

از شاگردان معروف فریده الاسلام کاشانی که بیشترین بهره های علمی و معنوی را در مکتب وی کسب کردند؛ (۶) شهید والا مقام حجت الاسلام و المسلمین سید عبد الکریم هاشمی نژاد (۱۳۱۱ - ۱۳۶۰ش) است. در بین دیگر شاگردان می توان از وی حجت الاسلام و المسلمین آقایان سید حسن

۱- - لباب القاب، ص ۱۵۸.

۲- - مصاحبه نویسنده با نامادری شیخ علی.

۳- - کیهان فرهنگی، اسفندماه ۱۳۷۱، ص ۳۷.

۴- - مقدمه یادنامه آیت الله کوهستانی، محمد رضا روحانی نژاد.

۵- - بنا به نقل آیت الله یثربی (امام جمعه کاشان) در مصاحبه حضوری با نویسنده.

۶- - مقدمه مجمع الفرائد، سید عبد الکریم هاشمی نژاد.

ابطحی خراسانی، سید حبیب الله اهری گرگانی، حاج شیخ غلامرضا عرفانیان خراسانی، حاج شیخ علی اصغر مسلمی کاشانی، حاج شیخ حسن شریعتی نیاسری، حاج

شیخ محمد امامی کاشانی، حاج شیخ یحیی انصاری شیرازی و دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی نام برد. (۱)

از دوستان بسیار صمیمی و نزدیک فریده الاسلام نیز مرحوم حاج محمد آقا رسول زاده بود و هر وقت می خواست به کاشان بیاید به ایشان اطلاع می داد. (۲) و توسط او در کاشان برای شهید هاشمی نژاد مجالس سخنرانی ترتیب داده می شد.

### زندگی مختصر و حالات معنوی

شیخ علی شانزده سال زندگی طلبگی را با پشتکار تمام در کسب علوم و فضایل و در نهایت سادگی و بی آلاشی سپری کرد. او نسبت به دنیا و امور دنیوی بی توجه بود، در ارتباط با خالق و اولیای الهی آنچنان عاشق بود که سر از پا نمی شناخت.

او عاشق عبادت، تهجد و سجده های طولانی، ناله و زمزمه های شبانه بود لباسها ساده و وصله دار و حرارش معمولی بود برای خود خانه نخريد و زن اختيار نکرد. در مباحثات و

مناظرات علمی با جرئت و درود یافت مطالب و سرعت انتقال قوی و پر استعداد بود. (۳)

در رابطه با حالات معنوی و ملکوتی شیخ به نقل گفته های تنی چند از شاگردان و بستگان آن مرحوم می پردازیم.

۱- - مصاحبه با برخی از شاگردان ذکر شده که هم در سان خود را نام بردند.

۲- - مصاحبه با برادر و نامادری شیخ علی در منزل ایشان.

۳- - مصاحبه با شاگردان، دوستان و برادر و نامادری فریده الاسلام.

فاضل گرنامه‌ی حوزه علمیه قم آقای حاج شیخ حسن شریعتی می گفت:

... من کتاب قوانین الاصول میرزای قمی را نزد شیخ عارف فریده الاسلام کاشانی در مسجد کوچکی که در گذر خان واقع است خواندم هرچند بیان استاد برایم سنگین بود... اما خاطره ای که از ایشان دارم و هرگز آن را فراموش نمی کنم و به آن حالات و آن روزها حسرت می خورم این است که در یکی از شبها پس از آنکه نماز مغرب و عشاء را در مدرسه فیضیه خواندم به حال خود بودم که به فکر آمد که چه خوب است امشب سری به قبرستان نو بزنم و با اهل قبور انسی پیدا کنم.

به تنهایی راهی قبرستان نو شدم. چون پاسی از شب می گذشت و آن طرفها برق نبود مسیر خلوت و تاریک قبرستان وحشناک بود.

با حالت ترس و وحشت وارد قبرستان شدم با تلقیناتی که به خود می کردم قدم به جلو می گذاشتم تا اینکه به وسط قبرستان رسیدم در آن حال زمزمه ای را شنیدم ترس، بیشتر مرا فراگرفت، در عین حال با همان تلقینات اذکار دنبال صدا رفتم. با دقت بیش تری گوش دادم: یارب، یارب، یا قدس یا سبحان و صدا را تشخیص دادم جلوتر رفتم، شیخ علی فرید را دیدم که در کنار چراغ کم نوری سر بر زمین نهاده و ذکر می گوید. من او را می دیدم ولی او مرا نمی دید در آنوقت حالتی غیر عادی به من دست داد، مدتی توقف کردم و آنچه از اذکار و ادعیه و استغفار بلند بودم خواندم و او نیز به حال خود مشغول بود او را رها کردم و به سوی منزل باز گشتم.

اخلاص، نمازهای باحال و سجده های طولانی آن مرد عارف انسان را منقلب می کرد.

از او سؤال شد که چرا پدرت در خانه خدمت می کنی، فرمود: پدرم می گوید: من افتخار می کنم که در خدمت فرزندی عالم هستم. (۱)

حجه الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ علی اصغر مسلمی کاشانی نیز می گفت:

استاد بزرگوارم مرحوم آقا شیخ علی فریده الاسلام کاشانی دارای صفات نیک و کمالات بی نظیری بود بانشاط نماز می خواند به نافله شب، سجده های طولانی، خواندن زیارت آل یس مداومت داشت.

او از کسانی بود که پیامبران و اولیاء الهی به خصوص چهارده معصوم (ع) را در عالم رؤیا می دید و مکرر در بیداری به حضور حضرت ولی عصر (عج) شرفیاب می شد و با آن حضرت مکالمه می نمود. (۲) اگر به درد یا مرضی دچار می شد از ائمه معصومین کسب تکلیف می کرد.

زمانیکه استادم در مشهد مقدس بود مجلس بحثی با آقا سید یونس اردبیلی داشت که در آن مجلس، عده زیادی از اهل علم حاضر بودند، و مباحثه بین آنها ساعتها طول می کشید. پس از آن آقا سید یونس از شیخ سؤال کرد این علوم را در سن جوانی چگونه یافته ای؟ او در جواب می گفت: غالب این علوم را از کسی نیاموخته ام و نزد استادی شاگردی نکرده ام بلکه آنچه یافته ام از توسلاتی است که به حضرت ثامن الحجج (ع) داشته ام.

در کاشان نزد آیت الله آقا میر سید علی یربلی رسیدم از ایشان سؤال کردم که:

آقا شیخ علی را از نظر علمی چگونه مردی یافته اید؟

۱- - مصاحبه حضوری نویسنده با آقای شریعتی.

۲- - این مطلب یعنی تشریف شیخ علی به حضور امام زمان (ع) مرحوم شهید هاشمی نژاد در مجلس ختم شیخ علی در مسجد گذر بابا ولی کاشان برای مردم نقل کردند.

آقا میر سید علی فرمودند خبر شهرت علمی شیخ علی به من رسیده بود و من منتظر بودم که ایشان را حضوری بینم.

روزی شیخی به منزل، آمد من در ابتدا او را شناختم اما با اندکی تأمل در قیافه و خصوصیتی که از او برایم گفته بودند حدس زدم که شاید شیخ علی باشد او نشست و پس از تعارفات معمول سؤالاتی نمود من از نوع سؤالات متوجه شدم که خود اوست خود را محیا و آماده برای پاسخگویی به سؤالاتش نمودم و در این دیدار آنچه سؤال کرد پاسخ دادم. پس از این دیدار و گفتگو از شیخ علی سؤال کردم که آقا میر سید علی را چگونه یافتی؟ شیخ در پاسخ گفت:

در دیدار اول آنچه سؤال کردم آقا میر سید علی مرا مجاب کرد ولی در جلسات و گفتگوهای بعد هر چند که مباحثه، ساعتها به طول می انجامید ولی هیچکدام بر دیگری غالب

نمی شدیم.

از شیخ علی سؤال کردم بین آقا میر سید علی یربیبی و حاج آقا روح الله (امام خمینی) چه امتیازی است؟

فریده الاسلام جواب داد که: آقا میر سید علی تمام دوره فقه و اصول را به نحو استنباط فعلی استنباط کرده اند و حاج آقا روح الله در صراط استنباط فعلی هستند. سؤال کردم مگر استنباط فعلی برای تمام دوره فقه و اصول چند سال است؟

شیخ جواب داد: پس از تحصیل ملکه اجتهاد بیست سال نیاز است که تمام دوره فقه را به استنباط فعلی استنباط کند.

استاد در هنگام بحث با دیگران حالتی غیر عادی داشت و با کسانی که ادعای فضل و استنباط فعلی می کردند به مباحثه می پرداخت و آنان را مجاب می کرد و اگر طرف مقابل از سران فرقه هایی چون بهائیت، تصوف، شیخیه و... بود به شدت او را محکوم و مغلوب می ساخت.

حدود دو ماه قبل از وفاتش از او شنیدم که می گفت: من دو آرزو دارم یکی آنکه با علویه اصفهانیه (علامه امینی) بحث علمی داشته باشم و دیگر آنکه به نجف بروم و اگر کسی را در علوم از خود مطلع تر و قوی تر می یافتم، از او بهره ببرم (۱).

حجه الاسلام و المسلمین حاج شیخ غلامرضا عرفانیان درباره تلاوت قرآن او می گفت:

زمانی که شیخ علی کاشانی در مشهد بود در مدرسه نواب حجره داشت و در مدرسه میرزا جعفر تدریس می کرد من نزد او مقداری علم نحو و منطق را خواندم. او در ادبیات، فقه، اصول نابغه و در عبادات و ریاضت شرعی در اوج بود. بعضی شبها نزد او می ماندم. هنگام سحر که بر می خواستیم آیات آخر سوره حشر را می خواندم و او گوش می داد، گاه لرزه بر اندامش می افتاد و می فرمود: آیات را تکرار کن و من تکرار می کردم... عالم خوشی داشتیم (۲).

و شهید هاشمی نژاد این فرزند صالح و متعهد امام راحل و برادر عزیز و گرانبهای مقام معظم رهبری نیز درباره استاد و مرادش چنین می گوید:

... او بدون شک از اولیاء خدا بوده جز خدای بزرگ همه چیز در نظرش کوچک بود من زمانی طولانی در خدمتش بودم، هیچگاه از او لغزش و خطایی

۱- - مصاحبه حضوری با جناب آقای مسلمی کاشانی.

۲- - مصاحبه حضوری.



ندیدم خدا را گواه و شاهد می گیرم که آنچه می گویم راست است و... .

او در همه حال بیاد خدا و گوش به فرمان خدا و مخالف هوای نفس بود. وی علم و حلم را به هم آمیخته و گفتار را با کردار توأم ساخته بود.

از خصایص بسیار پسندیده او شدت دوستی با اهل بیت عصمت و طهارت و شدت عداوت با دشمنان آنان بود.

شیخ علی (ره) در مراحل و مدارج علمی به قله بلند و استنباط و اجتهاد نایل آمد گواه بر این مطلب اعتراف جمعی از رجال علمی حوزه به آثار مکتوب و مباحثات علمی و دقیق اوست که من آن را در بعضی اجازات اجتهادی او دیدم که لازم به ذکر آنها نیست.

او بدون شک از شهدا و صالحین بود؛ چرا که وقتی امام زمان (عج) را در خواب می بیند و شیخ به او سلام می کند امام (عج) در جوابش خطاب به او می فرماید: و علیک السلام یا شیخ الشهداء. (۱)

نامادری شیخ علی می گوید: چند ماهی پس از درگذشت مادر شیخ من به عقد پدرش در آمدم در حد توان کارهای او را انجام می دادم ولی پدرش بیشتر مواظب او بود.

آن موقع ها که برای تحصیل به مشهد و قم می رفت گاهی به کاشان می آمد و از زمان آشنایی شیخ با آقای هاشمی نژاد با هم به کاشان می آمدند و بیشتر ماه مبارک یا محرم مدتی می ماندند شیخ در خانه به مطالعه و عبادت مشغول بود و آقای هاشمی نژاد منبر و جلسه داشت.

آقا شیخ علی به آیت الله رضوی علاقه بسیار داشت و به دیدن او می رفت.

---

۱- - مقدمه مجمع الفرائد، و نیز مراجعه شود به شهید هاشمی نژاد (فریاد فضیلت)، مرتضی بذرافشان، از مجموعه دیدار با ابرار ص ۳۳ و ۳۵.

علوی به ما گفت که شیخ علی مروارید درشت اسلام است.

از حالات شیخ علی اینکه هر وقت به آن خانه می آمد در اطاق مخصوص خود روزها به مطالعه و شبها نیز به مطالعه بیشتر به مناجات و دعا می پرداخت. نمازش را طول میداد

و در سجده ها گریه می کرد شبهای ماه رمضان تا صبح نمی خوابید.

حاج آقا محمد برادر بزرگ ناتنی شیخ علی می گوید: من مدت زیادی در قم با شیخ علی بودم. او دو هم اطاقی داشت یکی شهید هاشمی نژاد و دیگری آقای صداری بود (بلال) که هر دو نزد او درس هم می خواندند روزی مادرم از شیخ علی سؤال کرد این دو شاگرد تو آیا به جایی می رسند و مفید خواهند بود.

شیخ علی جواب داد: بلی آقای هاشمی نژاد خیلی ترقی می کند ولی آن یکی نه.

با برادرم و آقای هاشمی نژاد و صدراپی گاهی شبهای جمعه به قبرستان می رفتیم شیخ علی از ما جدا می شد و ساعتها در گوشه ای به خاک می افتاد و ناله می کرد و ذکر می گفت و پس از بازگشت صورت او خاک آلود بود. (۱)

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقا سید جواد میر عظیمی (۲) می گوید:

من مدت نه سال با شیخ علی کاشانی حشر و نشر داشتم سه سال در مشهد و شش سال در قم، کتاب قوانین تا کفایه را با هم خواندیم. از امتیازات او اینکه چندان نیازی به مطالعه نداشت در اثر استعداد فوق العاده ای که داشت آنچه را

۱- - مصاحبه حضوری.

۲- - مصاحبه با حجه الاسلام آقای سید جواد میر عظیمی امام جماعت مسجد کیهان.

که استاد می گفت بلا فاصله می آموخت و نقد می کرد. الحق و الانصاف این مرد عالم، عابد و زاهد و عارف به تمام معنی بود، زیاد از او می شنیدم که می فرمود، می خواهم شهید بشوم.

## تألیفات

فریده الاسلام کاشانی رساله و کتابهای زیر را به صورت چاپ شده یا خطی نام برده اند:

۱- منظومه مجمع الفرائد. شامل ۲۵۲ بیت در قواعد نحو که در مشهد به چاپ رسیده است.

۲- مجمع الفرائد در علم اصول دو جلد چاپ شده در قم، سال ۱۳۶۸.

۳- رساله ای در لباس مشکوک (تقریرات درس فقه آیت الله بروجردی) خطی.

۴- تعلیقه بر فرائد الاصول شیخ انصاری (از اول بحث براءت تا باب استصحاب).

۵- منظومه ای در علم اصول.

۶- منظومه ای در علم کلام.

۷- رساله و جزواتی در مبحث فقه و اصول. (۱)

## وفات

سرانجام این عالم پارسا در مسافرتی که محرم سال ۱۳۷۴ به رودسر کرده بود در شب ۱۴ آن ماه پس از ادای قریضه مغرب و عشاء در منزل یکی از

---

۱- مقدمه مجمع الفرائد، به قلم سید عبدالکریم هاشمی نژاد.

آشنایان دچار سکتة قلبی گردید و ندای ارجعی را لیبیک گفت. جنازه آن مرحوم را به قم آورده اند و پس از تشییع در قسمت جنوبی قبرستان نو به خاک سپردند. به دستور آیت الله نجفی مرعشی بر روی سنگ قبرش عبارات ذیل حک شده بود:

الناس موتی و اهل العلم احياء

مضجع العالم التقى و الفاضل الكامل النقى حجه الاسلام الشيخ على المدعو به فريده الاسلام الكاشانى المجاز من العلماء و الحجج فقها و روايه و لامجاب عن ولى العصر (عج) فى المنام و (عليك السلام يا شيخ الشهيد) وله (ره) تصانيف فى الاصول و الكلام و النحو و فى بعض الفروع الفقيهيه و توفى بسكتة القلب شابا فى ليله الرابعه عشر من شهر محرم الحرام ۱۳۷۴.

...



## سید احمد خوانساری (تندیس پارسایی) / محمد عابدی میانجی

### از تبار پاکان

آیت الله سید احمد خوانساری ستاره ای تابناک از تبار امام موسی بن جعفر (ع) بود. تبار او همه عالمان فرهیخته دین بودند و نور هدایت علوی را در ضمیر جانها روشن نگاه داشتند. پدرش سید یوسف امام جمعه خوانسار، جدش سید محمد مهدی، رجالی معروف (۱) و برادرش محمد حسن خوانساری (م ۱۳۳۷ هجری قمری) از عالمان کامل عصر خود بودند (۲).

### یک آسمان ستاره

شب هجدهم محرم سال ۱۳۰۹ قمری آسمان خوانسار ستارگان بی قراری را شاهد بود که چشم بر زمین دوخته، در انتظار لحظه ای آسمانی در

---

۱- از وی کتابی درباره ابو بصیر بر جای مانده است.

۲- نور علم، شماره ۱۸، ص ۱۲.

تب و تاب بودند. به ناگاه ستاره ای در خانه سید یوسف درخشید و چشمان پدر و مادر را روشن ساخت. پدر به پاس رسالت عظمی نام احمد را برگزید و مادر به مهر علوی او را در آغوش کشید.

سومین بهار از زندگی شیرین کودکی را پشت سر می گذاشت که باد خزان بر خرمن مهر پدری زد و او را از دست سید احمد گرفت. از آن پس سرپرستی او را برادر گرانقدرش سید محمد حسن پذیرفت. (۱)

## تحصیل

احمد به سرعت دوران کودکی را پشت سر گذاشت. با آغاز نوجوانی شعله های عشق به تحصیل علوم آل محمد سراپای وجودش را فرا گرفت. تا پایان سطح را در خوانسار گذراند و پس از آن دیگر فضای تنگ علمی خوانسار برآورنده نیازهای علمی او نبود. شانزده بهار از عمرش را تجربه می کرد که بار سفر بست و روی به اصفهان آورد. چهار سال از محضر اساتید آن دیار استفاده کرد و بعد از پایان دروس خارج فقه و اصول در هجده سالگی به آستان مقدس امیر مؤمنان در نجف اشرف شتافت و به تکمیل فقه و اصول و فراگیری علم رجال پرداخت و پس از شش سال روی به میهن آورد و اندکی بعد در حوزه سلطان آباد اراک که به برکت وجود آیه الله العظمی حائری شکوفا شده بود، ساکن شد و هفت سال به تحصیل و تدریس پرداخت. (۲)

۱- - آینه دانشوران، ص ۴۸۹ و ۴۹۰.

۲- - مکتب اسلام، سال ۲۴، شماره ۱۱، ص ۱ و ۲.

## مکتب فرزندگان

سید از محضر بزرگان عصر استفاده کرد برخی از آنان در چهار حوزه درسی عبارتند از:

خوانسار: سید محمد حسن خوانساری (متوفی ۱۳۳۷)، سید علی اکبر خوانساری؛ دروس مقدمات و سطح.

اصفهان: میر محمد صادق مدرس اصفهانی، عبدالکریم گزی (متوفی ۱۳۳۹) محمد علی تویسرکانی؛ دروس خارج فقه و اصول.

نجف: آخوند خراسانی (متوفی ۱۳۲۹) سید محمد کاظم یزدی (متوفی ۱۳۳۷م) محمد حسن نائینی (متوفی ۱۳۵۵) آقا ضیاءالدین عراقی (متوفی ۱۳۶۱) شیخ



الشریعه اصفهانی، دروس خارج و سید ابو تراب خوانساری رجال.

قم: عبدالکریم حائری، میرزا علی اکبر حکیم یزدی (فلسفه و حکمت) و محمد حسن ریاضی (هندسه و ریاضیات).

### تدریس

آیت الله سید احمد خوانساری ابتدا به تدریس سطوح و آنگاه خارج فقه و اصول پرداخت. علاوه بر آن از اساتید خط و ریاضیات نیز به شمار می رفت و در تهران طالبان دانش دین در محضرش دروس خارج فقه را می آموختند. یکی از معاصران وی می نویسد در مسجد مزبور (سید عزیز الله) به اقامه جماعت و تدریس فقه استدلالی مشغول و تاکنون همه روزه ساعت ده صبح اکثر علماء تهران به مباحثه ایشان حاضر شده و استفاده می نمایند (۱) او همواره به مطالب مهم می پرداخت و جزئیات را به دانش طلبان وا می گذارد. شاگردانش اکنون نیز از کاوش دقیق ظرایف و زوایای مطلب توسط استاد خویش سخن می گویند. او در بحث به مبانی عالمان گذشته توجه ویژه داشت نظریات آنان را به نقد می کشید. از جمله در مباحث او بارها سخنان آقا ضیاء و مرحوم نائینی مورد بحث و کنکاش قرار می گرفت.

### شاگردان

از حوزه تدریس آیه الله خوانساری شاگردانی توانمند و مجتهدینی ارزشمند به جامعه علمی و حوزه تقدیم شد. برخی از شاگردان او در قم

عبارتند از:

۱- جلال طاهر شمس ۲- محمد تقی ستوده ۳- شیخ علی پناه اشتهاردی ۴- سید محمد باقر سلطانی ۵- سید موسی صدر ۶- سید علی منتظری ۷- شهید مرتضی مطهری ۸- سید محمد باقر ابطحی ۹- سید محمد علی ابطحی ۱۰- سید رضا صدر ۱۱- سید عبدالله شبستری.

از پرورش یافتگان علمی مکتب او در تهران نیز می توان به سیدرضی شیرازی، مجتهدی، محمود انصاری، محمد تقی شریعت مداری، حسن خسروشاهی و میرزا هادی (حاجی) (متوفی ۱۳۷۷ کربلا) اشاره کرد.

### آثار و تألیفات

حضرت آیه الله العظمی خوانساری در طول عمر با برکت خود آثار فراوان عمرانی و علمی از خود برجای گذاشتند که بخش عمده ای از آن شامل آثار علمی و تألیفاتش است. برخی از آن ها عبارتند از:

۱- جامع المدارک در شرح کتاب مختصر النافع ۶ جلد

این کتاب، یک دوره فقه استدلالی است که به صورت شرح بر مختصر النافع محقق حلی - متوفای ۶۷۶- نگارش یافته است و بر مسائل فقهی از طریق کتاب و سنت و مدرک اجتهادی استدلال کرده است. مراجعه به آن از دقت نظر و مقام احتیاط ایشان ما را مطلع می سازد؛ همانطور که امام خمینی (ره) در مسئله شطرنج سخن از احتیاط و تقوای او در استدلال به میان آورده، می فرماید: شما مراجعه کنید به کتاب جامع المدارک مرحوم

آیه الله آقای حاج سید احمد خوانساری... در تمام ادله خدشه می کند. در صورتی که مقام احتیاط و تقوای ایشان و نیز مقام علمیت و دقت نظرشان معلوم است. (۱)

۲- عقاید الحقه: یک دوره اصول دین استدلالی است که به زبان عربی نگارش یافته است. با روش مستدل مسائل عقیدتی را مطرح می کند. این کتاب نیز میزان احاطه ایشان بر فلسفه و کلام را مبین است.

۳- حاشیه بر عروه الوثقی: افکار فکری آیه الله خوانساری را مطرح می سازد.

۴- مناسک حج

۵- توضیح المسائل

۶- رساله علمیه فارسی

۷- کتاب طهارت

۸- کتاب الصلوه و... (۲)

## ویژگی های اخلاقی

### ۱- زهد و ساده زیستی

او الگوی اخلاق برای نسل دیروز و امروز بود. با داشتن مقام علمی والا هیچگاه اصول اخلاقی را فراموش نمی کرد. چنان مهر اهل بیت در جانش نفوذ کرده بود که کردارش نیز بوی علوی می داد. بعد از گذشت سالها خوشه چینان مکتب سید از زهد و ساده زیستی او به عنوان مشخصه اصلی

---

۱- پاسخ امام به نامه آقای قدیری، ۱۳۶۷/۷/۲.

۲- آینه دانشوران، ص ۴۸۹.

زندگی اش یاد می کنند.

با اینکه وی پرداخت شهریه هنگفت طلاب تهران، مشهد، قم و نجف را بر عهده داشت (۱) هرگز در آن ها تصرف نکرد و تا آخرین لحظه ای که در قید حیات بود، خانه ای هر چند محقر تهیه نکرد و عمرش را در منزل استیجاری گذراند. شاگردان او اکنون نیز از فرشهای نخنمای خانه اش یاد می کنند و نشانه های بسیاری از زهد و ساده زیستی در زندگی او را به ما نشان میدهند. (۲)

## ۲- احتیاط

حضرت آیه الله خوانساری، احتیاط، را حق مسلم زندگی خود قرار داده بود. آیه الله ابو طالب تجلیل می گوید: احتیاط او در امور شرعی زیانزد عام و خاص بود. تا آنجایی که وجوهات شرعی را هرگز در منزل نگاه نمی داشت و آن را نزد یکی از تجار امین می گذاشت و به نیازمندان حواله می داد تا به این طریق احتمال هر نوع تصرف در آن پولها از بین

برود. در امور سیاسی نیز همین شیوه را پیش گرفت

## ۳- تواضع

هر تازه وارد ابتدا با قامت ایستاده او مواجه می شد. به احترام همه می ایستاد و مخصوصا برای سادات احترام بیشتری قائل بود. به دید و بازدید تمام علماء می رفت، هیچگاه در مجلس تکیه نزد و چهارزانو ننشست و کمال ادب و تواضع را مبذول داشت و آنگاه که امام به ایران آمد، باوجود

۱- - ماهانه سیصد هزار تومان شهریه طلاب می داد. مشاهیر دانشمندان اسلام، ج ۴، ص ۳۸۴.

۲- - دوست فاضل و محقق گرانمایه آقای ناصر الدین انصاری قمی در تحقیقات خود راجع به سید احمد خوانساری فرازهای زیبایی از زهد و... سید را یاد آور شده است. مقاله حاضر با همیاری خالصانه ایشان فراهم آمد.

کهنسالی به دیدارش شتافت و پیروزی نور بر سپاه جهل را تبریک گفت.

#### ۴- عرفان و کرامات

یکی از فضیلات حوزه علمیه آنگاه که از عرفان و کسب مقامات سید احمد سخن به میان آمد ماجرای عمل جراحی او را یادآور شد که:

سید طبق اصول استنباطی خود معتقد بود مجتهد و مرجع تقلید هیچ گاه نباید در حال بیهوشی باشد در غیر این صورت بعد از به هوش آمدن، تمام مقلدین باید دوباره نیت تقلید از او کنند. به این خاطر وقتی نیاز به عمل جراحی پیدا کرد، اجازه نداد او را بیهوش کنند. سوره ای از قرآن را شروع کرد. تا سوره اش تمام شد، عمل جراحی نیز پایان پذیرفت بی آن که نشانه ای از احساس درد در سیمای ملکوتی اش نمایان شود. (۱)

نویسنده محقق محمد شریف رازی از قول یکی از معتمدین درباره مقام عرفان و اتصال به ماوراء عالم امکان سید می نویسد: او صاحب بینش و بصیرت خاص خویش بود... یکی از بازرگانان مورد اعتماد تهران می گفت: روزی در خدمت ایشان بودم و هیچ کس دیگر نبود آقا ناگاه فرمود: فردی در خانه است و خواسته ای دارد. عرض کردم: اقا کسی زنگ نمی زند. فرمود: چرا کسی هست این پاکت را به او بدهید تا برود. پاکت را گرفتم و جلو در آمدم، شخص محترمی را دیدم که قدم می رند. او را صدا کردم و گفتم شما زنگ زدید؟ گفت خیر. پرسیدم کاری دارید گفت آری، همسرم بیمار است و برای بستری

شدن هشت هزار تومان کسری دارم... پاکت را به او دادم. او همانجا باز کرد و پولها را شمرد. درست هشت هزار تومان بود. (۱)

## ۵- عدالت

عظمت شخصیت او تا آن حد است که آیت الله العظمی حائری درباره ش می گفت: اجتهاد را به هر معنی تفسیر کنیم، آیت الله خوانساری مجتهد بود و عدالت را به هرگونه معنی کنیم، او عادل بود. (۲) امام رحمه الله علیه نیز آنجا که به جامع المدارک استناد می کند، به مقام علمی و تقوا و احتیاط آیت الله سید احمد خوانساری اشاره کرده و از او به بزرگی نام می برد.

---

۱- - کرامات صالحین، ص ۳۱۹ و ۳۱۰.

۲- - نور علم، ش ۸، ص ۱۵.

در سال ۱۳۴۰ هجری قمری برابر با فروردین ۱۳۰۱ شمسی آیت الله حائری سفری به قم کرد. علمای قم از محضر او تقاضای اقامت دائمی کردند. (۱) بعد از اقامت او در قم، طالبان علم از نقاط مختلف گرد هم آمده (۲)، حوزه ای پربرکت و ماندگار در کنار قبر حضرت فاطمه معصومه (س) تشکیل دادند.

شش ماه از شکل گیری حوزه می گذشت، آیت الله العظمی اراکی هم بحث آیت الله خوانساری می گفت: آیت الله حائری آن روز در جمع عالمانی که چون پروانه برگرد او در مجلس درس گرد آمده بودند، گفت: ما میخواستیم آقای سید احمد خوانساری اعلم علمای شیعه باشد و لیکن ایشان قناعت کردند که اعلم علمای اراک باشند. (۳)

این اظهارات در حالی بیان می شد که سید احمد بعد از انتقال حوزه علمیه به قم، همچنان در اراک ماندگار شده بود. سید به محض اطلاع از سخن استاد فرزانه درنگ را جایز ندانست. چه این سخن گویای علاقه آیت الله حائری به انتقال او بود. عزم سفر کرد و خود را به پای درس استاد رساند و در شهر فاطمه معصومه (س) ساکن شد.

علاقه و اعتماد شدید آیت الله العظمی حائری مؤسس حوزه علمیه قم را می توان از لابه لای رفتارهای او به دست آورد. به فاصله دو ماه از هجرت ستاره خوانسار به قم، زمانی اقامه نماز جماعت خود در فیضیه را به او سپرد و

۱- - برخی از علمای قم که قبل از ورود آیت الله العظمی حائری در قم بودند عبارتند از: میرزا محمد ارباب، محمد فیض، ابوالقاسم بن محمد کریم، محمد کبیر، سید فخر الدین سیدی، حسن فاضل، محمود روحانی، احدی حکمی، میر سید محمد، سید محمد تقی رضوی، علی اکبر اردکانی یزدی، سید حسین کوچه حرمی، شیخ محمد حسین، شیخ حسن نویسی، ملا محمود، میرزا جواد ملکی تبریزی، محمد تقی بافقی و... شرح احوال حضرت آیت الله العظمی اراکی، رضا استادی، ص ۶۶ تا ۷۷ را مطالعه کنید.

۲- - برخی از مهاجرین از حوزه اراک به قم عبارتند از: آیت الله العظمی اراکی، محمد رضا گلپایگانی، روح الله خمینی، محمد تقی خوانساری، سید احمد خوانساری، شیخ اسماعیل چابنقی، حسن فرید اراکی، میرزا محمد علی ادیب تهرانی، ابوالفضل زاهدی، هدایت الله گلپایگانی، میر سید محمد، عبدالحسن صاحب الداری، ریحان الله نجفی گلپایگانی، شیخ محمد بن ملا علی جابلقی، حسن فرید گلپایگانی، سید محمد بن حاج میرزا هدایت الله حائری گلپایگانی، سید کاظم موسوی گلپایگانی، خلیل کمره ای، شیخ عباس تهرانی شرح احوال حضرت آیت الله العظمی اراکی، رضا استادی، ص ۵۳ تا ۶۴.

۳- - نور علم، ش ۱۱، ص ۶۴.

خود، اولین بار پشت سر سید به نماز ایستاد. این نهایت احترامی بود که استاد کل حوزه علمیه قم می توانست در حق سید احمد خوانساری ابراز کند.

بعد از ورود به حوزه مقدس قم در حالی که خود یکی از مدرسان عالی مقام بود، در حوزه درسی، فقهی و اصولی مرحوم آیت الله حائری حاضر شد و در مدت اقامتش در قم فلسفه مشاء، اشارات و اسفار، ریاضی و خط نستعلیق را نیز آموخت.

تا سال ۱۳۳۰ شمسی اقامت او در قم به طول کشید. و در طی این سالها شاگردانی در خور در مکتب درسی او تربیت شدند.

### فصل مبارزه (اقامت در تهران)

علامه شیخ آقا بزرگ می نویسد: در محرم سنه ۱۳۷۰ ه.ق که علامه حاج آقا یحیی سجّادی وفات کرد اهالی تهران از مرجع کبیر آیت الله العظمی بروجردی (ره) تقاضا کردند که شخصیت با کفایتی را به تهران اعزام دارند تا در مسجد حاج سید عزیز الله اقامه نماز کرده و به امورات دینی مردم پردازند و مرحوم بروجردی ایشان را به تهران می فرستاد (۱).

ایشان بلافاصله تمام اشتغالات علمی خود را قطع و به تهران پایتخت حکومت ظلم و جور عزیمت کرد. و در آنجا علاوه بر امامت جماعت مسجد سید عزیزالله و رفع گرفتاری های مردم، به تدریس خارج فقه نیز پرداخت.

او مسجد سید عزیزالله را به پایگاه مبارزه علیه طاغوت تبدیل کرد و شاگردانی مکتبی در آن پروراند. فعالیتها و مبارزات سید در این دوران گویای



نقش و تلاش او در دوران مبارزاتی است که به پیروزی انقلاب اسلامی انجامید و از آن روی که این قمست از زندگانی فرزانه خوانسار در هاله ای از آراء و نظرات گوناگون قرار گرفته در مقاله حاضر رسالت خود می دانیم، به تفصیل درباره آن سخن گوئیم.

### سایه وحشت

یک و نیم سال بعد از وفات آیت الله بروجردی همزمان با نخست وزیری علم دولت به فکر اجرای انجمن های ایالتی و ولایت افتاد. اولین برنامه اصلاحی نخست وزیر وقت، علم، در ۱۶ مهرماه ۱۳۴۱ تصویبنامه مربوط به انتخابات انجمن های ایالتی و ولایتی که متن آن در شانزدهم همان ماه منتشر شد. بر اساس این برنامه، نخستین بار به زنان حق رأی داده شد و در کنار آن قید اسلام از شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان حذف و سوگند به کتاب آسمانی جایگزین آن شد. (۱) جو خفگان، فشار روز افزون و سایه وحشت حاکم بر جامعه توسط ساواک و حجم سنگین تبلیغات رسانه علماء را به انفعال وا داشته بود. در چنین موقعیتی آیت الله خوانساری به همراه آیت الله بهبهانی که دو مرجع عامه پایتخت بودند اقدامات سلسله داری علیه این اقدام رژیم انجام دادند. اولین کار اعلامیه مشترکی بود که از مذاکره با اولیاء امر خبر می داد.

نحوه اقدام بعدی آیت الله خوانساری پرده از وجود فشار علیه علماء بر می دارد تا آنجا که ناچار شد تنها با تشکیل مجلس دعا در مسجد سید

---

۱- - داستان انقلاب، محمود طلوعی، ص ۱۹۲ آیت الله فلسفی در خاطرات و مبارزات خود می گوید: شاید در زمان حیات آیت الله بروجردی دولت به فکر اجرای قانون انجمن های ایالتی و ولایتی به صورت دلخواه خود بود لیکن جرأت انجام آن را نداشت تا بالاخره یک سال و نیم بعد از فوت ایشان در حالی که تنها چند ماهی از نخست وزیری علم گذشته بود و مجلس شورا و سنا هم با شروع نخست وزیری امینی منحل شده بود، دولت علم از فرصت استفاده کرد و در اوایل پاییز ۱۳۴۱ تصویبنامه ای گذراند که طی آن در قانون انجمن های ایالتی و ولایتی قید اسلام و ذکوریت حذف می گردید. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳ آبان ۱۳۷۶.

عزیزالله افکار عمومی را در جریان خیانتی که روی داده بگذارد. از این روی اطلاعیه ای صادر و عموم مسلمین را به شرکت در آن مجلس دعوت کرد: در بخشی از اعلامیه آمده بود:

مدتی هست آقایان مراجع محترم و علمای اعلام دامت برکاتهم، و جامعه مسلمین از نظر خیرخواهی و مصلحت مملکت وظایف شرعی را کتبا و شفاهاً به دولت تذکر داده اند. متأسفانه تاکنون از طرف مقامات مربوطه ترتیب اثر داده نشده است لهذا به پیروی از حضرت رسول اکرم (ص)، که در مواقع مشکله موفقیت مسلمین را از خداوند متعال خواستار بود، جامعه روحانیون تهران روز پنجشنبه ۱ ماه مبارک رجب که از ایام متبرکه است از ساعت ۹ - ۱۱ صبح در مسجد آقا سید عزیزالله مجلس دعا تشکیل خواهد داد... الا حقر احمد موسوی الخوانسار(۱)

آیت الله محمد رضا تنکابنی و محمد تقی آملی نیز هر یک با اعلامیه جداگانه ای مسلمین را به جمع شدن در مسجد عزیزالله دعوت کردند(۲).

امام خمینی(ره) علمدار مبارزه با رژیم فاسد پهلوی که از فشار جهانی ساواک و دستگاههای تبلیغاتی مطلع بود تحلیلی دیگر برای عکس العمل در مقابل لایحه داشت. او در نامه خود به آیت الله فلسفی ضمن اینکه فشارهای موجود را می پذیرد بر عجز رژیم از عملی ساختن فشارها و تهدیدهایش تأکید میکند. از این رو هر چند اصل اقدام آیت الله

خوانساری را می ستاید اما به نحوه برگزاری آن شدیداً اعتراض کرده و می نویسد:

اعلامیه آقای خوانساری را ملاحظه کردم و خالی از تعجب نبود. اصل اقدام ایشان بسیار بموقع و لازم است و لیکن کیفیت آن خیلی نارسا و سست است. برای این مطلب دینی که اساس روحانیت و دیانت و ملیت در

۱- این اعلامیه مربوط به نه آبانماه است. نهضت روحانیون ایران، ج ۳، ص ۱۳۸، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۵۰ اولین اطلاعیه او در صفحه ۱۳۲ اسناد انقلابی ثبت شده است.

۲- همان، خاطرات و مبارزات حجه الاسلام فلسفی، روزنامه جمهوری، ش ۳۱.

خطر است مجلس روضه درست کردن و در ضمن آن، اساس دیانت را قرار دادن بسیار موهن است نسبت به مقصد. و از آن بدتر آنکه مسجد سید عزیز الله را چهار هزار جمعیت مقدس بازاری در آن مجتمع می شوند (انتخاب می کنند) و البته می دانید دولت از دیانت نمی ترسد تا از بازاری متدین و دعای اینها یا نفرین آنها وحشت کند. دولت از مردم فعال و جوان و احزاب و دانشگاه ملاحظه می کند باید یک اجتماعی دینی که آقای فلسفی سخنگوی دیانت اسلام است صحبت کند و آقای خوانساری از مراجع وقت می خواهد صحبت کند. در مسجد سید عزیز الله که حکم صندوقخانه را دارد، نباشد... هیئات من الذله نترسید ملاحظه نکنید آقای خوانساری را نمی گیرند، شما را نمی گیرند، دنیا اقتضاء نمی کند.

اعتراضها و رهنمودهای امام خمینی (ره) به علماء و مراجع موجب شکل گیری اعتراضها و مخالفتهای علنی و عمده علیه رژیم شده و به این ترتیب اولین جوانه های قیام در پایتخت کفر و ظلم بارور گشت.

انتشار اعلامیه های دیگر با دهها امضاء از طرف علماء و پخش گسترده آن تا حدودی این نقیصه را بر طرف و تا اندازه ای نظر امام را برای حضور تمام طبقات تعیین کرد. آیت الله فلسفی در این باره می گوید: با انتشار این اعلامیه ها آثار شور و شوق و هیجان عمومی تهران را تکان داد به طوری که دانشگاهیان، فرهنگیان، کارمندان و کارگران، تجار و کسبه همه و همه برای فرارسیدن روز پنجشنبه دقیقه شماری می کردند... چهار نفر از علمای بزرگ تهران: آیت الله بهبهانی، آیت الله تنکابنی، آیت الله خوانساری و آیت الله آملی به اتفاق سایر علمای تهران قصد داشتند تا حصول نتیجه در مسجد سید عزیز الله متحسن شوند؛ عذرخواهی و پس گرفتن طرح اقدام کرد. (۱)

اما امام خمینی دست از مبارزه برنداشت و اعلام کرد؛ تاوقتی دولت رسماً

لغو تصویبنامه را از طریق جراید اعلام نکنند به مبارزه ادامه خواهد داد. جمعی از علمای تهران و قم در مسجد سید عزیز الله گرد آمدند و مردم را نیز دعوت به حضور کردند. سرانجام دولت چاره ای جز لغو تصویبنامه انتخابات انجمنهای ایالتی و ولایتی و اغلام آن در جرائد روز دهم آذرماه ۱۳۴۱ ندید. (۱)

علمای تهران که به سختی توسط ساواک رژیم تحت فشار بودند، ضمن اعلامیه ای به مردم اطلاع دادند که مراسم دعا دیگر برگزار نمی شود. (۲) چون نخست وزیر اعلام کرده است که موضوع تصویبنامه انتخابات انجمن های ایالتی و ولایتی طبق تصویب هیئت دولت اجرا نخواهد شد. با این حال که اعلامیه فوق با امضاء آیات عظام بهبهانی، خوانساری، آملی و تنکابنی به در و دیوار نصب شده بود مردم همچنان به طرف مسجد سید عزیز الله در حرکت بودند آنان در اصالت اطلاعیه تردید داشتند، از این جهت اندکی بعد مسجد و اطراف بازار مملو از جمعیت شد. حجه الاسلام محمد تقی فلسفی به مسجد آمد و ضمن خطابه تاریخی و پرشور خود گفت:

دولت متوجه شد ریشه احساسات عمیق ملت مسلمان ایران بقدری قوی و نیرومند است که شاید در ظرف یک هفته به صورت یک سیل بنیان کنی ظهور کند و تار و پود افکار ضد اسلامی را یکسره بر باد دهد. (۳)

۱- - نهضت روحانیون ایران، ج ۳، ص ۱۹۷.

۲- - اسناد انقلاب اسلامی، ص ۵۲. این اطلاعیه به امضاء آیات عظام بهبهانی، خوانساری، تنکابنی و محمد تقی آملی رسیده است.

۳- - نهضت روحانیون ایران، ج ۳، ص ۱۵۵ و ۱۵۶.

## انقلاب شاه و ملت

یک ماه بعد از ختم حوادث مربوط به انجمن های ایالتی و ولایتی که به پیروزی روحانیت شیعه منجر شد، شاه طرح شش ماده ای موسوم به انقلاب سفید را در ۱۹ دی ۱۳۴۱ اعلام کرد.

امام خمینی این بار نیز رهبری مبارزه را برعهده گرفت و اعلامیه تحریم رفراندم را در دومین روز بهمن انتشار داد. در پی آن اعتصاب در بازار تهران آغاز شد. آیت الله خوانساری بازوی توانای حوزه علمیه و مرجعیت شیعه در تهران از ابراز نارضایتی خودداری نکرد. او در اولین اقدام طبق معمول از نصیحت و پیشنهاد مذاکرات لازم، سخن گفت و این چنین اعلام کرد:

... عموم علماء و مراجع محترم طبق وظیفه شرعی به فکر چاره جویی افتاده و به زبان نصیحت مذاکرات لازم را نموده اند و منتظرند هر چه زودتر اولیای امور به نظریات خیرخواهانه آقایان توجه کنند البته مردم را از جریان مآووقع مطلع میکنند و اطمینان داشته باشند که مقامات روحانی به وظیفه شرعی خود عمل خواهند کرد.

الاحقر احمد الموسوی الخوانساری

العبد محمد الموسوی البهبهانی عفی عنه (۱)

مردم حاضر در بازار و مغازه های اطراف با تعطیل بازار به سوی خانه آیت الله خوانساری که نزدیک بازار بود به راه افتادند و آنگاه که آیت الله خوانساری به آنان پیوست، به منزل آیت الله بهبهانی رفتند. در آنجا حجه الاسلام فلسفی ضمن حملات شدید به رفراندم تقلبی اعلامیه مشترک آقایان بهبهانی و خوانساری را در تحریم رفراندم که همانجا صادر کرده

بودند، قراعت کرد:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين ولا حول و لا قوت الا بالله العلي العظيم. كليه تصويبنامه هايي كه بر خلاف شرع مقدس باشد، حرام و شركت در آن هاشركت در امر حرام و در حكم مبارزه با امام زمان ارواحنا له الفداء مي باشد و محرمات الهييه به تصويبنامه و آراي عمومي حلال نمي شود، حلال محمد حلال الي يوم قيامه و حرامه حرام الي يوم القيمه.

الاحقر احمد الموسوي الخوانساري (۱)

در پي صدور فتواي تحريم كه در روز سه شنبه دوم بهمن ۱۳۴۱ جمعيت چند هزار نفری با حضور آيه الله خوانساري و علمای اعلام در منزل حضرت آيت الله بهبهانی اجتماع کردند و فتواي تحريم خوانده شد، جمعيت حاضر از آنان كسب تكليف کردند. در پي آن مقرر شد، بازار به عنوان اعتراض به رفراندوم برای سه روز تعطيل شود و ساعت سه همانروز در مسجد سيد عزيزالله اجتماع کرده ابراز مخالفت کنند. بيانيه جامعه روحانيت تهران حادثه مربوط به عصر آن روز را چنين باز مي گوید:

در موقعی كه مردم متدين تهران به اتفاق حضرت آيت الله خوانساري و بقيه آقايمان علماء به طرف مسجد مي رفتند عده زيادی از افراد پليس و نظامی و جمعی از مأمورين انتظامی دولت با باتوم و قنداقه تفنگ و چوب و چماق به سوی علماء و جمعيت كه فاقد هر گونه وسيله دفاعی بودند حمله کرده عده زيادی را مضروب و مجروح کردند و اهانت شديدی به مقامات روحانيت نمودند...

در قم نیز مأموران حفاظت و انتظامی به مدرسه فيضييه هجوم آوردند و به

غارت و چپاول و شکستن شیشه های مدرسه و ضرب و جرح طلاب پرداختند. آیت الله خوانساری نیز از حملات پلیس در امان نماند. او همگام با ملت مسلمان به عنوان اعتراض به خیابان آمد و مورد حمله پلیس و مأموران امنیتی قرار گرفت و از ناحیه پا مجروح گردید با این حال از حمایت منادی تشیع ناب دست برداشت. (۱)

حمله وحشیانه نیروهای امنیتی به مردم و اهانت به ساحت مقدس مرجعیت، مورد خشم و انزجار مرجعیت شیعه و مردم متدین قرار گرفت.

آیت الله گلپایگانی ضمن نامه ای به آیت الله سید احمد خوانساری تلاشهای او در راه عزت اسلام را ستود و اعلام کرد که تحمل سختی ها در راه عزت دین توسط شما زینت صفحات تاریخ خواهد شد. در بخشی از تلگراف آیت الله گلپایگانی که در ۲۶ شعبان ۸۲ ارسال شد آمده بود:

متاعبی را که حضرت مستطاب عالی در راه اعلام فتوای صریح دائر به حرمت شرکت در مراجعه به آرای عمومی تحمل فرموده اید باعث مزید عزت دین و اعتلای حکم اسلام و زینت صفحات تاریخ مجاهدات علمای اعلام در راه حفظ اصول دیانت است. (۲)

تظاهرات روز چهارشنبه نیز ادامه یافت. اما شاه که این بار قصد عقب نشینی نداشت روز چهارم بهمن خود را به قم مرکز اصلی انقلاب رساند و یکی از شدیدترین سخنرانیهای خود را در نهایت عصبانیت با توهینهای بسیار در بین مردم قم و افرادی که از تهران آورده بودند، انجام داد (۳):

به هر حال با ارباب و جو خفقانی که ایجاد شد رفراندوم در شش بهمن

۱- اسناد انقلاب اسلامی. ج ۴، ص ۲۰.

۲- اسناد انقلاب اسلامی. ج ۱، ص ۶۱.

۳- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ص ۲۶۵ تا ۲۶۳.

برگزار شد و رقم ۵/۵۹۸/۷۱۱ موافق و تنها ۴۱۱۵ رأی مخالف اعلام شد. فشار و ارباب در پی اعلام نتایج افزونتر شد. در طول این مدت سه روز بازارها تعطیل شد و علما نیز از رفتن به مساجد خودداری کردند.

جامعه روحانیت از مبارزه منفی آیت الله خوانساری (نرفتن به نماز جماعت برای اعلام مبارزه) طی بیانیه ای یاد می کند:

به علت مراجعات و تقاضای حضرت باری عزاسمه همه امور و مشکلات حل شد و آقایان ائمه جماعت بعد از اطلاع از این که آیت الله خوانساری را نمازگزاران به مسجد بردند به اقامه جماعت و انجام وظایف خود مشغول گردیدند. ولی این نکته باید مورد توجه عموم قرار گیرد که عدم رضایت جامعه روحانیت و ملت مسلمان ایران باقی بوده و با خواست خداوند برای حفظ حریم مقدس اسلام در مواقع لازم تا سرحد امکان استقامت خواهند نمود.

جامعه روحانیت تهران

هشتم /رمضان المبارک/ ۱۳۸۲ (۱)

### رسیدگی به زندانیان

شخصیت سیاسی و نفوذ اجتماعی آیت الله خوانساری موجب می شد در سخت ترین شرایط که دیگران قدرت ابراز نظر نداشتند وی دست به اعمال نظر بزند. از این رو آنگاه که گروه عمده ای از علما مانند حاج باقر قمی، سید علی نقی تهرانی، سید محمد علی سبط و آیت الله محمد تقی فلسفی در زندان به سر می بردند به دیدارشان شتافته موجبات آسایش شان را فراهم سازد. آیت الله فلسفی در خاطرات خود (ص ۲۷۸) می نویسد:



معلوم شد که در بیرون منعکس شده است وضع ما در زندان چگونه است و بعضی رفته اند از آیت الله سید احمد خوانساری خواهش کرده اند که شما بروید و با زندانیها ملاقات کنید. قصد ساواک این بود که ما را به جای مناسبی ببرند و برای آیت الله خوانساری وانمود کنند که جای زندانیها اینجاست. آنچه شنیده اید حقیقت ندارد... پس از آن ملاقات اجازه دادند برای بعضی ها که وضع مزاجی خوبی نداشتند از منزل غذا بیاورند. (۱)

اقدامات آیت الله خوانساری در رسیدگی به وضع زندانیان و خانواده آنان بیش از آن است که در این مجال بگنجد با این حال به ذکر موردی بسنده شد.

### پانزده خرداد ۱۳۴۲ دستگیری امام

در پی موفقیت در برگزاری رفراندوم و سرکوب اعتراض علما شاه احساس کرد توانسته بر نیروهای مخالف مذهبی جامعه غالب شود بنابراین با استناد به اصل قانون اساسی که، مجلس شورای ملی نماینده قاطبه اهالی مملکت است، اعلام کرد: نصف جمعیت این مملکت تا کنون بر خلاف این اصل مسلم قانون اساسی از حق خود محروم مانده و ما این آخرین ننگ اجتماعی ایران را در انتخابات آینده برطرف خواهیم کرد. (۲)

در این برهه از تاریخ مراجع تقلید حوزه علمیه قم از امام خمینی، آیت الله گلپایگانی،... و علمای مجاهد پایتخت آیت الله خوانساری، بهبهانی، تنکابنی به مخالفت با طرحهای خائنانه شاه پرداختند هر چند علمای پایتخت بنا بر ملاحظات مصلحتی (حفظ عناصر اسلامی، روحانیت، نفوذ و حضور در مرکز) ناچار از مواضع گاه بی سر و صدا اقدام می کردند.

این بار نیز حرکت توفنده در قم و از طرف یگانه مرجع بیدار عصر امام

۱- - خاطرات حجه الاسلام فلسفی، ص ۲۷۸.

۲- - داستان انقلاب، ص ۲۰۳.

خمینی صورت گرفت. امام در آستانه عید نورز سال ۱۳۴۲ عزای عمومی اعلام کرد و نوشت: دستگاه حاکمه ایران به احکام مقدسه اسلام تجاوز کرده و به احکام مسلمة قرآن قصد تجاوز دارد... .

امام همچنین در جواب سخنرانی شاه، سخنان کوبنده سیزده خرداد را در مدرسه ایراد کرد:

ایا ما مفت خوریم که مرحوم حاج شیخ عبدالکریم ما وقتی از دنیا می رفت همان شب آقا زاده اش شام نداشتند یا که مرحوم بروجردی ما وقتی که از دنیا می روند ششصد هزار تومان بابت شهریه طلبه ها قرض باقی می گذارند؟ ولی آنهایی که بانکهای دنیا را از دسترنج مردم فقیر انباشته اند کاخهای عظیم را روی هم گذاشته اند باز هم ملت را رها نمی کنند و باز هم دنبال این هستند که منافع این کشور با ره جیب خود و اسرایی برسانند مفت خور نیستند؟ باید دنیا قضاوت کند... (۱).

شاه که از سخنرانی امام به شدت عصبانی بود، دستور دستگیری ایشان را شخسا صادر کرد. ساعت چهار بامداد پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ امام دستگیر و به تهران منتقل شد. بررسی عملکرد آیت الله العظمی خوانساری در این برهه از تاریخ خونبار میهن اسلامی که جو خفقان بر همه جا حاکم شده بود، به خوبی می تواند پرده از شهادت او بردارد. او در بخشی از اعلامیه ای که در ۱۳۴۲/۳/۱۶ خطاب به عموم ملت مسلمان صادر شد نوشت:

انا لله و انا الیه راجعون

مسئولین امنیت کشور با نهایت گستاخی حضرات آقایان مراجع عظام و علمای اعلام دامت برکاتهم را موافق اموری که مبایت آنها با شرع مطهر محرز و مکرر تذکر داده شده است جلوه می دهند حقیر در این موقع حساس لازم می دانم اولیاء امور را متذکر سازم انجام اینگونه اعمال ضد انسانی به حضرات علماء اعلام و قتل و

جرح مردم بی پناه نه تنها موجب رفع غاعله نخواهد بود بلکه جز تشدید امور و ایجاد تفرقه و وخامت اوضاع اثر دیگری نخواهد داشت. موجب کمال تأسف است که باید حریم مقدس اسلام و روحانیت از طرف اولیاء امور این چنین مورد تجاوز قرار گیرد انالله و انا الیه راجعون. (۱)

با انتشار خبر مربوط به دستگیری امام تظاهرات عظیمی در قم به راه افتاد که با دخالت پلیس رو به رو شد این خبر همان صبح به تهران رسید و با تعطیل شدن بازار تظاهرات بزرگی بر ضد رژیم از جنوب تهران آغاز شد. دانشگاه را نیز اعتراض فراگرفت و اندکی پس از آن آنان به سوی کاخ سلطنتی به راه افتادند. (۲)

تا اواسط اسفند ۴۲ امام همچنان در زندان بود و سرانجام بعد از دو ماه به خانه یکی از تجار تهران انتقال یافت.

با این حال سران اطلاعات و مقامات امنیتی از ملاقاتها جلوگیری می کردند و سختگیری از خودشان نشان می داد یکی از فضیلابی حوزه از همراهی آیت الله سید احمد خوانساری در این لحظات حساس هم خبر داده است او می گوید: اوایلی که امام در تهران به حالت تبعید به سر می بردند و ساواک نسبت به ملاقات با ایشان خیلی سخت گیری می کرد و لیکن افراد می توانستند با تحمل زحماتی ایشان را ملاقات کنند. یک روز صبح زود عازم دیدار امام شدم موقعی که به نزدیکی منزلی که امام در آنجا تشریف داشتند، رسیدم، مشاهده کردم افرادی که منتظر ملاقات امام هستند به صف ایستاده و به نوبت به محضر امام شرفیاب می شوند با کمال تعجب دیدم که مرحوم خوانساری هم جزء همین افراد (نفر شانزدهم) به صف ایستاده و منتظر رسیدن نوبت هستند تا با امام ملاقات کنند. (۳)

۱- نهضت روحانیون، ج ۴، ص ۱۱۰ و ۱۱۱، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۱۲۰ و ۱۲۱.

۲- داستان انقلاب، ص ۲۱۴.

۳- نور علم، شماره ۸، ص ۱۵.

## تبعید امام

لایحه اعطایی مصونیت سیاسی به مستشاران نظامی آمریکا، بار دیگر آتش انقلاب را شعله ور کرد و امام د اعتراض به آن کوبنده ترین سخنرانی تاریخ خود را ایراد کرد که منجر به تبعید ایشان در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۴۳ به ترکیه شد. (۱)

آیت الله خوانساری در این موقعیت، ذخیره و اهرم اصلی حوزه علمیه در تهران به حساب می آمد او با اعلامیه ها، گفته ها و در خواستهای خود حکومت شاه را در فشار قرار داد به صورتی که در ماجرای تبعید امام خمینی به ترکیه او توانست از موقعیتی که داشت استفاده کند. علمای تهران نیز غالباً اعتراضهای خود را در قالب نامه به وی اظهار می کردند (۲) و به این طریق نقش علمای پایتخت را باید در آن برهه حفظ خود برای حفظ قیام و فشار بر حکم زمان ارزیابی کرد.

اولین اقدام آیت الله خوانساری در ارتباط به تبعید امام خمینی تشکیل جلسه ای بود که ضمن ارزیابی اوضاع، اقدامات لازم را مشخص کرد. جلسه در روز ۵ شنبه، ۲۱ آبان ۴۳ با حضور علمای طراز اول تهران، حاج میرزا احمد آشتیانی، حاج سید احمد خوانساری و شیخ حسین محمد رضا تنکابنی در منزل مرحوم آشتیانی تشکیل شد و از وزیر دربار نیز دعوت به عمل آورد. دست آورد این جلسه اعزام سید فضل الله خوانساری (داماد آیت الله خوانساری) به ترکیه برای دیدار با امام خمینی بود. او در ۲۹ آذر ۴۳ امام را ملاقات

کرد و نامه هایی را که با خود آورده بود تسلیم امام کرد. (۳)

۱- - داستان انقلاب، ص ۲۲۳ تا ۲۲۴.

۲- - نهضت امام خمینی، ج ۲، ص ۲۲ و ۲۳ و ۴۲.

۳- - نهضت امام خمینی، ج ۲، ص ۵۱.

## تبعید به عراق

فعالیت‌های علنی و پشت پرده آیت الله خوانساری راز سکوت او را آشکاری می‌سازد و با این اهرم در صدد بود تا وسیله آزادی یگانه رهبر شجاع شیعه را فراهم سازد. ستاره خوانسار به خوبی می‌توانست از عهده آن برآید و از اهرم سکوت استفاده کند. تا آن جا که شاه طی پیامی شفاهی به آیت الله العظمی خوانساری توسط شریف امامی در ۴۴/۶/۱۷ گفت: خمینی را به عراق می‌فرستم یا به ایران بر می‌گردانم. (۱)

آیت الله خوانساری طی تلگرافی در مهرماه ۱۳۴۴ خوشحالی خود از انتقال امام به نجف را اینگونه ابراز داشت:

بشارت تشرف حضرت عالی به عراق موجب مسرت؛ دوام تأییدات در ظل مبارک ولی عصر (عج) از خدا مسألت و ملتمس دعا هستم.

احمد الموسوی الخوانساری (۲)

## قانون خانواده

آیت الله خوانساری با تمام گرفتاریهایی که اوضاع متشنج و در حال انقلاب ایجاد کرده بود، هرگز از مرکز قانون گذاری (مجلس) و امور داخلی کشور غفلت نکرد. در سال ۱۳۴۵ وقتی دولت لایحه ای به عنوان حمایت از خانواده تسلیم مجلس کرد او با مطالعه دقیق به اشتباهات فاحش قانون گذاری اشاره کرد و نوشت:

۱- - نهضت امام خمینی، ج ۲، ص ۹۹ و ۱۰۰.

۲- - اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۲۹۳.

راجع به لایحه خانواده مجلس شورا شده است. بعد از ملاحظه آنچه در آن درج شده است ظاهراً حدود دوازده ماده آن بر خلاف احکام اسلامی می باشد. حقیر تلگراف نمودم به جهت مجلس از قرار مسموع انتشار پیدا کرده امضای حقیر راجع به این لایحه. نمی دانم این افتراء و کذب محض از چه محلی ناشی شده است خداوند تبارک و تعالی همگی را از شر در این دوره حفظ نماید

احمد الموسوی الخوانساری (۱)

## حادثه ۱۹ دی

این حادثه با انتشار مقاله توهین آمیز علیه امام خمینی در روزنامه اطلاعات ۱۸ دیماه ۵۶ که بنا بر نظر محققان شخصا توسط شاه دستور تهیه آن داده شد، آغاز گشت. در بخشی از این مقاله آمده بود:

مالکان که برای ادامه تسلط خود همواره از ژاندارم تا وزیر و از روضه خوان تا چاقوکش در اختیار داشتند وقتی با عدم توجه عالم روحانیت و در نتیجه مشکل ایجاد هرج و مرج علیه انقلاب روبرو شدند و روحانیون برجسته معاصر حاضر به همکاری با آنها نشدند در صدد یافتن یک روحانی بر آمدند که مردی ماجراجو، بی اعتنا و وابسته و سرسپرده به مراکز استعماری و بخصوص جاه طلب باشد و بتواند مقصود آنها را تأمین نماید و چنین مردی را یافتند. (۲)

انتشار این مقاله که دروغ و دغل بازی سیاسی سرپای آن را پوشانده بود خشم عمومی خصوصا مردم قم را فراگرفت. درسها تعطیل شد و طلاب به منزل مراجع حرکت کردند و پس از تأیید حرکت خود از طرف مراجع در مسجد اعظم قم اجتماع کردند.

با این حال حادثه فردای آن روز یعنی صبح دوشنبه ۱۹ دی روی

۱- اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۳۰۳.

۲- تاریخ سیاسی معاصر ایران، مدنی، ج ۲، ص ۲۴۳ تا ۲۴۵.

داد. بازارها تعطیل شد و مردم شهر را یکپارچه بر علیه شاه بسیج کردند و مزدوران شاه این قیام انقلابی را به خاک و خون کشیدند. پیامی که امام در این باره صادر کرد، نوید بخش سرنگونی رژیم شاهنشاهی بود؛

با بهانه مختصری که مأمورین ایجاد کردند مرکز تشیع و حوزه فقاهت اسلام را در جوار مرقد پاک فاطمه معصومه (س) بست... من به ملت ایران با این بیداری و هوشیاری و با این روحیه قوی و شجاعت بی مانند نوید پیروزی می دهم... (۱)

آیت الله خوانساری در این زمان چیزی بیش از ۸۹ سال از سنش می گذشت. او دیگر نمی توانست همانند واقعه انجمنهای ایالتی و ولایتی همراه مردم در کوچه و بازار حاضر شود به اضافه این واقعیت که از ابتدا نیز علماء قم از وی همواره می خواستند در مواقع اضطراری به مذاکره و گوشزد کردن وظیفه و انحرافهای حکومتی با اولیاء امر بپردازید این بار نیز علماء از وی خواستار ایفاء نقشی بودند. آیت الله سید عبد الله شیرازی می نویسد:

... اینجانب طی نامه ای که به حضرت آیت الله خوانساری دامت برکاته، داشتم، خواستار شدم که به مقامات مربوطه تذکر دهند که وظیفه آنان است از روحانیت و احکام دین تجلیل نمایند و ایادی مرموزی که نسبت به آنان تعدی و تجاوز می نمایند کوتاه نمایند (۲).

حضرت آیت الله گلپایگانی نیز طی نامه ای به ایشان خواستار مذاکره و اخطار به مسئولین شد و اینگونه نوشت:

... مستدعی است به مسوولین امور اخطار نمایید که مسؤلیت این حوادث فجیعه که هم اکنون با دستگیری و تبعیدی بعضی طلاب محترم و سلب آزادی از مردم ادامه دارد، متوجه آنها است. و در برابر خداوند متعال مسئول هستید و جوابی نخواهند داشت... (۳).

۱- پیام انقلاب، ج ۱، ص ۱۹۵ تا ۱۹۴.

۲- نهضت روحانیون، ج ۷، ص ۴۷ و ۴۸.

۳- اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، مربوط به سند تاریخ، ۱۳۵۶/۱۰/۲۲.

آیت الله خوانساری این بار نیز با مقامات وقت مذاکره کرد و طی نامه ای در ۲۷/۱۰/۵۶ به آیت الله مرعشی نجفی در قم نوشت: از جهت وقوع حادثه در حوزه همگی مکدر و شدیداً متأثر، با مقامات مربوطه مذاکره شد... (۱)

### دیدار با امام

طوفانهای شدیدی که تا سال ۱۳۵۷ همواره در حال وزیدن بود، بالاخره بنیان سلطه پهلوی را از ریشه کند. امام خمینی در صبح روز ۵ شنبه ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ وارد ایران شد و در مدرسه رفاه تهران اقامت گزید. آیت الله سید احمد خوانساری با کھولت سن در حالیکه نود سالگی خود را پشت سر می گذاشت در مدرسه علوی شماره ۱ به حضور امام شتافت. آیت الله خلخالی در این باره می گوید:

به خاطر دارم که اوایل قیام آیت الله خوانساری... بعد از نماز مغرب و عشاء برای دیدن امام به دبیرستان علوی شماره ۱ آمده بود (۲).

### غروب ستاره خوانسار

بیش از ۹۶ سال از عمر پربرکت آیت الله خوانساری می گذشت یک هفته قبل از وفات آیت الله العظمی خوانساری اطرافیان را از وفات خود آگاه ساخت و سربر بالین نهاد. (۳) تا اینکه بعد از یک عمر تلاش در عرصه های گوناگون اخلاقی، معنوی، سیاسی و اجتماعی در اولین ساعات بامداد روز ۲۹/۱۰/۶۳ مطابق با ۲۷ ربیع الثانی ۱۴۰۵ ندای حق را لبیک گفت.

---

۱- اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۴۱۶.

۲- روزنامه سلام، ۱۳۷۱/۲/۱۷، خاطرات آیت الله خلخالی.

۳- گنجینه دانشمندان، ج ۹، ص ۱۵۰ - از وی تنها یک پسر به نام سید جعفر باقیمانده است.



دروس حوزه های علمیه تعطیل و از سوی دولت وقت یک هفته در سراسر کشور عزای عمومی شد و بازار تهران نیز به مدت سه روز تعطیل شد. با احترام و استقبال مردمی با شکوه پیکر مطهرش را به قم آوردند و بعد از تشییع بی نظیر حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی نماز میت خواند و در کنار مرقد مطهر حضرت فاطمه معصومه (س) به خاک سپرده شد. (مزار او کنار قبر علامه طباطبایی قرار دارد.) امام خمینی در بخشی از پیام خود به مناسبت رحلت ستاره آسمان فضائل سید احمد خوانساری، نوشت:

این عالم جلیل و بزرگوار و مرجع معظم که پیوسته در حوزه های علمیه و مجامع متدین، مقام رفیع و بلندی داشت و عمر شریف خود را در راه تدریس و تربیت علم و عمل به پایان رسانده حق بزرگی بر حوزه ها دارد. چه که با رفتار و اعمال خود و تقوا و سیره خویش پیوسته در نفوذ مستعد مؤثر و موجب تربیت بود. (۱)

آیت الله گلپایگانی نیز در بخشی از اعلامیه خود زوایای گوناگونی از فضائل او را بیان کرد.

... با کمال تأسف رحلت مرجع عالیقدر، بقیه السلف و اسوه فضائل و تقوا و فقیه اهل بیت (ع)، حضرت آیت الله آقای حاج سید احمد خوانساری (ره) را به آستان اقدس حضرت بقیه الله (عج) و به محاضر علمای اعلام و حوزه های علمیه و به عموم ملت مسلمان و شیعه جهان تسلیت عرض میکنم. آن فقیه روحانیت در علم و عمل و مخالفت هوی و اطاعت مولی و ترک اقبال به دنیا و انقطاع الی الله و جامعیت علمی و تدریس و تألیف عبادت و تواضع در بیش از نیم قرن مشار بالبنان و مسلم بین اقران بود... (۲)

۱- - نور علم، ش ۸، ص ۱۷.

۲- نور علم، ش ۸، ص ۱۷.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

